نژاد چین - زبان وخط چینی - عادات واخلاق و
روحیات ملت چین - اصول خانواده - صنعت وهوش چینی
مذهب در چین - فقر عمومی - معماری در چین
بهداری - محصولات ومعادن استانهای کشور چین
عادات ملی چین - مراسم وتشریفات اموات
خوراک اهالی چین - فلسفه درچین - موسیقی وادبیات
وتئاتر - کمیته اژدهای سبز - واطلاعات وسیع
وجالبی از کشور پهناور ۴۸۰ ملیونی چین که تا کنون
در هیچ کجا نخوانده اید در این کتاب مشروحاً
بنظر شما میرسد.

نگارش: سید مهدی فرخ

بها ۴۰ ریال

یکسال در کشور آسمانی

چین

تالیف سید مهدی فرخ

۱۳۳۱

هست آثار من دلیل وجود
بعد مرگم به بین تو آثارم

شرکت سهامی چاپ ـ [illegible]

علت نگارش

در ۱۳۲۸ که ازمسافرت چین مراجعت کردم جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر امورخارجه وقت از من تقاضا کردند که نتیجهٔ مطالعات خـود را در کشورچین بطور کنفرانس باستحضار اعضای وزارت امورخارجه برسانم چون دراینموضوع قبلا فکری نکرده بودم عذرخواستم ولی اصرار وجدیت فوق‌العاده ایشان وعلاقهٔ شخص من بآقای حکمت که از ایام طفولیت و دوستی خانوادگی سرچشمه می گرفت فـرمایش ایشان را پذیرفتم و درشب جمعه دوبهم دی ۱۳۲۸ در وزارت امور خارجه مشاهدات و استنباطات خودم را بطوراختصار دریکساعت وچند دقیقه بعرض آقایان محترم وزارت امور خارجه رسانیدم این کنفرانس اگرچه خیلی مختصر بود ولی جلب نظر آقایان محترم را نموده وجناب آقای حکمت اصرار نمودندکه راجع بمسافرت خود درچین و نتیجهٔ مطالعات ومشاهدات خود را روی کاغذ آورده ودردسترس جامعه قرار دهم اگرچه مقتضیات سن وگرفتاری های سیاسی مانع عمده این تصمیم بود ولی چون نسبت بکشور پهناور چین هنوز درایران کتابی تنظیم نشده واطلاعات ایرانیان نسبت باین کشور منحصر بخانواده محترم نمازی است وباجریان زندگانی وسیاست ملل درعصرحاضرلازم دانستم که دستور وخواهش دوست معظم خود را بپذیرم وبا گرفتاریهای سیاسی وکسالت روحی قلم در دست گرفته وازخداوند توفیق می‌خواهم که بانجام این امر موفقیت حاصل کنم وقبل از آنکه لبیك حق را اجابت کویم بتوانم این کتاب را بهم وطنان عزیز بنام ارمغان سفر چین تقدیم نمایم واگر بطوری که شایسته است از عهده برنیایم از قارئین گرام معذرت خواسته وازنقایص ومعایب آن عفو واغماض را ملتمسم .

سید مهدی فرخ

مقدمه

شناسائی و اطلاع ازطرز زندگانی ومعاشرت وتفکر وتعقل و اخلاق و روحیات ملل یکی ازعوامل مهم موفقیت سیاستمداران هر کشوری است وچنانکه تجربه بما ثابت کرده است عدم اطلاع باخلاق و روحیات یك ملت ویا زمامداران آنکشور طرف را دوچار اشتباهاتی نموده که بالنتیجه موجبات عدم موفقیت را فراهم نموده است وبهترین نمونه برای اثبات این مدعا اشتباه دیپلماتهای امریکا درکشورچین است: که مستراچسن وزیرامورخارجهٔ امریکا دریکی از نطقهای رسمی خود می گوید ما درکشورچین اشتباهاتی کردیم ولی امیدواریم درآتیه حتی المقدور کمتر اشتباه کنیم : که موجب شد یك کشور ۴۸۰ میلیونی طعمه کمونیست واستالین بشود علیهذا نویسندهٔ این کتاب که درمدت یکسال درکشورچین مدتی باناسیونالیستها ومدتی هم باکمونیست ها گذراندم بقدرمقدور ودرحدود مقدرت خود مطالعاتی نمودم که لازم دانستم اطلاعات ناچیزخود را دردسترس هموطنان گرامی بگذارم ولی قارئین محترم انتظار نداشته باشندکه من تاریخ سیاسی واقتصادی یامذهبی ویاجغرافیای کشورچین را بتفصیل شرح دهم زیرا برای مطالعه تاریخ وجغرافیای چین بقدری کتب متعدد نوشته شده است که طالبین می توانند مراجعه ومطلوب خودرا بدست آورند واگرمختصری ازاین قسمت ذکرمیشود برای تکمیل اطلاعات مقدماتی هموطنان شاید مورد استفاده واقع شود .

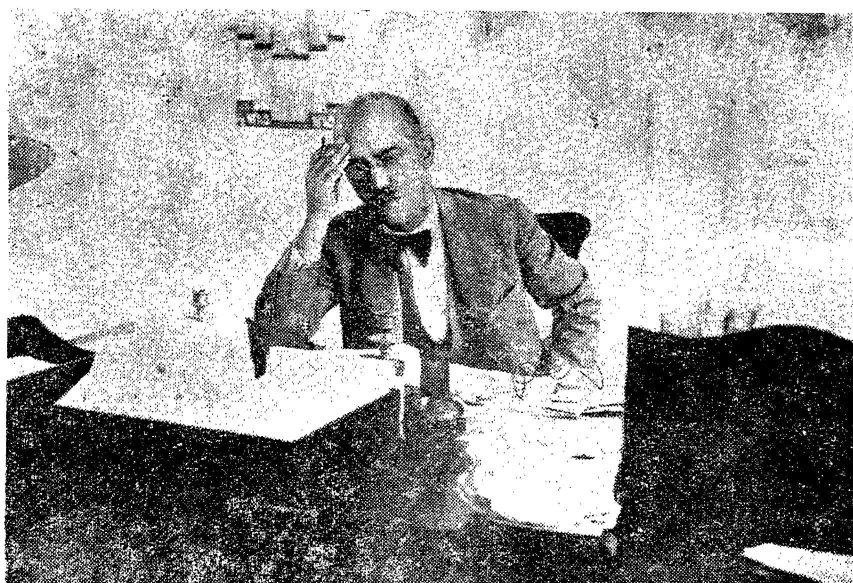
موضوع قابل توجهی که برای ما ایرانیان لازم است اطلاع بروحیات و اخلاق وطرز زندگانی وعادات ومعاشرت این ملت بزرگ واین کشور پهناوراست که این جانب با استعداد مزجات خود بقدری که توانائی من اجازه میداد در این کتاب شرح داده وامیدوارم تاحدی برای مطالعه کنندگان مفید واقع شود ودرحقیقت این کتاب سفرنامهٔ مختصری است که بامطالعه بحقایق وعمق روش سیاسی وطرز زندگانی وعادات و خط مشی سیاسی یك ملتی میتواند اطلاعاتی را در دسترس هموطنان محترم قرار دهد وامیدوارم درنظردانشمندان وارباب بصیرت اگرازمعایب ونواقص واشتباه مصون نباشد باتصحیح واصلاح آن نویسنده را قرین تشکرفرموده ومورد مرحمت قراردهند .

سید مهدی فرخ

بسمه تعالی

علت مسافرت چین

در روز شنبه ۵ تیر ۱۳۲۷ جناب آقای هژیر رئیس الوزرای وقت از من دیدن نموده واظهار نمودند من از عملیات قوام السلطنه نسبت بجنابعالی خجل بوده واز رفتار جناب آقای حکیم الملك متأسف هستم وچون از قراری که خودتان بدوستان فرموده بودید مایل بمسافرت خارج هستید ومحل مهیا وخالی حاضر نیست نمنی میکنم جنابعالی پست خود من را قبول فرمائید ومن فرمان سفارت کبرای چین را بشما تقدیم میکنم نظر باین که از جریانات داخلی وتحریکات کسل بودم بعلاوه مسافرت بکشور چین بطور ساده وسهل غیر عملی است و می دانستم مشاهدات دراین کشور خیلی قابل دقت خواهد بود پیشنهاد ایشان را پذیرفتم وچون اولین سفیر کبیری که از طرف دولت ایران بچین اعزام میشود من بودم بایستی سفارت کبری تأسیس شود برای تأسیس سفارت وهزینه آن مذاکره شد آقای هژیر اظهار داشتند موقعی که من برای سفارت چین مأمور شدم اعتبار لازم برای تهیهٔ اثاثیه وسایر احتیاجات تصویب شده واعتبارش موجود است که عیناً پرداخته خواهد شد بنا براین دیگر موضوع خاتمه حاصل نمود وآقای نوری اسفندیاری وزیر امور خارجه برای من آکرمان خواستند وروز یکشنبه ۲۰ تیر ۱۳۲۷ ازوزارت خارجه تقاضای ملاقات من را نمودند وپس از حضور دروزارت خارجه رسیدن آکرمان را رسماً اطلاع داده وفرمان شاهنشاهی صادر شد ولی در اینموقع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بلندن مسافرت فرموده بودند معهذا نامهٔ رئیس جمهور را یکی نامهٔ خاتمهٔ مأموریت وزیر مختار سابق Lettre De rappel ودوم نامهٔ معرفی سفیر کبیر جدید که هردو را از لندن صحه فرموده وارسال داشتند لمردرابل و Lettre De Créance بمن تسلیم و اعتبار مصوبه برای اثاثیه ومبل وغیره نیز پرداخته شد ولی برای حرکت بایستی تا مراجعت اعلیحضرت شاهنشاه صبر کرده وپس از استجازه از پیشگاه ملوکانه حرکت نمایم علیهذا بتهیه مسافرت پرداخته وبرای سفارت کبری معماری عالی وقالیچه و نقره آلات سیاه قلم کار اصفهان تهیه نموده و تذکرهٔ خودم و همراهانم نیز حاضر شد و بوسیله رئیس پست و تلگراف خرمشهر در کشتی Damra چهار کابین رزرو شد وبه بمبئی هم تلگراف شد که دراولین کشتی چهار کابین برای هنکنک تهیه نمایند و در شب دوشنبه ۸ شهریور که بافتخار مراجعت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درصاحبقرانیه از طرف دولت دعوت داشتیم اعلیحضرت فرمودند ... حرکت نکردهاید عرض کردم قبل از شرف بپیشگاه ملوکانه واستجازه نمیتوانم حرکت کرده باشم هروقت امر میفرمائید برای اجازهٔ مرخصی شرفیاب شده ونوری حرکت خواهم کرد فرمودند من بزودی شمارا احضار خواهم کرد وسه شنبه



سید مهدی فرخ مؤلف کتاب

نهم شهریور ساعت ۱۰/۵ احضارشده وپس ازاصغای اوامرملوکانه اجازه حرکت صادر ومرخص فرمودند باهیئت دولت هم خداحافظی کردم که روز شنبه بیستم‌شهریور حرکت نمایم روز چهارشنبه ۱۷ برای ساعت ۸ ازطرف سفیرکبیرچین من وخانم بشام دعوت شدیم دراین پذیرائی که خیلی صمیمانه بود آقای وزیر خارجه بواسطه گرفتاری عذر خواسته معاون وزارت خارجه و رؤسای ادارات مربوطه حاضر بودند دراین شام من غذا خوردن بادوچوب بطرزچینی‌ها را آموختم واین مهمانی باکمال گرمی ومحبت خاتمه حاصل کرده واز میزبان وخانم محترمه ایشان خدا حافظی کردیم .

روزجمعه ۱۹ تلگراف رسید که کشتی دامرا بعلل مخصوصی ورودش دوچارتأخیر شده و روز شنبه ۳ مهر حرکت نمائید علیهذا اجباراً حرکت بتأخیر افتاد و روز شنبه ۳ مهر ۱۳۲۷ ساعت ۷ صبح آقای سفیرکبیر چین و مستشار و اتاشه نظامی سفارت ودوستان واقوام وبسته‌گان من در راه‌آهن ازمن مشایعت فرمودند وآقای عدیلی نطفی بیان نموده وبآقایان حاضرین یکجلد کتاب کنفرانس‌های من را راجع بافغانستان که از طرف وزارت فرهنك طبع شده بود یادگار دادند و بادوستان‌مراسم تودیع بعمل آمده ساعت ۷/۵ ترن حرکت نمود .

روزیکشنبه ٤ مهر ساعت ۷ وربع باهوازوارد شده ورئیس راه‌آهن برای صرف صبحانه ما را بمنزل خود دعوت نمودند و پس ازصرف صبحانه ساعت ۸ صبح طرف خرمشهر حرکت کرده وساعت ۱۰/۵ وارد شدیم آقای فرماندار ازمن استقبال کرده ودراداره‌حکومتی ما را منزل دادند روزدوشنبه کشتی حرکت خواهدکرد علیهذا آقای متین فرماندار آبادان مارا بشام دعوت کردند در این میهمانی تمام رؤسای کمپانی نفت جنوب نیزحضورداشتند بذیرائی مجللی بعمل‌آمد وروز دوشنبه برای دیدن مؤسسات نفت جنوب بآبادان رفته و این مؤسسه عظیم صنعتی را مشاهده کرده و چند عکس هم برداشته شد .

درمدت تصدی وزارت صناعت من مؤسسات نفت جنوب را بازدید نکردم زیرابدون اجازه اعلیحضرت شاهنشاه فقید مجاز نبودم و ازدو دعوتی هم که کردند بدلائل سیاسی معذرت خواستم درموقع تصدی وزارت کشورهم که باهواز آمدم چون‌تمام منطقه درتصرف قشون انگلیس بود نتوانستم خودم را راضی کنم که وزیر داخله کشور باشم و برای انتقال بشهرهای داخلی کشور خودم از ژنرال اجنبی اجازه بخواهم وبهمین جهت بدون مسافرت بخرمشهر وآبادان ازخوزستان مراجعت کردم ولی دراینموقع که عازم چین بودم مانعی برای دیدن این مؤسسهٔ صنعتی مهم نبود .

باین جهت صبح دوشنبه تاظهروقت ما بتماشای مؤسسات نفت‌جنوب گذشت وآقای افخمی افسر نیروی دریائی که درواقع برادر زاده من بود درتمام مدت دوروز توقف در خوزستان منتهای مساعدت وپذیرائی را نمودند وچون تمام بارهای ما ازگمرك طهران بلمپ شده بود درگمرك خرمشهرمعطلی نداشتیم و بالاخره باتشکر ازمیزبانان محترم وسایر رؤسای‌ادارات مخصوصا رئیس تلگراف ساعت ٤ بعد ازظهر دروسط شط‌العرب



کشتی دامرا

وارد کشتی دامرا شدیم و ساعت ۹ کشتی حرکت کرد کاپیتان کشتی باحترام سفیر کبیر ایران مارا درعرشهٔ کشتی استقبال نمود و بوسیلهٔ مترجم احترامات لازمه را رعایت کرد ولی متأسفانه من ازامشب دوچار درد دندان شدم و با استعمال مسکن گذراندم ساعت ۹ روز سه شنبه ٦ درساحل کویت متوقف وساعت یك بعدازظهر حرکت کردیم

کشتی دامرا

این کشتی دارای ٤٨٠٠ تن ظرفیت است وبسیار تمیز وکابین های کشتی در درجه اول باحدی لوکس وغذا بسیار مأکول وبهتر است ولی آقای کاپیتان کشتی دارای اخلاق تام وکمال نژاد انگلوساکسن وبسیار متکبر ومغرور ولی البته باحدی مؤدب است

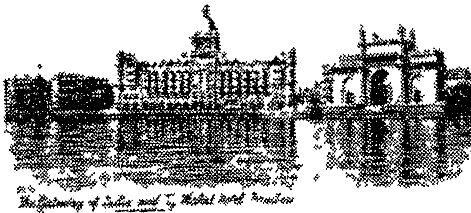
روز چهارشنبه ۷ ساعت ۹/٥ بساحل بحرین رسیدیم وبدون خودنمائی فوق العاده متأثر ومتکدر شدم زیرا محتاج بذکر نیست که ازصدوپنجاه سال قبل این دوهمسایه شمالی وجنوبی باسرنیزه وپست هم اندازیهای سیاسی اطراف مارا چیدند وقطعات کشور مارا ازما جدا کردند وبحرین که درملکیت آن بایران بهیچوجه حرفی نیست و اسنادی در آرشیو وزارت امور خارجه موجوداست معهذا بیست سال است آل‌خلیفه را انگلیس ها تحت نفوذ خود گرفته و بدون هیچ دلیل ومنطقی فقط وفقط صرف زور وقدرت درامور بحرین مداخله کرده ومانع ازاین هستند که دولت ایران ازحق مسلم خود استفاده نماید

درهرحال بقدری منظره بحرین مرا کسل کرد که داخل کابین خود شده وتاساعت حرکت کشتی خارج نشدم بالاخره ساعت پنج بعدازظهر کشتی دامرا ازبحرین حرکت کرد و صبح پنج شنبه [illegible] وارد اقیانوس هند شدیم و روز شنبه دهم ساعت ۲ درساحل کراچی کشتی [illegible] و چون درد دندان مرا مستأصل کرده بود بصورت [illegible] وسیله یك دندانسازی مراجعه کرده ولی دندان کشیدم واین دکتر [illegible] بی زحمت دندان کشید وسپس را بکشتی مراجعت کردیم [illegible] در کراچی صرف کرده وروز شنبه ۱۱ مهر ساعت ٦ ازکراچی حرکت کردیم وروز سه شنبه ۱۳ مهر ساعت ۱۰ صبح کشتی دامرا [illegible] آقای [illegible] قونسول [illegible] آقای بهادری [illegible] آقای کاردور که حقیقتا عضو بسیار لایق

ومجرب ومطلعی است ووجودش بسیار مؤثر ومفید میباشد اثاثیهٔ مارا ازکشتی دامرا باسارکشتی Canton کانتون منتقل نمودند و خودمان بمهمانخانهٔ تاج محل که از معروف ترین هتل های مشرق است وفعلا زرزو شده بود منتقل شدیم وباید باروز دوشنبه ۱۹ مهر منتظر باشیم تا کشتی کانتون ازلندن هجدهم وارد شود وما ۱۹ با این کشتی طرف هنکنک حرکت نمائیم

بمبئی

شهر بمبئی یکی از بنادر مهم شرق است که من از سالهای قبل آنرا دومین بندر شرق دانسته من در مسافرت زمستان در ۱۳۰۷ باین شهر آمده و آشنائی کامل داشتم ولی همراهان من مایل بودند که در چند روزه توقف در این شهر نقاط دیدنی ومراکز مهم آنرا دیده باشند و میزبان محترمه ما خانم آقای بهادری هم از مهمان نوازی واظهار



تاج محل در بمبئی

مهر خودستایانه فروگذار نکردند علیهذا خانم من و مریم باتفاق خانم بهادری موزه شهر و موزه شهرداری وباغ وحش و باغ معلق وسایر نقاط که دیدنی بودند بوسیلهٔ میزبان محترمه دیدند ومن هم بمعالجه دندان پرداختم وپس ازعکس برداری معالجاتی بعمل آمد که موقتا قابل تحمل بود

بالاخره روز ۱۸ مهر کشتی کانتون وارد شد وصبح سه شنبه ۱۹ مهر ساعت ۱۲ اعضای ژنرال قونسولگری وخانم ها ازما مشایعت کردند و دراسکله از دوستان وداع نموده و آقای کاررونی هم منتهای کمك و مساعدت را باما نمودند که همواره از لطف آقایان و بانوان محترمه متشکرم

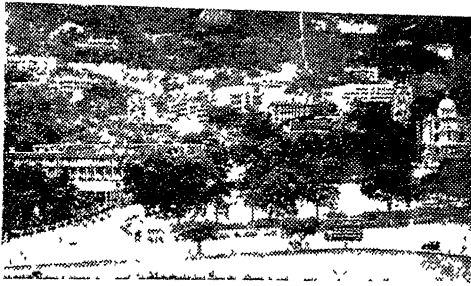
کشتی کانتون

کشتی کانتون ۱۸۸۰۰ تن ظرفیت دارد و دارای مزایای بسیاری است از قبیل استخرشنا وسالن سینما ومغازه برای خرید اشیاء مورد احتیاج ومغازه سلمانی واطبای لازم ومحل بازی برای اطفال وسالن غذاخوری که تقریبا ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر میتوانستند استفاده کنند مسافرین این کشتی فقط درجه اول و درجه دوم است و برای طبقات پائین تر جائی ندارد در این کشتی یکی از همسفرهای ما مهاراجه Drampour بود که پس از استقلال هندوستان موقعیت ومقام سابق را ازدست داده و چون مرد متمولی بود . . . ززاده . . . مخصوص خود برای گردش مسافرت میشود دراین کشتی لوازم . . . . . . بود سینما مورنك ورقص وگاهی قمارهای کوچك . .

وبازی لوتو وغیره نیزوجود داشت .

مریم چون هنوز طفل بود ازاستخرشنا استفاده می کرد و چون در منطقه حاره مسافرت میکردیم البته مطلوب بود .

روز چهارشنبه ساعت ۳ وارد کلمبو Colombo شدیم این شهر که بندر مهم سرانديب است فعلا مستقل ودرتحت امرحکومت هندوستان نیست انگلیس‌ها این جزیره را هم مستقل نموده وجزء دول کامین ولت وارد نمودند واین موضوع خیلی روشن‌است که سیاست انگلستان در تمام مدت ۱۵۰ سال اخیر این بوده است که ملل را به یك عنوانی بایکدیگر بمخالفت وادارو هریك را اسماً مستقل‌ورسماً زمام دردست انگلستان باقی بماند حکومت مستقله سرانديب نیز یکی ازاین شاهکار های لندن است چنانکه مشایخ ساحلی خلیج که تحت‌الامرایران بوده‌اند هریك‌را بنام شیخ مستقل معرفی کرده وتحت حمایت خودگرفتند و درهر موقعی که سیاست لندن اقتضا نماید برعلیه یکدیگر وارد مبارزه می‌نماید.



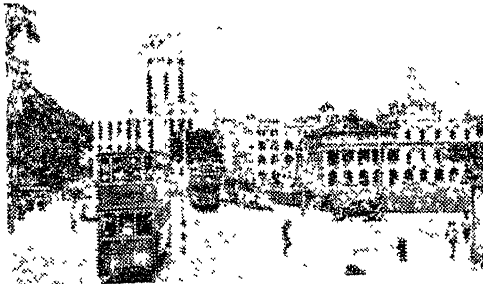
جزیره هنکنگ

درهرحال این جزیره دارای جنگل های زیاد و شهر کلمبو نسبتاً شهرزیبائی است برای تماشای شهر از کشتی خارج شده‌و بعضی ازقسمتهای شهررا گردش کردیم و اول غروب بکشتی مراجعت کردیم روزپنج‌شنبه ساعت ۱۲ کشتی کانتون از کلمبو حرکت‌کرد حال خط سیر ما از جنوب شبه جزیرهٔ هندوستان رو بشمال‌است ولی وارد خلیج کلکته نمی‌شویم واز شمال جزائر اندونزی درگوشه شمالی شبه جزیره مالایا ما روز یکشنبه ۲۵ به بننك pening رسیدیم وساعت ۵ بعدازظهر کشتی پهلو گرفت روز دوشنبه قدری درشهر گردش کردیم این شهر که درکنار کوهی مستور از اشجار جنگلی واقع و شهر زیبائی است ومزایای تمدن این‌عصررادارا میباشد وحتی‌فونی کولرهم دارد (فونی کولر راه‌آهن که‌ازکوه بالامیرود)روز دوشنبه ساعت۱۲ کشتی ازبه‌ننك‌حرکت کرد وساعت ده صبح سه شنبه وارد سنگاپورشدیم این شهر که بشکل پائی دردریا درازشده‌است آخرین نقطه جنوبی قطعه‌آسیاست شهری‌است بسیار زیبا ودارای تمام مزایای صحی وتفریحی ولی تمام مدت سال تابستان است زیرا روی خط استوا واقع شده متأسفانه چون انگلیسی نمی‌دانستیم وآدرس تماشاخانه‌ها را هم نداشتیم نتوانستیم ازتماشای شهراستفاده کامل بنمائیم فقط چند خیابان را گردش کرده وبکشتی مراجعت کردیم وشهرسنگاپور را درموقع مراجعت ازچین بتفصیل دیده و شرح آنرا بموقع مراجعت از چین واگذار می کنم .

درهرحال کشتی کانتون پنجاه‌ساعت درسنگاپور توقف نمود وخوار وبار محل احتیاج را تهیه کرد وبالاخره ساعت ۱۲ روز پنج شنبه ۲۹ مهر از سنگاپور حرکت کردیم همسفرهای ما یکی ژنرال قونسول ایران درتبریز است که حالا بسمت ژنرال قونسول دولت انگلستان درشانکهای منصوب شده باخانمش ودخترش باما همسفر هستندکاپیتن این کشتی مثل همه انگلیس‌ها خیلی مغرورومتکبراست روزهای یکشنبه درعرشه کشتی مراسم مذهبی بعمل می‌آید وساعت ۱۰ صبح کاپیتن بسمت قائم مقام کشیش پروتستان مشغول قرائت دعا وانجام مراسم مذهبی ویکنفر از موزیسین هاهم بزدن ارك مشغول میشود ما و عدهٔ دیگر از مسافرین که عیسوی نبودیم مؤدبانه درگوشهٔ بتماشای مراسم پرداخته و من حقیقتاً مشعوف بودم و نسبت بمراقبت انگلیس ها غبطه می‌خوردم که حتی در روی اقیانوس ها هم از مراسم مذهبی غفلت نمی‌نمایند : از سنگاپور خط سیر ما متوجه شمال می‌شود وبطرف کشورچین درحرکت هستیم ولی‌از بمبئی که حرکت کردیم درتمام شهرها عدهٔ زیادی ازسکنه چینی بودند بحدی که درسنگاپور چهارخمس جمعیت شهر چینی است وبالاخره روزدوشنبه ۳ آبان ساعت ۸ صبح کشتی کانتون درساحل‌جزیره هنکنك پهلو گرفت بمحض توقف کشتی آقای مهدی نمازی رئیس تجارتخانهٔ نمازی در هنکنك وارد کشتی شد اگرچه من ایشان را ندیده بودم ولی بمحض ورود ایرانی بودن او برمن مسلم شدآقای نمازی هم یابهمان تقریبی که من متوجه شده بودم ویا ازعکس های سابق در جراید متوجه شده فوری بسمت ما آمدند و پس از تعارفات لازم مارا بالتکا بطرف دیگر جزیره هدایت کرده وازآنجا بااتوموبیل ایشان ما را بخانهٔ خود بردند و اثاثیه سفارت را نیز گماشتگان ایشان ازکشتی بانبار گمرك‌منتقل نمودند .

جزیرهٔ هنکنك

این جزیره متعلق بکشورچین است و انگلیسی ها با همان ترتیبات و تشبثات که درتمام‌عالم‌دست روی ممالك دیگر گذاشته اند این جزیره را هم ۹۰ ساله ازکشور چین اجاره کرده اند وصد درصد جزء مملکت‌امپراتوری است وازجهت صحی‌وتشکیلات بلدی کاملا یك شهر غربی است و چون یکقسمت جزیره کوهی است پر از اشجارجنگلی بطرززیبائی راه‌های اسفالته و فونی کولر و لوله کشی آب و برق وغیره کاملا مرتب است



جزیره‌هنگنك

وشهر دارای واگن الکتریك واتوموبیل الکتریك ومقررات منظم و مرتبی است این جزیره ازبنادرآزادکشور انگلستان وکلیهٔ مال‌التجاره و اشیائی که باین جزیره وارد می‌شود بدون گمرك است وبهمین‌جهت قیمة اشیاء که صددرصد تمام مال‌التجاره‌انگلستان

است ازسایر نقاط ارزانتر فروخته میشود وشیها بواسطهٔ پست و بلندی شهر و در کنار دریا واز چهار طرف محصور بمنظرهٔ اوقیانوس است فوق‌العاده جالب و زیبا می‌باشد درمرتفع‌ترین قله این کوه مشاهده میشود که چندین استخرشنا ومحل بازی‌تنیس درطبقه بطبقه مرتب بوده تاسطح شهر و کنار دریا وپس از روشن شدن چراغ و انعکاس آن درآب دریامنظرهٔ فوق‌العاده جالبی‌خودنمائی می‌نماید وچون‌امشب شب تولداعلیحضرت همایون شاهنشاهی بود تلگراف تبریکی ازهنکنك بپیشگاه ملوکانه عرض شد .

درورود باولین نقطهٔ کشورچین قصیدهٔ ساختم که فقط چند بیت ازمطلع آن دراین کتاب ذکرمیشود وچون همه قصیده مفصل است ازدرج تمام آن معذرت خواسته اشعار این است :

السلام ای کشور زیبای چین — ای‌چراغ شرق درروی زمین
برتو و برپیشوایت صد سلام — باد از شاهنشه ملك انام
آسمانی کشور با مجدو فر — میلیونر زافرادهم ازمال‌وزر
سر زمین صنعت‌و تاریخ‌دهر — دست کی‌بازد کسی برتو بقهر الخ

برای حرکت بشانکهای تصمیم گرفتیم که اثانیه را بامحمد پیشخدمت باکشتی چینی روانه نمایم (کشتی انگلیسی دراین خطمهیانبود کشتی‌های چینی‌هم موارداطمینان ومخصوصاً ازنقطه نظرصحی مورداعتماد نمی‌توانست‌قرارگیرد) علیهذا سه بلیط طیاره گرفته و حرکت خود را بژنرال قونسولگری شانکهای تلگراف کردم ضمناً چون قالی‌های ابتیاعی ازطهران برای اطاق خواب ودفترمناسب نبود سه تخته قالی‌کارقشقائی که ارزان‌قیمة بود ازآقای‌نمازی خریداری نموده وباسایراثاثه باتفاق محمد شاپوری پیشخدمت شخصی‌خودم ازراه دریا روانهٔ شانکهای نمودم .

روز سه شنبه ۱٤ آبان ساعت ده باطیاره حرکت‌کردیم و ساعت ۳ بعد ازظهر درفرودگاه شانکهای طیاره بزمین نشست خانم بهجت‌السلطنه خانم‌آقای میرفندرسکی صبیهٔ مرحوم مشاورالممالك که نسبت بمن سمت پدری داشته ومن خودم را نسبت باولاد مرحوم مشاورالممالك ملزم میدانم که احترام وصمیمیت‌کامل را رعایت‌کنم بادسته‌گلی ازما استقبال فرمودند .

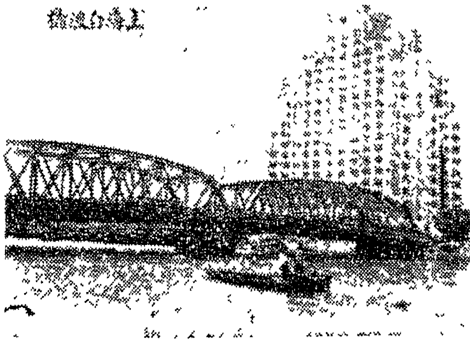
آقای نصیرالملك ژنرال قونسول شانکهای بافرزند ایشان وآقای فریدون دیبا فرزند سرلشکردیبا سردارمکرم نوادهٔ مرحوم علاءالملك که نواده عمو وسرعمه خانم من هستند باتفاق‌ایرانی‌ها ونمایندهٔ وزارت امورخارجهٔ کشورچین هریك دسته‌گلی‌هدیه فرموده وتبریك ورود وخیرمقدم گفتند کلنی ایرانی‌ها درشانکهای نیزهمه حضورداشتند و آقای احمد مدیر تجارتخانـهٔ آقای حاجی محمد نمازی در شانکهای نیز ازطرف تجارتخانهٔ نمازی تبریك ورود گفت .

پس از تشکر ازآقایان مستقبلین طرف ژنرال قونسولگری ایران حرکت‌کردیم واین مسافرت پنج روزه را درپنج ساعت باکمال راحتی گذرانده بمحل مقصود رسیدیم درحالی‌که اگر باکشتی می‌آمدیم پنج روز در راه بوده وباتشنجات بحری این منطقه

خیلی بزحمت می گذشت وازطرفی بواسطه اثاثیه سفارت مجبور بودم که گماشته خود را دراین قسمت باکشتی روانه نمایم وازراه دریائی طریق بعمل آید .

شانگهای و نمازیها

حاجی محمد نمازی دراینموقع درچین نبود و بسمت نماینده تجارتی ایـران در واشنگتن بـا هیئت سفارت کبری ایران همکاری مینمود آقای حاجی محمد نمازی شخصی است وطن پرست وخیرمثل تمام شیرازی‌ها باعلو نظر چنانکه درقسمت لوله کشی آب شیراز و بنای مریضخانه ومدرسه و سایر مؤسسات خیریه که این شخص تأسیس نموده شایسته اینست که تمام ایرانی ها مخصوصاً اهالی فارس ازاین مرد قدردانی نمایند علاوه بر صفاتی که فوقاً ذکر شد تجارتخانه نمازی در تمام بنادر شرق اقصی بسیار آبرومند وموجب سربلندی ایرانیان است زیرا درهریك از بنادر شرق اقصی نام تجارتخانهٔ نمازی بااحترام برده می شود .



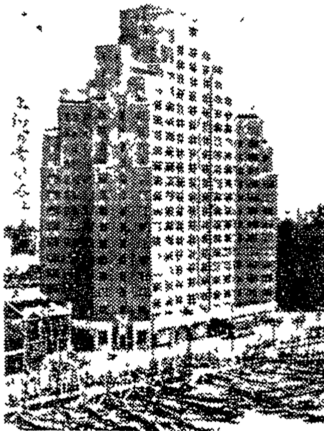
شانکهای

من درشهرهنکنك وبعد درشانکهای وبعدها درسنگاپور بی نهایت مسرور بودم که خداوند بایرانی‌ها هوشی کرامت فرموده که درهرنقطه ودر هریك از بلاد کره زمین خودرا معرفی کرده وتاحدی موجب سربلندی ایرانیان است من وقتی خودم را درهنکنك درخانهٔ یکنفر ایرانی باتمام مزایای یك تجارتخانه معروف و خوشنام دیدم بی نهایت خوشوقت شدم چنانکه درموقع مراجعت ازچین که بیش از ۱۵۰ نفر ازمأمورین سیاسی دول مختلف درهنکنك پیاده شدیم ازطرف حکومت انگلستان برای‌هرمیسیونی اتومبیل فرستاده ومحلی برای پذیرائی معین کرده بودند وقتی ژنرال کوورنر انگلستان بمن مراجعه کرد من بانهایت افتخارجواب دادم کلنی ما درهنکنك دارای محل مناسبی‌هستند واوتومبیل رئیس کلنی‌ایرانیان حاضراست ازمساعدت جنابعالی متشکرم ولی‌مزاحم شما نمی‌شوم .

با اوتومبیل تجارتخانهٔ نمازی که اوتومبیل آبرومندی بود بخانه نمازی منتقل شدیم وهریك ازسفرا که بدیدن من‌میآمدند تعجب میکردند که کلنی ایرانی‌ها درجزیرهٔ هنکنك دارای همچو عمارت ومبل و اثاثیه است و وجود تجارتخانهٔ نمازی ها درشرق اقصی بی‌نهایت اسباب سربلندی ایرانی‌هاست .

درهرحال درشهرشانکهای هم بواسطهٔ اختلافاتی که باچینی ها راجع بیك خانه ایجاد شده بود وحقاً هم یك دکترچینی تقلب کرده بود ودرموقع خود دراین کتاب ذکر خواهد شد . آقای طوطی مدیر تجارتخانه در شانکهای بامریکا رفته وآقای احمد تبعه

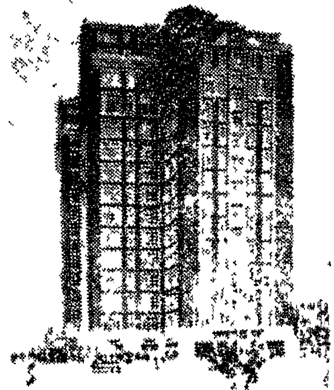
پاکستان متصدی نجارتخانهٔ نمازی بود واحمدهم شهدالله طبق دستور آقای حاجی محمد نمازی بسیار آبرومند وشرافتمندانه درموارد لازم اقدام وعمل می نمود .



شانگهای

شهرشانکهای که اول بندرشهر اقصی است برطبق همان اصولی که ذکرمیشود ازطرف دول معظمه تصرف شد وبنام شهر بین‌المللی هرمحله را یکی ازدول بزرگ اداره میکردند و بهمین جهت شهر شانکهای که دارای ٦ ملیون جمعیت است تقریباً یك شهراروپائی‌است وتمام مزایای شهرهای غربی را دارامیباشد از قبیل‌لوله‌کشی آب و واگن و اوتوبوسی الکتریك وخیابانهای اسفالته و ابنیه ۲۵ تا ۳۵ طبقه و مهمانخانه‌های بسیارعالی ومرتب باآسانسور و تجارتخانه های مهم و بالاخره شهری است که موجبات آسایش ووسائل زندگانی وصحیه کاملا مهیاست و پس از جنگ دویم بین‌المللی برحسب دخالت امریکائی‌ها مداخلهٔ سایر دول درشانکهای و تین تسن ممنوع وتمام شهر ومؤسسات آن بتصرف‌مأمورین دولت چین داده شده ودراینموقع که بشانکهای رسیدیم تشنجی درشهرایجاد شده بود که علت آن ذکر میشود .

برای تکمیل اثاثیهٔ سفارت بایستی بدانم که‌احتیاجات ما چیست علیهذا به نانکینك تلگراف کردم که آقای پارسا نایب دویم سفارت کبری با صورت اثاثیه موجود بیاید بشانکهای‌ومن برای معالجه دندان که بازهم در زحمت بودم برحسب معرفی و توصیه خانم بهجت السلطنه خانم‌میرفندرسکی بیك دندانساز روسی مراجعه کردیم دکتر لازم دانست که دندان‌را بکشد علیهذا انژکسیونهای لازم‌را برای بی حسی نمود ولی متأسفانه وقتی دندان را کشید من دوچار ضعف شدم ومثل اینکه رك مغز من را بکشند بی هوش شدم بالاخره پس ازخونریزی زیاد باحال بسیار بدی برنرال قونسولگری‌منتقل شدم بمحض ورود آقای‌پارسا رادیدم آقای پارسا فرزند آقای پارسا از تجار نجیب ومحترم خوی است که چند دوره به نمایندگی مجلس شورایملی انتخاب شده تحصیلات آقای پارسا در مدرسهٔ حقوق و زبان انگلیسی رادرچین آموخته جوان باهوش وزرنگی



شانگهای

است ومن درمدتی که درچین با این جوان همکاری میکردم ازایشان خیلی راضی بودم تنها تأثر من این بود که ایشان بشانکهای منتقل شدند وازهمکاری با آقای میرفندرسکی چقدر رنج کشیده اند من از این متأسف هستم که این پیش آمد هم برخلاف میل من بود) که از نانکینک تشریف آوردند ولی من طوری بی حال بودم که قادر به تکلم نبوده وپس از ۲٤ ساعت استراحت ومداوا تاخون بند آمد بی حرکت در تختخواب افتاده بودم وناچار از معالجه بقیهٔ دندانها صرفنظر کردم تادر نانکینک بدندانساز دیگری مراجعه شود .

بالاخره پس ازقدری تسکین یافتن خواستیم احتیاجات اثاثیهٔ سفارت را تهیه کنیم وبهرمغازه وارد شدیم دیدیم مثل مسجد ازخانه خدا پاك تراست درحالی که دوروز قبل تمام مغازه‌ها براز اشیاء محل احتیاج ازهرقبیل وحتی لوکس ترین ومجلل ترین اشیائی که در پایتخت های ممالك اروپا دیده می شد در مغازه‌ها بحدوفور موجود بود ولی در ٤۸ ساعت تمام این مغازه‌ها لخت ومثل اینکه این دکاکین تخلیه شده واساساً هیچ چیز دراین مغازه‌ها وجود نداشته است این منظره برای من تعجب آورد بود والبته قارئین محترم نیز تعجب خواهند فرمود و حال من علت این پیش آمد را باستحضار قارئین گرام میرسانم :

دلار چین

پول کشورچین دارای پشتوانه معین نبود اولیای دولت می گفتند پشتوانه اسکناس چین عمارتهای شانکهای وابنیهٔ دولتی است درموقع تصدی کمونیست ها نیز می گفتند پشتوانه اسکناس چین برنجهای چین است . بدیهی است بااین ترتیب اسکناس چین هیچ وقت وضع ثابت نداشت .

بااین مقدمه قبل ازورود ما بچین چون دلارچینی شکسته و چند ملیون اسکناس چین درمقابل یك دلار امریکا معامله می شد دولت پول را تغییر داد و اسکناسی منتشر کرد بنام جیوای و دولت هر٤ دولار چینی را درمقابل یك دلار امریکا قیمت معین کرد وامر نمود تمام اسعارخارجی باید باین قیمت بدولت تحویل شود ودرمقابل جیوای دریافت دارند محل معاملات عمده وتجارت هم شهرشانکهای است تجار این تصمیم دولت را نپذیرفتند علیهذا پسر جان کای چك مأمورشد وآمد بشانکهای که این تصمیم دولت را بموقع اجرا بگذارد کسانیکه در مقابل این تصمیم مقاومت میکردند شدیداً تنبیه میشدند وحتی درشانکهای یك سرهنگ ودوسه نفر دیگررا درمقابل همین عمل اعدام کردند ولی تأثیری نداشت تجار هم تمام مال التجارهٔ خود را مخفی کرده وتمام مغازه های بزرگ خالی بود ودر ۲٤ ساعت دراین شهر باین عظمت هیچ چیزخرید وفروش نمیشد واگردریك مغازه چیزی باقیمانده بود ازقبیل یك میز یا یك قفسه یك اتیکت روی آن گذارده بودند که فروخته شده است .

دراین وضعیت من بزحمت دریك خانه باهزار مشقت سه میز منبت کاری کار چین محرمانه خریداری کردم وبدون موفقیت مجبورشدم شانگهای راترك نمایم وجیوای چینی روزبروز ارزش آن کمترمیشد تاحدی که اواخر حکومت ناسیونالیست ها چند هزار جیوای چینی درمقابل یك دلار تسعیر میگردید .

شب چهارشنبه ازطرف کلنی ایرانیان‌درشانکهای‌تجارتخانهٔ آقای‌نمازی دعوتی بشام نموده وایرانی‌ها ورود من را تبریك گفته‌ومن‌هم نطقی‌مبنی برامتنان وعلاقهٔ‌ایرانی‌هارا بکشورچین‌تذکر دادم وعکسی‌هم برداشته شدکه از نظر قارئین محترم میگذرد وچون بایستی‌فردا ازشانگهای‌حرکت کنیم ازآقایان خدا حافظی کردیم .



کلنی ایرانیان

بالاخره روز چهار شنبه ١٢ آبان درحالی که ژنرال قونسول و تمام‌اتباع‌ایران مارا مشایعت‌نمودند ساعت ٨ صبح باترن سریع‌السیر با بلیط درجه اول طرف نانکیك حرکت‌کردیم .

راه‌آهن‌چین‌برای مسافرت روزکوپه مخصوص نداشت واطاق درجهٔ اول هم مثل اطاق درجه سویم درهرواگن بیش از ٤٨ نفر می‌نشستند وباکمال زحمت این مسافرت ٤ ساعته خاتمه حاصل نمود در استاسیون هنکنك رئیس تشریفات وزارت امور خارجه تبریك ورود گفت ودسته‌گلی بخانم اهدا شد ماهم با عرض تشکر باآقای جواد قدیمی مستشارسفارت کبرای ایران‌بااوتومبیل‌سفارت کبرای ترکیه ویك اوتومبیل کوچك ارسیستم تاکسی‌های تهران حرکت‌کرده وارد عمارت سفارت شدیم .

دفتر سفارت ایران

خانهٔ که محل سفارت بود ازقرار ماهی ١٨٠ دلار امریکا اجاره شده بود و تمام این خانه‌ازدویست‌متر تجاوزنمیکرد ودارای ٨اطاق بودکه‌بزرگترین آنها ٣ در٤متربود و درهمچو خانهٔ سفارت کبرای‌ایران‌منزل‌داشت علیهذا من مجبوربودم هرچه زودتر خانه که مطابق شأن و حیثیت سفارت باشداجاره نمایم و پس‌ازتفحصات وجد وجهد عمارت قاضی ـ القضات (رئیس قوهٔ قضائیهٔ سابق)را در



استاسیون نانکك

تبریك ورود رئیس تشریفات وزارت خارجه آقای سفیر کبیر ایران

ماهی ۷۰۰ دلار امریکا یکساله اجاره کردیم و یکسال‌هم باید اجاره قبلا پرداخت شود این باغ تقریباً ده هزار متر ودارای سه دستگاه عمارت بود یك دستگاه دارای ده‌اطاق ویك حمام و سالن ۱۴ متر در۷متر و سالاماتر (غذاخوری) برای ۲۴ نفر تا ۳۶ نفر قابل پذیرائی بود یك دستگاه دیگر درپشت این‌عمارت برای مستخدمین وآشپزخانه‌و یك حمام جدید اطاق هم در نزدیك در ورودی برای مستخدمین و گارد سفارت و دوگاراژ بود در ورودی سفارت هم بعلاوه یك باغچه‌کوچك تقریبا ۱۵متر در۲۰ متر بود که بعد ازیك مدخل دویم وارد باغ بزرگ میشد و ما محل بیرق‌سفارت را دراین باغچهٔ بدوی معین کرده و بانصب چوب بیرق بارتفاع ۲۵ متر در این محل قرار دادیم

درسردر عمارت نقش شیروخورشید و بزبان چینی وانگلیسی وفارسی‌سفارت کبرای دولت شاهنشاهی‌ایران را درروی سردر ورودی زیرعلامت شیر وخورشید ترسیم نمودیم وبلافاصله مختصر تعمیرات عمارات را خاتمه داده و سفارت را بخانهٔ جدید منتقل کردیم وچون فرش که عمده و اساس مبله کردن سفارت بودهمراه داشتیم در بانکیك احتیاجات سفارت را تهیه کردیم وباکمال سرعت تاحدی وسائل بدوی تهیه شد

روزجمعه ۲۴ آبان وزیرامورخارجه را ملاقات کرده رونوشت نامه هارا بایشان دادیم ومنتظرروز شرفیابی شدیم که ازطرف دربار روزسه‌شنبه ۲۲ آبان مطابق ۱۳ نوامبر ساعت۱۱ برای شرفیابی‌حضور رئیس جمهورمعین شد

شرفیابی

دکتروان شیجه Vanchitche وزیرامورخارجه ومارشال دربارورئیس تشریفات رئیس جمهور ورئیس تشریفات وزارت امورخارجه بایکنفرمترجم زبان فرانسه درموقع شرفیابی حضور خواهند داشت وروز موعود ساعت ۱۰/۵ دو اتومبیل دولتی بارئیس



شرفیابی سفیر کبیر ایران

تشریفات دربار ورئیس تشریفات وزارت خارجه برای مرافقت و هدایت هیئت سفارت کبرای ایران در عمارت سفارت حاضر شدند و در کشور چین اوتومبیل های دولتی را دو بیرق دردوطرف اوتومبیل نصب مینمایند و عدهٔ موتوسیکلت سوار اسکورت مینمایند درساعت ده وسه ربع در اوتومبیل اول سفیر کبیر ایران و رئیس تشریفات دربار ودر اوتومبیل دوبم رئیس تشریفات وزارت خارجه بامستشار سفارت ودر اوتومبیل کوچك خودمان دو نایب دویم حرکت کردیم .

سفارت ایران دارای یك مستشار و یك نایب دویم بود ولی درشانکهای معلوم شد که دولت چین برای ژنرال قونسولها و نواب آنها مزایای کر دیپلماتیك را منظور نمی نمایند و بهمین جهت سایر دول ژنرال قونسولهای خود را بعضویت سفارت خود مقیم شانکهای معرفی می کنند باین جهت من آقای فریدون دیبا را به هنکنك احضار کردم ودرروز شرفیابی خود بدربار بردم .

۷ دقیقه بساعت ۱۱ وارد درورودی قصر ریاست جمهور شدیم گارد نظامی احترامات لازمه را بجای آورده ودستهٔ موزیك سلام ایران را نواخته من و آقای قدیمی باللباس تمام رسمی ودونایب دویم سفارت بافراك ملبس بودیم پس از ورود در اطاق مارشال دربار پنج دقیقه توقف کرده بطرف سالن رئیس جمهور حرکت کردیم طرف دست راست من مارشال دربار ودست چپ رئیس تشریفات دربار وپشت سر من مستشار سفارت ودر دست راست او رئیس تشریفات وزارت خارجه وپشت سر آنها نواب سفارت وارد سالن شدیم درصد قدمی تکمرتبه ودرپنجاه قدمی درمرتبه دویم ودرپنج قدمی برای دفعه سویم تعظیم کردیم رییس جمهور باللباس نظامی و وزیرامور خارجه بافراك و نشان منتظر بودند رئیس جمهوری بمن دست داد و من نامه های اعلیحضرت شاهنشاه متبوع معظم خود را برئیس جمهوری تقدیم کردم .

رئیس جمهور ازاعلیحضرت شاهنشاه احوال پرسی فرمودند من باتشکر جواب عرض کردم واستدعای معرفی همکاران خود را نمودم و آقای میرزاجواد خان قدیمی را بسمت مستشار سفارت کبری و آقای علی اصغر پارساوفریدون دیبارا بسمت نیابت دوم سفارت کبری معرفی نمودم .

رییس جمهور نامه هارا دادند بوزیرامورخارجه وبعد یك تعظیم کرده عقب عقب در ۲۰ قدمی تعظیم دوم ودرپنجاه قدمی تعظیم سویم را نموده طرف چپ گرد کرده واز سالن رئیس جمهورخارج شدیم دراطاق مارشال یك گیلاس شامپانی بسلامتی اعلیحضرت شاهنشاه ایران نوشیده ودرموقع خروج مجدداً مارش ایران نواخته شد واحترامات نظامی بعمل آمد وباهمان تشریفات بسفارت مراجعت کردیم ،

ساعت ۱۱ وسه ربع مارشال دربار و رئیس تشریفات دربار ورئیس تشریفات وزارت خارجه ورئیس ادارهٔ ممالك اسلامی بسفارت ایران آمده مارشال از طرف رئیس جمهور خیر مقدم گفته وبسلامتی رئیس جمهور یك گیلاس شامپانی صرف شد یك قطعه عکس برداشته شد و آقایان مراجعت کردند .

برحسب تعیین وزارت خارجه روز چهارشنبه ۲۶ آبان با بن‌ژور و سیلندر بهمراهی



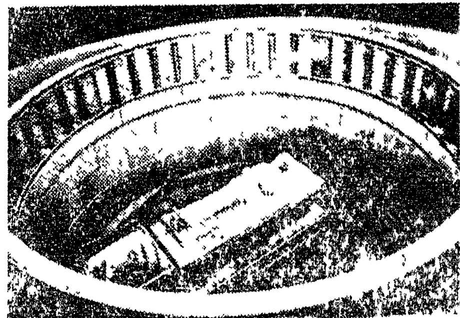
بازدید مارشال‌دربار چین از طرف رئیس‌جمهور

معاون تشریفات وزارت خارجه با مستشار و نواب سفارت دسته گل بزرگی تهیه کرده بآرامگاه سون یاتسن پدرجمهوریت حرکت نمودیم و این آرامگاه که از ابتدای ورود تامقبره ۳۸۵ پله ارتفاع دارد پیمودیم دراطاق جلو که مجسمه سون یاتسن را گذارده اند دسته گل را در پای مجسمه گذاردیم و بعد داخل مقبره که شبیه مقبرهٔ اعلیحضرت رضا شاه کبیر است وارد شده در اطاق زیر که قبر در آنجاست از نردهٔ بالا تماشا کردیم ولی مقبره اعلیحضرت شاهنشاهی مجلل‌تر است

و روی قبر سون یاتسن یك بیرق دولت چین کشیده شده بود بعد بطریقی که احترامات این محل است ازمقبره خارج شدیم وعدهٔ از نظامی‌ها که همیشه درآنجا بنام گارد احترام موظف هستند احترامات نظامی بعمل آوردند.

این محوطه که دردامنه این تپه واقع شده است تمام مشجر و اقسام کاج بقدری که دراین‌محل دیدم که‌درهیچ یك‌ازممالك دیده نشده است ودرتمام قسمت‌ها گل کاری بسیار زیبا دیده میشود وتمکت های سمنتی برای نشستن ساخته شده وتمام مجاری آب سمنتی ولوله‌کشی شده است ودرشهرنانکینك یکی از باصفاترین نقاط همین مقبره سون یاتسن است وتمام سفرای دول پس از شرفیابی دسته‌گل پای مجسمه پدر جمهوریت گذارده واحترامات لازمه بعمل میآورند وملت چین هم باین محل بانظر احترام نظرمیکنند پس از انجام این تشریفات بسفارت خودمان مراجعت کرده با مأمور وزارت خارجه خداحافظی نمودیم .

پس از شرفیابی چون ادیانس بعمل آمد باید از همکار های خود دیدن نمایم



قبر سون یاتسن

وبرطبق‌ترتیب بطورالاقدم‌فی‌الاقدم از سفرای کبار وبعد از وزیرمختار ها و بعد سایر داوئرها دیدن نمودم وآنها نیزهریك‌رسما بازدید کردند وضمنا برای تکمیل اثاثیه سفارت برای دو روز بانکهای رفتیم و تمام احتیاجات‌سفارت راتهیه کردیم فقط سرویس غذاخوری با مارك شیر و خورشیدحاضر نبود که دستوردادم‌از

لیدن تهیه نماید و آنچه نقره آلات لازم بود از طهران نقرهٔ سیاه قلم کار اصفهان تهیه
کرده بودم نقره سیاه قلم در چین البته چیز تازهٔ بود ولی شخصاً پشیمان شدم زیرا
نقره کاری چین بقدری عالی و مزیت دارد که عمل بیهوده مرتکب شده بودم

۲ درهرحال گلدان بزرگ برای وسط میز نهارخوری و شمعدان و زیرسیگاری‌های
نقره هم از شانگهای وسرویس مشروبات هم تهیه شد و باین جهت سفارت از حیث فرش
ومیز و مبل نهار خوری ودفتر تاحدی ممتاز بود و تنها نقیصهٔ مبل سفارت سرویس
غذاخوری بود که متأسفانه وقتی رسید که عیناً بسفارت کبرای ایران در کراچی تحویل
گردید و بنظر اینکه مهمانی‌های رسمی همکارها شروع شده بود من مجبور بودم در تکمیل
اثاثیه تسریع نمایم که بتوانم مهمانی‌هارا جواب بدهم و بهمین جهت بقدرامکان تسریع
شد وموفقیت هم حاصل گردید

نقیصه دیگر اتومبیل سفارت بود که بآقای نمازی تلگراف کردم یك اتومبیل
کادیلاك برای سفارت خریداری کرده قیمه آنرا تلگراف نماید که حواله نمایم آقای
نمازی جواب داد اعتبارسفارت چه مبلغ است

این جواب قدری بی ادبانه بود زیرا من گفته بودم هرمبلغی هست اطلاع دهید
تاحواله نمایم واین جواب بیك سفیرکبیری دور از اصول بود زیرا من تاجر نبودم که
اعتبارمن تحقیق شود

باین جهت جواب دادم لازم نیست آقای حاجی محمد نمازی هم که بسیارمرد مؤدبی
است متوجه اشتباه خود شد وعذرخواهی نمود ولی دیگر گذشته بود من بهتردانستم که
درخود شانگهای اتومبیلی تهیه نمایم واتفاقاً آقای حبیب‌الله طرزی وزیرمختارافغانستان
یك اتومبیل بیوك تازه وارد کرده بود که بفروشد من از اینموقع استفاده کرده این
اتومبیل را به ۳۵۰۰ دلار امریکا خریداری کردم و تا حدی اتومبیل آبرومندی بود
وچون سایرسفرای امریکای جنوبی وافغانستان ازموقعیت خود سوء استفاده کرده این
قبیل چیزهارا واردکرده وازمعافیت گمرکی سوء استفاده میکردند من بهتر دانستم که
حتی المقدور ازخارج چیزی وارد نکنم وچون اولین سفیرکبیر ایران باین مملکت هستم
تصور نشود که ماهم مثل سفرای امریکای جنوبی منظورمان تجارت وسوء استفاده است
ودرتمام مدت اقامت درچین حتی سیگار برگ هم ازخارج نخواستم وبانفسه گران تر در
بانکینگ خریداری نمودم که اساساً تقاضای معافیت گمرکی نکنم و این عمل سفارت
کبرای ایران دروزارت امورخارجه چین بسیار حسن اثر کرده بود و گفته بودند فقط سفارت
کبرای ایران است که تاکنون معافیت گمرکی تقاضا نکرده است

حال که شرح مسافرت خود را تا ورود بپای تخت چین شرح دادم لازم میدانم
اطلاعات مختصر جغرافیائی و تاریخی چین را شرح دهم که تاحدی مورد استفادهٔ قارئین محترم
قرارگیرد وپس ازشرح مختصرفوق مشاهدات واطلاعات و استنباطات خود را ذکر نمایم

مساحت وجمعیت چین

کشور چین محدود است از طرف شمال بسرزمین شوروی و ازطرف مغرب بگوشه
تنگه پامیر (افغانستان) وهندوستان وازجنوب بسیام و برمه و هندوچین وازشرق باقیانوس

کبیر وهمسایه گی کسور رابون و مجمع الجزایر فیلیپین.

مساحت کسور چین در لاروس ۱۱۷۹۵۱۰۰ کیلو متر مربع و آمای داوید سجو نمبر ۱۵٦۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع مینویسد ولی در تحقیق دقیق بطور قطع روشن نیست که تمام معولستان خارجی و تبت و غیره آیا جزء این مساحت میشود یا خیر وملاك این تحقیق چیست ودرهرحال مساحت اینکشور با تمام نقاطی که ذکرشده بدوازده ملیون کیلومتر مربع نمیرسد در را طبق کتب مدونه چینی مساحت تمام چین (کیلومترمربع ۱۱۵٦۲۱۸٤) وغیره ۱۳۸۸٦ کیلومتر جمعا (۱۱۵۷٦۰۷۰ کیلومتر مربع است

جمعیت چین را از چهار صدوشصت ملیون مینویسند تا ۵۵۰ ملیون ولی آنچه من درکسور چین تحقیق نمودم جمعیت تمام کسور چین با معولستان خارجی ومنچوری وتبت وغیره قطعاً از چهارصدو هشتاد میلیون تجاوز نمیکند

نژاد چین

اهالی این کسور از پنج نژاد تشکیل میشود (۱) نژاد خن که نژاد اصلی چین را تشکیل میدهد که در سواحل رودخانه زرد ساکن بوده وبعدها قسمت جنوبی چین را نیز متصرف شده وسکونت اختیار کرده اند (۲) نژاد من که مقصود نژاد منچوری است (۳) نژاد مغول که کامه مغل از (منغوشه وی) مشتق شده واین نژاد که بعضی آنها را ترك می گویند بواسطه اینکه مدتی تابع حکومت ترك بوده است آنها را ترك نیز میگویند و بعضی از علمای نژاد شناس مغلها را از نژاد منچوری میدانند محل سکونت مغولها درمنطقه شمال مغلیا بوده ومدتی تحت سلطه چنگیز و نواده گان او قرار گرفته (٤) نژاد خوی که نژاد مسلمان چین است این نژاد بادو نام نامیده میشود یکی نژاد چن خوی که در ترکستان چین زندگانی میکنند ودیگر نژاد خن خوی که درداخل کسور چین سکونت دارند ودور نمای اینها ترکی نیست ولی بسیار ترکی معولی تکلم مینمایند واین نژاد مسلمان بوده وعادت مسلمانی را حفظ کرده اند و در واقع عادات ورسوم اینها مخلوطی است از عادات اسلامی و چینی و کذا این چینی هم میدانند واز این مقدمه معلوم میشود که اسلام بدوا بوسیله ترك ها بچین داخل شده است و کلمه خوی را از ویغور گرفته اند و چینی ها دین اسلام را خوی جیاو میگویند یعنی دین ویغور. و ترکی (۵) نژاد شی زانی که نژاد تبت است و چینی ها این ... ... میگویند واین نژادهمان ساکنین تبت است

... معولی از خود ... در چین ... ... میگذارند ... ... ولی ... ... و ... مردها ... و ... ... وچینی مردها ... ... ردها را ... شد ... ... عموما ... مردها ... ... اصلاح ... ... که اولین ملتی که ... لباس را ... ... بوده است ملت چین است ... ملل از چین ... کرده اند ... ... بواسطه ... استعمال لباس ... ...

نژاد به بدنش بهیچ‌وجه‌مو نمی روید واینموضوع رادلیل برقدمت تمدن‌ملی‌چین میدانند و پیر مردها وزنها مویشان حتی سفید نمیشود وخیلی کم و به ندرت موی‌سفید دراشخاص مسن دیده میشود ولی‌اینموضوع منحصر بنژادخن که نژاداصلی چین‌است میباشد وسایرساکنین این کشور ونژاد اربعه‌دیگر دارای‌این مزیت‌نیستند.

حکومت چین

تشکیلات کشور چین شبیه بهیچ یك ازممالك عالم‌نیست وبطوری که بعداً ذکر خواهد شد اینکشور دارای تشکیلات مخصوصی است ولی قبل‌از اینکه بشرح وتوضیح تشکیلات کشور چین بپردازیم ناچار باید بطورخیلی اختصاراصول حکومت چین که قبلا سلطنت مستبده وبعد جمهوری‌شده‌است بیان‌نمائیم.

دولت چین از قرار نوشتجات مورخین چینی تقریبا از پنج هزارسال قبل سلطنتی بوده و قسمتی از تاریخ گذشته هنوزهم برای ملت چین تاریك است ولی آنچه معلوم و مورخین ضبط کرده‌اند بیست‌وپنج سلسله‌در ایـن کشور سلطنت کرده‌اند که عده آنها را تقریباً ۲۵۰ نفر نوشته‌اند ازاین عده‌سه‌نفر ملکه‌و ۲۴۷ نفرپادشاه بوده‌اند که باصطلاح محلی خاقان‌نوشته میشود وکلمه خاقان بجای‌قیصریا امپراطور یاشاهنشاه است‌و از این ۲۵سلسله سلاطین چینی دو سلسله‌را خودچینی هاخارجی میدانند یکی‌سلطنت مغولها که ۱۹۰ سال‌درچین سلطنت کرده‌اند ودوم سلسله‌منچوکو که ۲۶۸سال سلطنت کرده‌اند و چینی‌ها سلسله منچوری راهم‌خارجی میدانند درحالی که منچوری‌هم جزء کشور چین‌ودر حقیقت نمیتوان آنها را نسبت بمملکت چین‌خارجی دانست‌و بالاخره در۱۹۱۱ مطابـق ۱۳۲۹ قمری به پیشوائی سون‌یاتسن حکومت سلطنتی پس از چند سال که دوچارانقلاب وتشنجات شدید شده بود در۱۹۱۲ مبدل بجمهوری گردید.

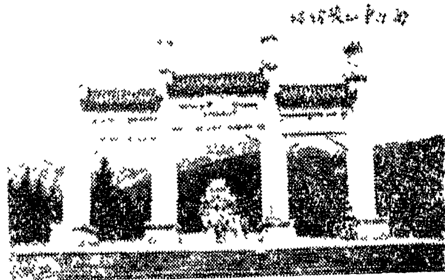
اصول‌حکومت چین‌مثل سایر سلاطین مشرق‌مستبده وخاقان اولوالامر بوده ولی مثل سوابق‌تاریخی ایران‌در هرایالتی یکنفر مقتدرزمام اموررا دردست داشته ودرامور داخلی آن‌حوزه مطلق‌العنان بـوده که تاحدی مطابق اصول ملوك‌الطوایفی حکومت میکردند .

آخرین پادشاه کشورچین‌ملکه بوده‌است‌ازسلسله منچوکو موسوم به(چی‌شی‌تایخو) که‌دراثرقیام آزادی‌خواهان بریاست **سون‌یاتسن** در۱۸۹۵ هجری‌درشهر کوانچوانقلاب شروع گردید وحکومت‌مرکزی آزادی‌خواهان راسرکوبی کرده عدهٔمقتول‌و بقیه‌فراری شدند ولی‌مجددا خودآرائی کرده ودرهر قسمتی برعلیه‌حکومت مرکزی انقلاباتی‌ایجاد نمودند تااینکه‌پس‌از ۱۷ سال زدوخورد موفق‌شدهٔدربین‌قشون‌هم تبلیغاتی کرده وبالنتیجه در۱۹۱۲ باهمراه کردن(**ژون‌شی‌کای**)وزیرجنک ملکه مجبورباستعفا شده وحکومت سلطنتی‌چین‌تبدیل بجمهوری گردید ولی‌**ژون‌شی‌کای** که بریاست‌جمهور انتخاب شده بود بخیال سلطنت‌افتاد ودرمقابل خودفقط‌حزب تونك‌منك‌هوی که بعدها تبدیل **بکمین‌تانك** شد ودراین حزب‌جان‌کای‌چك لیدرو پیشوا گردید مانع اجرای‌خیالات او بودمعهذا عده‌از



دکترسون یاتسن جمهوریت کشورچین

متنفذین را باخود همراه کرده اعلان سلطنت نمود ولی این سلطنت دو سه‌سال بیشتر دوام نیافت و آزادی‌خواهان بریاست سون‌یاتسن قدم بمقدم در ایالات قشون دولت را شکست داد وبالاخره در ۱۹۱۵ که ژون شی کای فوت شد آزادی خواهان دکترسون‌یاتسن را بریاست جمهورانتخاب نمودند و مشارالیه در ابتدای حکومت جمهوری مجبور بجنگهای‌داخلی گردید وپس‌اززحمات زیادتاحدی اساس حکومت جمهوری را مستحکم نمود مدت ریاست دکترسون‌یاتسن ده‌سال بود ودر ۱۹۲۵ فوت نمود وچون‌پکن مرکز وپای تحت حکومت مستبده خاقانی بودآزادی خواهان‌موافق پایتخت بودن پکن نبودند واین خیال بقدری قوت گرفت که پس‌ازفوت‌سون‌یاتسن جنازهٔ او را هم ازپکن بنانکنیك حمل کرده و در روی تپه که در شمال شرقی‌این شهرواقع است دفن نمودنـد آرامگاه سون‌یاتسن‌یکی ازباغهای بسیار زیباواز ابتدای این بـاغ‌تا قله‌این کوه ۳۸۵ پله‌ارتفاع داردوتمام این‌باغ مشجرو باگل‌کاری‌بسیار زیبا تزئین‌شده است وچون اعلان جمهوریت در نانکنیك شده بود پایتخت کشور چین را بنانکنیك منتقل کردند پس‌از مرك دکترسون‌یاتسن که درچین اوراپدر جمهوریت لقب داده اند ژنرال‌چای کای‌چك‌زمام‌دار وجانشین‌سون‌یاتسن گردید که مادرقسمت مشاهدات خود در چین سوابق و علل زمامداری و جدیت وخدمات چای‌کای‌چك راذکر خواهیم نمود .



یکی ازابنیه‌های شهر نانکینگ

ژنرال‌چای کای‌چك باقیام آیالات بر علیه مرکز حکومت جمهوری دوچارگردید وباجنگهای متعدد وزد و خوردهای متوالی بالاخره موفق شد تا حدی حکومت جمهوری را مستقر نمایدولی‌قبل ازآنکه وارد درموضوع‌اصلی خود شویم باید مختصرا سیاست دول بزرك را درچین تشریح کنیم تا مشکلات حکومت چین را بنوانیم درك نمائیم .

سیاست دول‌معظمه درچین

تاریخ قرن‌هیجده وقرن‌نوزدهم‌قرن‌استعماراست که دول‌اروپ بهروسیله وهردست

آویزی بدول آسیا و بممالك افریقا حمله کرده و به یك عنوان سلطه خـود را بملل تحمیل مینمودند یکی از ممالك پر جمعیت و پر ثروت کشور پهناور چین است که پس از سلطه فرانسه‌ها وانگلیس‌ها بهندوستان موردطمع وحرص‌و آزاین دودولت‌قرار گرفت و با این که قشون‌فرانسه درهندوچین ازچینی‌هاشکست خوردمعهذا بااقدامات سیاسی و بندو بست های دیپلماسی هندوچین‌تحت سلطه فرانسه مستقر گردید ورسماً جزء مستعمرات فرانسه شددولت انگلیس‌چندین مرتبه بچین‌حمله کرد واین‌فشارها بقدری‌زیاد بودکه ملت چین رابا‌تمام بردباری و خونسردی عصبانـی میکرد چنانکه یکمرتبه وزیرمختار انگلیس بعنوان این‌که خاقان چین بایدمن‌را فوری بپذیرد وخاقان‌بواسطه مریض‌بودن بچندروز بعد محول‌نموده بودکشتی‌های‌جنگی‌انگلستان سواحل‌چین رابمبارده کردندو دفعه‌دیگر دراثراقدامات تجاوزکارانه وتعدیات ژنرال قونسول انگلیس درنانکنیك اهالی‌شورش نموده وژنرال قونسول را بقتل‌رساندند وازایـن پس تحریکات واقدامات تجاوزکارانه اروپائی‌ها بقدری درکشور چیـن زیاد واقع شده است‌که خودکتابی جداگانه بایستی برشته تحریردرآوردو این‌اقدامات انگلیس‌ها وفرانسه‌ها طمع دولت امپراطوری‌روس را نیزبجوش آورده‌و آنهاهم بنوبه‌خود درمغولستان‌خارجی‌و منچوری شروع باقداماتی کردندو بالاخره ملت چین واشخاص منورالفکر باین‌فکر افتادندکه وطن‌خود راچگونه ازچنگال دول طماع نجات دهند ایـن‌فکر موجب انقلاب‌و تغییررژیم گردیدکه حکومت خاقانی رابجمهوریت مبدل‌نمود ولی بطوری‌که ماایرانی‌هاکاملا دراین قسمت گرفتار دو همسایه متجاوز بودیم‌و بهروسیله ما را میتراشیدند دولت‌وملت چین هم بهمین درد مبتلا بود مثلا در ایران‌روس‌ها قفقاز و ترکستان راازماجداکردند وانگلیسها افغانستان و بلوچستـان وتمام‌سواحل خلیج‌وعمانات راازماجداکردند وباتحریك عثمانی قسمت‌عراق عرب وبغدادکه باغ داد انوشیروان‌است وهنوزخرابه‌های پای‌تخت‌ایران (مدائن) در این شهر خودنمائی‌میکندو بصره‌و غیره‌را ازماجداکردند وحتی درکمیسیون سرحدی ۱۳۳۰ قمری‌درقسمت‌شمال حق برای‌ماقائل‌ودرقسمت‌جنوب برای‌عثمانی‌ها ایجادحق‌مینمودندزیرا روس‌ها بآذربایجان‌ماوانگلیسها به بغدادوسواحل بصره‌چشم‌طمع‌دوخته بودندعیناًهمین‌رویه درکشورچین تعقیب میشد تبت را انگلستان‌تحت نفوذ قرارداد ومغولستان خارجی‌وحتی منچوری راروس‌ها تحت‌سلطه ونفوذخودگرفته وبندرپرت ارتورا مجهز کردند فرانسه هاهم‌که هندوچین را برده‌و دراینجاطمع آلمان بجوش آمد وبعدازآنکه درجنك ۱۸۹٤ و۱۸۹۵ دولت چین در مقابل ژاپون‌شکست خورد دولتهای انگلستان وروسیه‌و آلمان وفرانسه‌و ژاپون هرك‌خطه وسیعی‌را بعنوان‌منطقه نفوذ متصرف شدند دولت‌امریکاکه این‌رویه را برخلاف منافع‌تجارتی خود تشخیص‌داد اقداماتی نمودکه منجر بتعهد دول معظمه برای‌آزادی‌تجارت‌که معروف به(درباز) گردید چینی ها از این عملیات عصبانی شده و جمعیتی بنام بوکسر ها تشکیل داده و سفیر کبیر المان را در پکن کشتند و درنتیجه اقدامـات دول اروپ بوکسرهـا مغلوب و دولت چین مبلغـی بعنوان خسارت

پرداخت ولی امریکائی‌ها چندسال بعد نصف مبلغ مأخوذه را بچینی‌ها مسترد داشته و بعدها درجنك تریاك بازهم چین مغلوب وهریك از دول معظمه سهمی بردند و جزایر هنکنك را انگلیس برده و شهرهای شانگهای و تین تسن را بین‌المللی اعلان نمودند و دراین جریانات دولت ژاپون هم که ۸۰ سال است وارد درجرگه دول معظمه شده است وازاین خوان یغما سهم بیشتری ادعامینمود و بالاخره درشهرهای بین‌المللی ژاپون هم یك محله را تصرف نمود جزیره فرمز وچند جزیره دیگر راهم که قبلا ربود و بالاخره چون روس‌ها طمعشان مثل انگلیسها حدی نداشت ناچاردرشرق اقصی جنك ۱۹۰٤ درگرفت وروسیه اجباراً از پرت ارتورومنچوری دست کشیدوژاپون گذشته ازتصرف کره ونصف جزیره ساخالین یك حریف راهم درچین ازمیدان بیرون کردوبخیال تصرف منچوری و بعدتمام چین منتظر فرصت شدتا درجنگ اول بین‌المللی که آلمان راهم بیرون‌راند وکیاچو درایالت شانتونگ وکلیه جزایراقیانوس کبیردرشمال خط استوارا که سابقا سهم آلمان بود تصرف نمودولی حریف دیگری از مشرق واردصحنه شدکه از ۱۹۰۵ منافع تجارتی خودرا درشرق اقصی درنظر داشت ومبارزه بااومشکل‌تر بودچنانکه بعدها ورود دولت امریکا موجبات شکست ژاپون‌را فراهم کرد ولی موضوع مهم‌تر درتمام این‌وقایع سیاست روس‌و انگلیس وژاپون این بودکه ازپیشرفت چین جلوگیری شود زیرا اگردولت ۵۰۰میلونی ارکانیزه و مجهز شودخطرزرد که سالهاست اروپائی‌ها از آن سخن‌میرانند پیش‌خواهدآمد علیهذادرهرقدم از ترقی وپیش‌رفت چین جلوگیری‌میکردند تااین که ژاپون‌دیگر معطل نشد وبدون‌پیش‌بینی وقایع آتیه بچین حمله نمودزیراشروع اصلاحات ومخصوصاتشکیلات نظامی چان‌کای‌چک موجب تسریع در حمله ژاپون شد وتمام‌کارشکنی هاوجنگها ودخالت‌ها برای جلوگیری ازترقی چین‌عملی میشدودر خاتمه‌جنك دوم بین الملل روس‌ها موقع‌رامغتنم‌شمرده بدون اینکه متحمل تلفاتی درشرق‌اقصی بشوندوباره منچوری رامتصرف شده‌و بندردایرون (Dayron) رابجای پرت ارتور مسلح کردند وعلاوه برتصرف‌منچوری اولین خیانتی که‌دولت کومونیست چین‌و مائسه‌تونگ بکشور خود کردند تصدیق استقلال مغولستان بود که‌درواقع‌تحویل نمودن‌این ایالت‌وسیع بکشورشوروی بوداین عمل‌اولین‌اجرومزدی بود که‌استالین‌ازمائسه‌تونگ گرفت‌وملت‌چین باانظر تعجب وتالم‌آوری بااین صحنه‌می نگرد زیرابنام‌وطن‌پرستی‌ونوع‌دوستی‌وحفظ‌حقوق کارگروزارع قسمتی‌ازکشوررا بروسهاتسلیم نمودند. بعلاوه نقدیمی دویم مائوتسه تونگ‌وچوئین‌لای بشوروی‌واگذاری بندردایرون یاپرت‌ارتور است که بعنوان‌عدم‌انعقادصلح باژاپون‌دولت‌چین کمونیست‌اجازه‌داد که‌قوای نظامی‌شوروی بندرپرت‌ارتوررادرتصرف‌خودنگاهدارد ولی‌دولتی که بندرنظامی‌دایرن‌را درخلیج پیچ‌لی دردست داشته‌باشد حاکم برخلیج پکن بوده و بواسطه‌تصرف‌نظامی‌پرت ارتورالبته باید خط ارتباط را هم حفظ نماید و با این امر ساده در واقع حکومت منچوری در دست شوروی باقی‌می‌ماند وبطور قطع قبل ازجنك سوم بین‌المللی وروشن شدن اوضاع دنیا دولت شوروی ازمنچوری دست نخواهدکشید وبعنوان تهدیدژاپون این ایالت‌راهم تخلیه

نمیکند و این خیانت دویمی است که حکومت کم مونیست چین نسبت بوطن خود نموده است و اگر درست دقت کنیم باخت انگلیسها و برد روسها را واضح و روشن می بینیم زیرا حکومت کم مونیست چین تبت را تصرف کرد و انگلیسها را بیرون راند ولی پس از ٤٨ سال روسیه بآمال خود رسید و بندر پرت ارتور و ایالت منچوری و مغولستان را مجددا تصرف نمود و آیا در آتیه قوهٔ خواهد بود که شوروی را از این دو ایالت مهم و بزرك خارج نماید مورد تردید است در هر صورت ملت حقیقی چین و اشخاص وطن پرست چین با نهایت بغض و کینه با این دو عمل توجه دارند تا تاریخ دنیا و جنك آتیه چه تکلیفی برای روسیه معین نماید و در هر حال این قدم اول رسمی بود ولی اگر جنك سوم بین الملل شروع نشود تمام کشور چین مستعمره روس ها خواهد بود مگر این که مائسه تونك و چوئین لای بالاخره متوجه شده و اگر بتوانند تی توی شرق بشوند والا تاریخ چین این آقایان را خائن بکشور خود ثبت خواهد نمود .

درهرحال منظور این است که در تمام این مدت و از ابتدای قیام سون یاتسن کشور چین هم مثل ایران گرفتار نقشه ها و پشت هم اندازیهای دول معظمه قرار گرفته و در هر قدم مشکلی برای او ایجاد کرده و تمام انقلابات داخلی بدست خارجی ها و طمع ورزی ژنرال های طماع چین صورت گرفته و مانع از پیش رفت این کشور بودند و حالیه هم درچنگال کومونیست دست و پا میزنند تا مقدر چه باشد و آتیه دنیا درمقابل طمع ورزی دول بزرك تا چه حد بخاك و خون کشیده شود و دولی که درمقابل طمع ورزی کم مونیست ها و نقشه های شوم مسکو که پیروی از وصایای پطر کبیر است قرار گرفته اند. بچه بدبختی ها و خون ریزی ها دوچار شوند فقط ملل مسلمان عالم باید با یکدیگر متحد شوند و شاید بیاری خداوند متعال از این ورطه هولناك نجات پیدا کنند لعل یحدث الله بعدذالك امرا

تشکیلات کشور چین

کشور چین که با صول جمهوریت اداره میشد دارای سه مجلس است یکی مجلس مؤسسان یا کنگره عمومی کشور که هر ٦ سال یکمرتبه با انتخابات عمومی فردی و مستقیم تشکیل و عدهٔ منتخبین ٣٠٤٥ نفر که از هر ناحیه یکنفر انتخاب میشود و مهم ترین وظیفه این مجلس انتخاب رئیس جمهور است برای ٦ سال مجلس ثانی مجلس شورای ملی چین (پارلمان) که دارای ٧٧٣ عضو است که مستقیم و فردی انتخاب میشود وظیفه این مجلس مثل تمام پارلمان های دنیا قانونگذاری و نظارت دراعمال دولت است و مدت این مجلس سه سال است مجلس سوم مجلس تفتیش امور کشور است که انتخاب آن بوسیله شوراهای ایالتی عملی می شود عدهٔ اینها ٢٢٣ نفر و برای ٦ سال انتخاب میشوند

رئیس جمهوری

رئیس جمهور که بوسیله کنگره یا مؤسسان انتخاب میشود دارای سمت عالیه تمام قوای کشور دارد و رئیس الوزراء مستقیما ازطرف رئیس جمهور انتخاب میشود هیئت دولت چین تشکیل میشود از دوازده وزیر و چهار رئیس کمیسیون بشرح ذیل:

وزیر امور خارجه- وزیردفاع ملی- وزیرداخله- وزیردارائی- وزیرارتباطات وزیر فرهنك-وزیراقتصاد ملی- وزیردادگستری-وزیر فلاحت‌وآبیاری وجنگلها-وزیر فوایدعامه-وزیرخواربارعمومی‌وزارت بحریه-رئیس کمیسیون‌اداره‌مغولستان‌خارجی‌وتبت رئیس کمیسیون‌صحیه عمومی-رئیس کمیسیون‌املاك‌ملی رئیس کمیسیون‌چینیهای‌مقیم‌خارجه: هیئت‌دولت‌از‌این۱۶ نفرتشکیل‌میشودومستقیماً مسئول‌رئیس‌جمهوروومجلس‌شورای‌ملی‌هستند

رؤسای خمسه

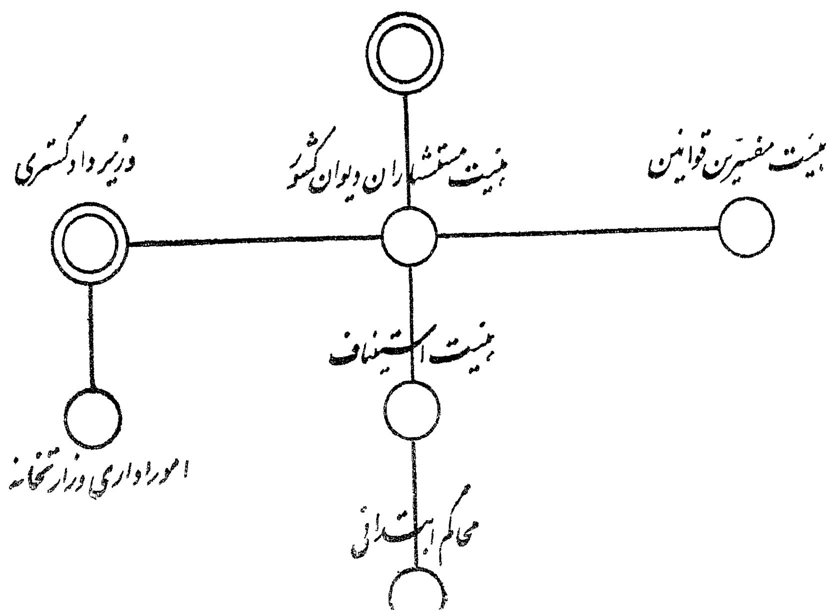
این نامیکه نگارنده مینویسم برای اینست که نام دیگری نیافتم زیراکشور چین تشکیل میشود ازپنج‌قوه: قوه‌مجریه - قوه‌مقننه- قوه‌قضائیه- قوه‌امتحانیه- قوه تفتیشیه

وظایف رؤسای‌پنج گانه

رئیس جمهور که بوسیله‌مجلس مؤسسان‌یا کنگره برای ٦سال‌انتخاب میشوددارای اختیارات وسیعی‌است‌تعیین هیئت‌دولت وفرماندهی کل قواوریاست‌برتمام قوای‌پنج گانه با رئیس جمهوراست معاون‌رئیس جمهورنیز ازطرف کنگره انتخاب‌میشود ودرموقع استعفا یافوت قبل‌از ٦سال‌قائم‌مقام رئیس‌جمهور خواهد بود .

(۲)رئیس‌قوهٔ‌مقننه برای‌مدت‌سه‌سال‌ازطرف‌ملت‌انتخاب‌میشودوظایف‌رئیس‌قوهٔ‌مقننه عبارت‌است ازانتخابات‌نمایندگان کنگره ونمایندگان‌پارلمان‌ونمایندگان‌مجلس‌تفتیشیه‌و ریاست عالیه برقوای قانون‌گذاری

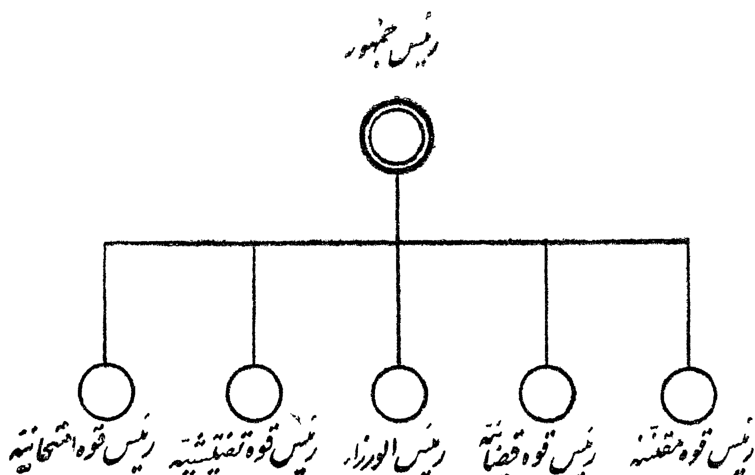
(۳) رئیس قوه‌قضائیه که‌ازطرف عموم‌ملت مثل‌رئیس‌قوه‌مقننه برای۳سال انتخاب میشوددررأس‌تمام‌قوه‌قضائیه‌است‌و تشکیلات‌قضائی کشورچین‌مطابق نقشه‌ذیل تشکیل‌میشود:



تشکیلات وزارت دادگستری منحصر است بامور اداری و رابط بین هیئت دولت و قوه قضائیه است دادستان‌ها و دادیارها هم مثل سایر قضات تحت ریاست رئیس قوه قضائیه هستند و وزیر درعزل و نصب آنها دخالتی ندارد.

٤) رئیس قوه امتحانیه نیز برای مدت سه سال ازطرف ملت انتخاب میشود وظیفه این قوه کلیه امتحانات و تشخیص صلاحیت تصدی تمام مستخدمین وقضات و کسانی که باید بهرعنوانی خدمتی دردولت بعهده داشته باشند.

٥) رئیس قهوه تفیتشیه نیز بـرای مدت سه سال انتخاب می‌شود وظائف رئیس قوه تفتیشیه عبارت است از رسیدگـی بتمام امور کشور ومجلس ۲۲۳ نفری که ازطرف شوراهای ایالتی برای مدت ٦ سال انتخاب میشوند نیز بارئیس قوه تفتیشیه ارتباط خواهند داشت واین قوه حتی در اعمال وزراء ووکلای پارلمان هم حق تفتیش دارد بنابراین راوس دولت وتشکیلات کشور چین بقرار ذیل خواهد بود

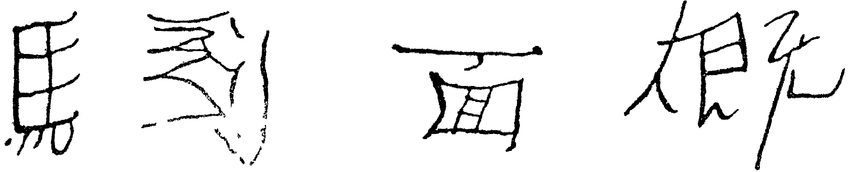


کشور چین از جهت فرهنگی پس از جمهوریت قدم‌های مهمی برداشته ودر قسمت های مختلف این کشوردارای علمائی است که ازدول منرقی درجه اول کم‌تر نخواهد بود مثلا علمای شیمیست درچین در نمام دنیادارای مقام علمی درجه اول هستند وحتی در ایـن قسمت نسبت بسایر علمای ممالك غرب هم همسری نموده و دردرجه علمی از آنها کم‌تـر نیستند .

مدارس چین تا زمان حکومت ناسیونالیست ها برگرامش تقریبا مثل برگرام سایر ممالك است وعده مدارس در نمام کشور چین تاموقـع تغییر رژیم بقرار ذیل بوده است مدارس ابتدائی -۲۱۷۷۵۸- مدارس متوسطه-۲۷۱۹- ودارای ۱۷ دانشگاه میباشد.

زبان وخط چینی

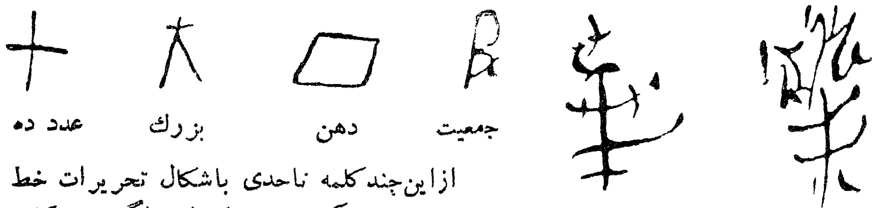
زبان چینی در تمام کشور یکی نیستو در بعضی قسمتها بقدری مختلف است که محتاج مترجم میشوند. مثلا مستر استوارت سفیر کبیر دولت امریکا در نانکینك که سی سال رئیس دانشگاه پکن بوده است چینی پکنی را در کمال فصاحت صحبت میکرد ولی در نانکینك گاهی محتاج بمترجم میشد و این موضوع نسبت بسایر ایالات چین هم از همین قرار است و این اختلاف مثل کشور ایران نیست که در لهجه کاشی و یزدی و کرمانی ورشتی ومازندرانی مشاهده میشود اصولا کلمات معانی دیگر دارد و اکثراً بدون مترجم مذاکرات بایکدیگر را استنباط نمی نمایند ولی خطدر تمام کشور بریك نوع است ولی متاسفانه بسیار مشگل وشاید بیش از ۱۲ هزار شکل را باید شخص محفوظ باشد تا بتواند بخط چینی مکاتبه نماید ومن برای اطلاع قارئین محترم چند کلمه برای نمونه دراین کتاب رسم می نمایم ولی باید متوجه بود که هر کلمه که بصورت نقاشی نوشته میشود دارای معنی ومفهوم مخصوصی است.



عالی   صورت   مملکت   اسب



داخل شوید   عمله   مرکز   انسان   مردم   فلز-طلا



جمعیت   دهن   بزرگ   عدد ده

خ   مر

ازاین چند کلمه تاحدی باشکال تحریرات خط چینی توجه می شود که چقدر مشکل است اگرچه نه کلمه که نوشته شده است سعی کردم از کلمات سهل تر انتخاب شود ولی پنج کلمه دیگر درجه اشکال نوشتن خط چینی را تاحدی واضح میسازد و بعضی کلمات ازدو کلمه اخیر هم نوشتنش مشکل تر است و بهمین جهت محررین کشور چین خیلی کم و نادرهستند ودرجامعه چینی نویسنده گان دارای مقام مهمی بوده وحقیقتاً دارای هوش و حافظه فوق العاده هستند

پس از شرح مختصری نسبت به تشکیلات وطرز حکومت اینك بشرح مشاهدات خود در چین میپردازیم

عادات واخلاق وروحیات ملت چین

قبل‌از شروع باینموضوع بایدطرزحکومت‌را درایالات‌و نقاط بعیده‌تشخیص بدهیم وبعد وارد اخلاق عمومی شده‌وروحیات‌این‌ملت بزرك‌را بسنجیم بنابراین بایدمتوجه باشیم که این کشور پهناور بمعنائی که‌ما تشخیص میدهیم تمام‌نقاطش تحت‌سلطه‌قطعی حکومت‌مرکزی چین‌نیست زیرا درایالات‌مختلف‌مثل‌ **سی کیان‌سین کیان (ککو ر) تبت‌منغولیا یوهان کوانسی یون نان** هریك‌دارای ژنرالی است که‌درواقع‌خان و فرمانفرمای آن‌ناحیه‌است قشونی هم دارد نسبت بجمعیت آن ایالت‌مثلا کوانسی که‌۹ میلیون جمعیت دارد قشونی هم بعدهٔ دویست هزار نفر دارد و این ژنرالها درمواقعی که ازطرف حکومت مرکزی احضار میشوند با قشون خودشان‌در مرکز حاضرمی‌شوند وحتی گاهی هم‌حاضر نشده با حکومت مرکزی مخالفت میکنند چنانکه‌در موقع‌حمله ژاپون بچین که‌مارشال چای‌کای چك مشغول جنك بود وعقب‌نشینی میکرد درموقعی که‌تصمیم گرفت مرکزخود را درشهر چون‌کینك قراردهد خان یاژنرال‌آن ناحیه‌موافقت نکردوچان‌کای‌چك مجبور شد با قوهٔ قهریه واردان ناحیه بشودواین عمل‌بما نشان میدهد که‌رویه‌خان‌های محلی‌درکشور چین ازچه قراراست‌واگر قدری‌دقت کنیم بی شباهت بطرز حکومت ایران قبل از سلطنت اعلیحضرت پهلوی نیست‌زیرادردوره قاجاریه وقبل‌ازآن هم‌در ایالات ایران روواسائی بودند که صورتاً‌مطیع‌حکومت‌مرکز بوده‌ولی‌معناً خودسر ودر حوزهٔ‌حکمرانی‌خودمطلق العنان‌بودند‌مثلا اقبال‌السلطنه ماکوئی مطیع ولیعهد و مرکزحکومت‌نشین‌آذربایجان شهرتبریز بود ودرموقع‌حمله‌قشون دولتی بشهر تبریز بفرماندهی عین‌الدوله‌اقبال‌السلطنه یك‌اردوی۴هزار نفر بریاست عزت‌الله‌خان سالارمکرم‌بتبریز فرستادوباآزادی خواهان هم‌وارد جنك شد ولی در داخله ماکو امرو دستوری‌از طرف‌ولیعهد قابل اجرا نبود چنانکه یکمرتبه‌فرستاده محمدعلی میرزا ولیعهد رابچوب‌بست وتحت‌الحفظ روانه‌تبریز کردوبولیعهد تلگراف نمود جون نسبت به‌پیرغلام‌بی احترامی کرد تنبیهش کردم‌پنج‌هزار تومان نقد تقدیم‌شد ازطرف‌ولیعهد هم‌بسکوت گذشت درواقع نمونه حکومت رواسای چینی درایالات‌مختلف‌از همین‌قرار بودوقشونی که‌برای کمك‌حکومت‌مرکزی‌میفرستادند مطیع رئیس‌خود بوده و اطاعتی‌از ارکان حرب نداشتند مثل‌قوای چریکی‌سابق‌ایران که‌بختیاری و قشقائی وکلهر وسنجابی و غیره هریك درموقع جنك‌مطیع رئیس طایفه خود بوده‌و اگر رئیس طایفه در وسط میدان‌جنك‌جبهه راترك میکرد تمام‌عده اوهم از رئیس خودمتابعت کرده جبهه‌را ترك می نمودند واین‌موضوع درموقع حمله کم‌مونیستها کاملا واضح و روشن شد که در موقع خود ذکرخواهیم‌نمود بعلاوه در بعضی ازقسمتهای کشورچین هنوزخارجی قدم‌نگذاشته واطلاعاتی‌از بعضی‌ایالات‌چین دردست نیست‌وشاید نقاطی هست که‌هنوز بعد ازچهل سال تصور میکنند حکومت چین سلطنتی‌است و خاقان مشغول حکمرانی‌می باشد ودرموقع حمله‌ژاپون‌نقاطی‌از کشور چین اطلاع از حمله‌دشمن نداشتند ووسائل‌ارتباطوسایروسائلی که موجبات‌سلطه‌حکومت مرکزی‌را فراهم نماید فاقد هستند وآنچه محقق است که تحت امر و سلطه حکومت مرکزی‌است همان حاشیه

اوقیانوس کبیر است که از شمال منچوری شروع میشود (ولی خود منچوری همیشه تحت امر چین نبوده گاهی روس ها و گاهی ژاپونیها در تصرف داشتند) و تاپکن و نانکینك و وشانگهای وکانتون و چند ایالات مرکزی زیادتر نیست وسایر ایالات ارتباطشان با حکومت مرکزی همان قدر استکه مرحوم دوست محمدخان بلوچ درادوار سابق یاشیخ خزعل یااقبال السلطه نسبت بحکومت مرکزی ایران داشتندولی پس از تشکیل حکومت جمهوری سون یاتسن و چان کای چك نهایت جدوجهد بعمل آمد که کشور چین را ارکانیزه بکنند ولی بواسطه سیاستهای خارجی و مداخلات اجانب همواره حکومت مرکزی با آنها در کشمکش بوده است و بهمین جهت اگرچه تاحدی موفقیت حاصل کردند ولی هیچ وقت کشورچین بتمام معنی ساکت و اهالی درامنیت وآسایش نبوده ند ودرتمام مدت قرن اخیر نقاط مختلف چین با یکدیگردر زدوخورد بوده اندو ازطرف حکومت مرکزی هم کمکی بهیچ یك قابل عمل نبوده است ولی سون یاتسن باین کار شروع نموده وچان کای چك که جانشین سون یاتسن شد نهایت کوشش را نمود که قشون چین رااز کانیزه نمایدوهمانطور که اعلیحضرت پهلوی مؤسس قشون ایران است بایدتصدیق کرد که مارشال چان کای چك نیز مؤسس قشون چین می باشد زیرا بدواً که رئیس مدرسه نظام بود نهایت سعی و جد و جهد رابعمل آورد که صاحبمنصبان وظیفه شناس تربیت نماید و بعدبوسیله همین افسرها تشکیلاتی درقشون داد وتا حدی که توانست ۸سال درمقابل قوای ارکانیزه ژاپون مقاومت نماید ولی مهمترین نقطه ضعفی که تا حال درقشون چین بوده است رقابت و خودخواهی و عدم صمیمیت ژنرال ها با یکدیگر و بامرکز فرماندهی است که ماجزئیات آنرا درعلل شکست حکومت ناسیونالیست درمقابل کمونیستها بیان خواهم کرد.

اصول خانواده

در کشور چین مهمترین ارتباط و اتصال بوسیله اصول خانواده گی مرتب ومنظم می شود ومی توان تصدیق کرد که بدون خویشی و انتساب خانواده گی هیچ فردی با دیگری کمك نمی کند واین حس در چین بقدری قوی است که اگر کسی در خیابان زیراتومبیل برودو بعضی از اعضای بدنش قطع شود یا فوت نماید احدی باو کمك نخواهدکرد مگراین که یکی از بستهگان یاافوامش برسند وموجبات نجات یاآسایش اورا فراهم نمایند و بهمین جهت در تشکیلات کشور نیز اصول قوم وخویشی وانتصاب کاملا مؤثراست ویکی ازعلل شکست چیان کای چك همین موضوع است که نسبت بافوام و بستهگان خود بی حد مساعد و حمایت می کرد وبطوری که در کشور چین معروف بود تمام ثروت این کشور در دست چهار خانواده موسوم به خانوادهٔ فونك ، سونك ، چونك ، چیانك بوده است و حتی شنیدم که رئیس خانوادهٔ فونك در امریکا درتمام بانکها اعتباری بی حد و باصطلاح ouverte (باز) دارد و نیز در تمام تجارت خانه های عمده این چهار خانواده شرکت داشتند وخانم چیان کای چك بی اندازه از افوام خود حمایت می کرد وگاهی وزیری که معین می شد تمام اعضای وزارتخانه را از بستهگان وافوام خودمعین می نمود وهمین موضوع

موجب می‌شد که رشوه گرفتن بطورعادی تلقی می گردید وبدون ترس‌وبیم و باطمینان مقامات بالاتر اکثر رشوه می گرفتند وهرقدرهم چیان‌کای‌چك سعی کرد که این‌موضوع را تغییربدهد وجلوگیری‌کند کاملا موفق‌نشد زیرا یکی‌ازروحیات واخلاق عمومی چینی پول‌دوستی است ودرتمام کشور چین یکنفر یهودی وجود ندارد زیرا خود چینی‌ها در امور اقتصادی بقدری مبرز وزبردست هستندکه هیچ یهودی در این‌کشور نمی‌تواند استفاده نماید وحتی درسایر بلادکه کلنی چینی ها مستقر شده‌است تمام امور اقتصادی آن‌ناحیه دردست چینی‌ها قرار گرفته است وزیر مختار فیلیپین بمن می گفت تمام امور مالی واقتصادی ما عمقاً درید چینی‌هاست و هرقدر کوشش می کنیم نمیتوانیم‌جلوگیری کنیم .

زیرا هوش طبیعی و اخلاق مقتصد چینی‌ها برما غالب است وحریف نمی‌شویم و علاقه مالی افراد نیز بحدی‌است که قابل‌توجه‌است وشدت پول‌پرستی چینی‌هارادرمراسم اعیاد واظهارتبریك بیان خواهیم‌نمود وحتی خود مارشال چیان‌کای‌چك هم ازاین رویه عمومی بر کنار نیست چنانکه دولت یك‌عمارتی که بیش‌از یك‌میلیون‌ونیم دولار امریکا تمام‌شده وملك دولت بود بدکتر سون‌فوپسرسون‌یاتسن هدیه نمود ومعلوم‌نیست دولت چگونه مال‌عمومی کشوررا به‌یك‌نفرازرجال آن‌مملکت هدیه‌می‌دهد درروزنامه‌هاهم‌اظهار خیلی دادوفریاد کردند ولی‌کسی اعتناء نکرد ودکتر سون‌فو هم خانه‌را متصرف بود ومی گفت که‌این‌عمل‌مهمی نیست‌ویک‌هدیه دولتی‌است - souv‹nir gouvernomental مرحمت شده است و وقتی درست دقت کنیم خیلی هم غیر طبیعی تلقی نمی شد و از همین‌قرار نسبت باصول خانواده گی عموماً این‌قبیل مساعدت‌هارا بکلی‌عادی‌میدانند زیرا دکتر سون‌فوپسرسون‌یاتسن پدر جمهوریت‌ناپسری خواهرخانم چیان‌کای‌چك است و چون تقریباً خواهرزاده خانم رئیس‌جمهور است می‌توان مال‌مملکت را باو هدیه‌داد وبیشتر استفادهٔ کم‌مونیست‌ها از همین‌امور بودکه برضد حکومت تبلیغ می کردند ولی وقتی خودشان‌هم زمامدار شدند ازاین رویه مبری‌نبوده ونخواهند بود زیرا روحیات واخلاق عمومی مستلزم همین عملیات است وباید سال‌ها بگذرد تاتربیت جدید جای‌گزین اخلاق سابق‌شود در هرحال خویشی واصول خانواده تنهاموقعیت قابل‌توجه وقابل‌استفاده‌است که‌درکشور چین جریان‌دارد .

احساسات عمومی

بطوری که قبلا تذکر داده‌ایم ملت‌چین بواسطه صدماتی که از خارجیها دیده و خساراتی که از خارجی‌ها تحمل کرده است وفشارهای ظالمانه واهانتهائی که اروپائیها و ژاپونی‌ها نسبت بملت‌چین وارد کرده‌اند عموم ملت‌چین نسبت بخارجیها تنفر عجیبی دارند واین‌تنفر بحدی‌قوی وغیر قابل فراموشی‌است که درمواقع مشکل وپیش‌آمدهای غیرمنترقب وتزلزل‌حکومت وضعیت خارجی‌ها بسیارمشکل وخطرناك‌است‌واین‌تنفرعمومی وخصومت درونی‌چینی‌ها باخارجی‌هاقدری‌هم‌مربوط‌بروحیه ملت‌چین است زیراچینی‌ها بی نهایت کینه‌جو ومنتقم هستند .

هیچ امری برای چینی قابل فراموشی نیست انکلیس‌ها درموقع تسلط خود درشانکهای باغیرا برای تفرج وتفریح و کلوپ خودشان معین ومرتب کردند ولی روی همان اصل خودخواهی نژاد آنکلوساکسون روی درباغ نوشتند (دراین باغ سك حق دخول دارد ولی چینی حق ورود ندارد) چینی‌ها این اهانت‌را بایك کینه وبغضی دیده و تحمل می‌کردند .

تا روزی که سلطه آقایان انگلیس‌ها متزلزل شد روی درهمین باغ نوشتند (دراین باغ سك حق دخول دارد ولی انگلیسی حق ورود ندارد) درموقعی که قشون ناسیونالیست ها شکست خورد وشهر نانکینك بدست قشون کم مونیست افتاد کارد سفارت هم با قشون چای کای‌چك عقب نشینی کردند و سفارت ایران بدون مستحفظ بود حکسومت کم‌مونیست هم بما نوشتند شما .Ex. Am هستید (سفیر سابق و رسمیتی نـدارید گماشتگان چینی سفارت که نوزده نفر بودند فوراً تغییر رویه داده زیرا قبل ازورود کم‌مونیست ها مردمان مؤدب ووظیفه شناسی بودند ولی پس از ورود کم‌مونیست ها رویه تمام مستخدمین تغییر کرد و اخراج آنهاهم غیر ممکن بود زیرا کمیته کارگری کم‌مونیست مانع بود روابط هم با دولت‌های خودمان مقطوع وحتی تلگرافات ما را قبول نمی‌کردند با این پیش‌آمدها شب‌ها پشت در ها را میز وصندلی چیده و هفت‌تیر زیر سر خود میگذاردیم که مبادا شب نوکرها سوءقصدی بنمایند و این رویه منحصراً در اثر تنفر عمومی از خارجی هاست و برای چینی هم فرق نمیکند زیرا از صورت ما معلوم است که ما چینی نیستیم علیهذا انگلیسی وروسی یا ایرانی و ترك وعرب وغیره فرقی نمیکند و حتی در بازار وقتی میخواستیم خریدی بکنیم همین‌که صورت ما دیده می‌شد و معلوم است ما چینی نیستیم مارا واجب‌الچپاول می دانستند وهرچیزی را چند برابر گران تر بمامیفروختند وما هم چاره نداشتیم زیرا این‌عمل درتمام‌دکاکین بالسویه عملی می‌شد وما چون خارجی بودیم باید پول زیادتر مصرف کنیم مخصوصاً که‌وسیله خوبی در دست کسبه وتجار بود واین وسیله پول چین است که هرساعت در تغییر بود صبح سه‌هزار جیوای یك دولار امریکا ساعت ده — ۳۵۰۰ــ ظهر ۵۰۰۰ یك دولار امریکا و بهمین نسبت‌لاینقطع در تغییر بود و ما نمیتوانستیم پول چینی نگاه داریم و بایستی دولار امریکائی حاضر داشته وهرروز و گاهی‌روزی دو مرتبه بقدراحتیاج تبدیل کنیم .

وهمین موضوع موجب استفاده کسبه وتجار بودووقتی می گفتیم‌این قیمت‌گران است میگفتند جیوای تغییر کرده است‌واین تغییر هم در دست خود کسبه بودوموضوعی که هنوز هم برای من لاینحل‌است اینست‌که کسبه وتجار که با جیوای معامله‌میکردند چگونه از ضرروورشکستگی خودجلوگیری می کردند زیرا کاسب یا تاجری‌که امروز صد هزار جیوای جنس فروخته است باسه نرخ سه هزار وسه هزار و پانصد وپنج‌هزار و فردا صبح هشت‌هزار و پانزده‌هزار وبیست‌هزار جیوای یك‌دولار می‌شود واین‌کاسب ویا تاجر امشب چه میکند که صدهزار جیوای اوکه امروز مثلا چهل یاسی وپنج‌دولار امریکابوده‌فرداصبح میشود بیست دولار واین ضرر وخسارت راچگونه‌جلوگیری میکند

و من نتوانستم بفهمم وهنوز هم برای من لا ینحل است.

احساسات و تنفر عمومی چینی ها از سایر ملل تاحدی حق باملت چین است زیرا اروپائی‌ها وژاپونی‌ها ازهیچ جنایتی وازهیچ چپاولی قصور نکردندواگرقدری انصاف ووجدان را قاضی قرار بدهیم نمی‌توانیم زیاد بملت چین خورده گیری کنیم زیرا سال ها منتها درجه‌سختی واهانت را بملت چین روا داشتندوحال‌قدری انصاف بدهیم‌عملی که انگلیس ها با ما ایرانیان کردند چه لزومی داشت.

پس از استعفای اعلیحضرت پهلوی برای چه انگلیسها مانع شدند که اعلیحضرت فقید بامریکای جنوبی‌رفته‌وبطور آزاد بقیه عمر را بگذراند وبآن‌طرز فجیع‌و بی‌ادبانه اعلیحضرت را بجزیرهٔ موریس بردند در حالی که هیچ علتی مستلزم این عمل نبود زیرا اعلیحضرت پهلوی ناپلئون بناپارت نبود که بعد از مراجعت بفرانسه جنك واترلو را ایجاد نماید وبعقیده من نسبت به ناپلئون‌هم حکومت انگلستان بر خلاف شرافت‌وعدالت وجوانمردی رفتار نمود زیرا ناپلئون بملت انگلیس پناهنده شده بود و ملتجی را هیچ قانونی محکوم به حبس نمی نماید و این عمل بزرگترین لکه سیاه در تاریخ حکومت انگلستان است

و نسبت بملت ایران این عمل بدرجات فجیع‌تر بود زیرا بدون اینکه هیچ موجبی برای دشمنی و خصومت اعلیحضرت پهلوی نسبت بانگلستان موجود باشد(وطن پرستی پهلوی دشمنی باانگلیس نبود) دولت انگلیس بملت ایران این اهانت را روا داشت که نتیجه آن تحریك احساسات‌عمومی و تنفر فوق‌العاده ایرانیان و بالمال خلع‌یدو بیرون کردن انگلیسها از ایران وعدم پذیرفتن آنها در موسسات‌نفتی است که تنفرفوق‌العاده جامعه ایران نسبت بانگلیسها موجب این پیش آمد است منتها ملت ایران ضعیف است و همین ضعف را هم انگلیسها فراهم کردند ولی اگر ایران قوی بود غیر ممکن بود این اهانت را بپذیرد که شاهنشاه ایران را انگلیسها در جزیرهٔ موریس حبس نمایند در هرصورت همین رفتار خشن و غیر خردمندانهٔ انگلیسها موجب شد که چینی ها خود را بدامن روسها بیندازند ولی چینی‌ها دراین قسمت اغفال شده‌اندزیرا تصور کردندکه روس‌های کم‌مونیست غیر از روسهای تزاریسم هستند در حالی که اشتباه کرده اند و بدنیا ثابت شده است که روس های کم مونیست بدرجات خطرناکتر از روس های زمان تزار هستند و ملت چین تاحدی متوجه شده است واظهارنمایندگان‌سوسیالیست‌ها درمجمع پکن که بعداً شرح خواهم‌داد صحت‌عقیدهٔ‌مارا ثابت مینماید ولی این‌عمل چینی‌ها نقط وفقط دراثرچپاول وسوء عملیات‌انگلیس‌ها بود امریکائیهاهم اگر ضرری می بینند بواسطه همکاری باانگلیسهاست .

ودر هرحال روسها فقط‌ماسك خود را عوض کرده اند سابقا باتصرف پرت‌ارتور منچوری را تحت سلطه خودگرفته بودند که باسرنیزه ژاپونی‌ها بیرونشان کردندحالا بندر دایرن راتصرف کرده بمنچوری‌حکومت میکنند ولی اصل‌همان است‌ووصیت پطر کبیر در تمام قسمت‌ها بموقع عمل گذارده میشودومن بیش‌بینی میکنم که با جنك‌سوم بین‌الملل یا اتخاذ رویه تی‌تو‌ئیسم که در چین مابسه‌تونك یا جانشین او عملی خواهند

نمود . روس هارا هم از چین بیرون خواهند کرد

ملت چین بهمان اندازه که از انگلیس‌ها متنفر است از روسها بدرجات بیشتر تنفر دارد واگر امروز هشتادهزار روسی در چین‌حکومت میکنند از ترس چان کای‌چک که در فرمز نشسته‌وقوای امریکاست ولی بمحض اینکه این‌مانع مرتفع شود وملت چین بتواند یکنفر روس درتمام‌چین‌باقی نخواهد گذاشت ووقتی بدقت مطالعه کنیم معلوم‌می شود که‌ملت چین دارای صفات متضادی است ویکنفر چینی دارای صفات مخصوصی‌است از قبیل بردباری ، خونسردی ، قناعت وزحمت کش ، پرطاقت، صبور ، طماع‌و کینه‌جوو منتقم‌وتا حدی شدیدالعمل ووقتی تمام این صفات‌رادر یکنفرجمع کنیم میتوانیم بروحیات وضمنا اخلاق یکنفر چینی پی‌ببریم زیرا همین صفاتی که ذکر شد واعمالی که‌ازشخص ناشی میشود مبنی برهمین صفاتی است که در خون چینی است ودر جریان امورهمیشه سعی میکنند که اختلافات با مذاکره حل وتصفیه شود ودر اینموضوع فوق‌العاده صبور وبردبار هستند ولی اگر مذاکره قاطع نبود واختلاف حل نشد و موضوع بمضاربه و زدوخورد رسید یکی از دـطرف باید مضمحل‌شود گاهی میدیدم که دونفر باکاردهای بلند شبیه بقمه به یکدیگر حمله میکنند تا یکی از دو نفر کشته شود و یا اقلا بسختی مجروح گردد وبواسطه همین صفات واخلاق وروحیات خارجی ها گاهی دچار اشتباهی میشوند که به تباهی آنها تمام میشود چنانکه یکروز در شانکهای یک یاور افسر امریکائی‌درریکشا(۱) سوارشد وبمحلی که میخواست برود بیان‌نمود وحامل ریکشا به غلط‌او را بطرف خیابان دیگر حرکت داد افسرامریکائی‌عصبانی شده زد بپشت‌گردن چینی که چرا منرا بغلط میبری شخص چینی بسرعت وارد یک کوچه خلوتی گردیدو با یك ضربه از سینه تا ناف او را شکافت وریکشاباً مقتول‌را درهمان محل گذارده‌فرار نمودو بعدها با اینکه نمره ریکشا معین بود قاتل رانتوانستند پیدا کنند (۲)

ونیز در نانکینك یکدختر بلژیکی ولوسیپت خود رادر کریدور خانه‌دکتر پاکار Pacar امریکائی گذارده بود که دزدیدند پس از چند روز ولوسیپت را مالك‌اصلی دید یکنفرستوان‌چینی سواراست فوری اورا تعاقب‌کرده‌بوسیله‌پلیس دستگیروولوسیپت را مسترد داشت تابعد محاکمه شود شب همان روز دختر بلژیکی را درتختخواب خود کشته دیدند و افسر مذکور بدست نیامد اگر چه مدتی نگذشته بود که ماز چین‌خارج شدیم وشاید بعد دستگیر میشد ولی از این قبیل‌وقایع‌وواقعه تاجر پرتقالی که‌درموقع مراجعت از چین ذکر خواهدشد تمام دلیل کینه‌جوئی وشدت عمل وتنفر فوق‌العاده است که این ملت از خارجی ها دارند و بازهم باید انصاف داد که رفتار اروپائی ها و ژاپنیها با ملت چین بقدری مخالف اصول انسانیت وانصاف و مروت بوده که ملت چین

---

۱) ریکشا درشکه های کوچك که یکنفر آنرا میکشد دوقسم‌است یکی‌ریکشا که انسان میدود وحامل‌را در درون درشکه حمل مینماید دویم پدیکا که‌یا جلوی آن‌ویا پهلوی درشکه ولوسیپت باو متصل کرده ویکنفر با پا زدن مسافر را حمل میکنند

۲) از مقتول که کسی چیزی نشنیده است قاتل هم‌بدست نیامد ولی این‌جریان‌را اداره پلیس اینطور نقل نموده است .

را پذیرفت .

همچنین‌درچندمورد دیگردیده شدکه یك‌فرمانده‌آرمه که دویست‌هزار قشون‌دارد برای یك نفع سیاسی یامادی تغییرمذهب میدهد واز مذهب بودائی نکول‌کرده عیسوی میشود پس ازغسل تعمید تمام آرمه این فرمانده هم‌که بودائی بودند عیسوی میشوند وپس ازچندماه بایکی دوسال‌آن استفاده سیاسی یامادی‌که فرمانده خیال میکرد بدست نمی‌آید فرمانده ازعیسویت پشیمان شده بمذهب بودائی رجعت میکند دراین موقع تمام آرمه فرمانده که عیسوی شده بود مجدداً بودائی میشوند مسلمانهای چین که تقریباً بشصت‌ملیون میرسد ازاسلام دوکلمه میدانند (لااله الی‌الله ممد رسول‌الله) گوشت خوك هم‌استعمال میکنند ولی سایر مزایای مسلمانی وآداب و رسوم این مذهب را نمیدانند پیشوای مسلمانها درکشورچین ژنرال عمر است‌که اسم چینی او پایچون چی است این شخص بسیارمرد درست وصحیح‌العمل وخوش عقیده‌است ورئیس انجمن مسلمین چین‌است که میتوان اورا یکی ازشخصیت های مهم وذی‌نفوذ کشور چین دانست و نسبت بمذهب اسلام بسیارمتعصب وخوش‌عقیده ومرد پاکدامنی است .

رئیس روحانی‌مسلمین درنانکنیك‌شخصی بودکه دستاری برسرداشت‌ومیگفت‌درمصر وجامع‌الازهرتحصیل کرده‌است‌درموقع عقد پروین‌خانم صبیه‌آقای‌قدیمی مستشار سفارت کبرای ایران برای‌آقای پارسا نایب دوم سفارت بااین‌شخص مراجعه‌کردم قدری ترکی مغولی میدانست و متوجه شدم‌که اطلاعاتی ندارد ناچار خود من صیغه ایجاب را جاری کرده وقبول را روی‌کاغذ نوشتم وآقای فریدون دیبا صیغهٔ قبولی جاری نمودند و عقد واقع شد وقباله دردفترسفارت طبق مقررات‌قانونی ثبت وتمبر گردید .

منظوراینست‌که مقررات وقوانین مذهبی بطوری‌که درسایرممالك اسلامی‌جریان دارد درکشورچین نیست واینکه آقای داوید دینجومین نایب سفارت کبرای چین در طهران‌که دارای مذهب اسلام است درکتاب خود مینویسد :

(درخلافت عثمان ابن عفان پادشاه چین موسوم به تای‌چون نمایندهٔ بمدینه فرستاد وتقاضا نمودکه مبلغ برای اشاعه دین اسلام بچین اعزام دارند وعثمان‌سعدابن‌ابی‌وقاص را باعدهٔ برای تبلیغ دین اسلام بکشورچین فرستاد) : مطابق با واقع و حقیقت تاریخ نیست زیرا من هرقدر درتاریخ عرب واسلام تفحص‌کردم خبری ازاعزام سعد ابی‌وقاص که ازسردارهای معروف عرب بود و حتی درکمیسیون سته‌که خلیفه دویم برای تعیین جانشین خود معین‌کرده عضویت داشته ندیدم بعلاوه پس از شکست ساسانی‌ها و قتل یزدگردعدهٔزیادی ازشاهزادگان ورجال دورهٔ ساسانی‌ازراه خراسان وترکستان‌بچین پناهنده شده وبیشتر درایالت سین‌کیان ومغولستان سکونت اختیارکردند وهنوزاعقاب آنها درچین هستند ودرآن موقع هنوز اثری ازاسلام درچین نبوده است وبعدها پس از سلطهٔ عرب بتمام خراسان وماوراءالنهردین اسلام بوسیلهٔ ترکها وارد چین شد وآقای داوید دینجومین درهمین کتاب خود مینویسد سوزون پادشاه چین برای سرکوبی دونفر یاغی ومتمرد ازحکومت ترکستان کمك خواست وترکها هشت‌هزارنفرسپاهی بچین‌اعزام داشتند وپس‌ازختم واقعه متمردین این هشت هزارنفرکه همه مسلمان بودند درپای تخت

حکومت موسوم به‌چان آن اقامت گزیده دیانت اسلام بوسیلهٔ اینها درچین نمو نمود وحتی قبرسعدابن ابی‌وقاص را دربندرکوان‌جو معین ینمایدکه بازهم مسند تاریخی ندارد .

مراودات وروابط تجارتی عرب باچین ازقبل از اسلام از راه خشکی و بیشتر از سه راه بوده است یکی راه ختن ودیگری راه کشمیر و سوم راه مغولستان وازدریا هم ازطریق‌خلیج فارس‌تجارت می‌شد است ولی بواسطهٔ مخاطرات بحری بیشتر ازراه‌خشکی عبورومرور تجارتی می‌شده‌است ولی پس‌ازظهوراسلام اواین مرتبه‌درخلافت ابوجعفر بن منصوردوانقی که سوسانك پادشاه‌چین برای‌سرکوبی آن لوچان بقولی چهارهزارنفرو بعضی هشت‌هزارنفرازقشون‌مسلمان‌را بکمك‌طلبیده‌و پس‌ازشکست آن لوچان‌این‌عده‌درچین‌اقامت نموده وترویج دین اسلام بااین وسیله توسعه حاصل میکند وحتی‌درخلافت عثمان‌ابن‌عفان و فتوحات عرب بهیچوجه از اعزام مأموری بچین ذکری نیست مخصوصاً ازاعزام سعد ابی‌وقاص که ازسردارهای معروف عرب وفاتح جنگ قادسیه بود بکشورچین درهیچیك ازمنشآت مورخین دیده نشده .

درهرحال ازنتیجهٔ مطالعات ومشاهداتی که درکشور چین نمودم معلوم گردیدکه مذهب‌اصولا بطوری که درسایرملل ریشه دارد درچین نیست‌البته تمام ادیان میسیونهائی بچین اعزام داشته‌اندومخصوصاً عیسویها وبالاخص‌کاتولیکهامؤسسات زیاد درچین دارند وعدهٔ زیادی اطفال صغیررا نگاهداری وتربیت میکنند و دیانت عیسوی را بآنها تلقین مینمایند ولی پس ازرسیدن بکبارت وخروج ازمؤسسات مذهبی‌عیسوی علاقه باین‌مذهب اظهار ننموده وحتی در صورتی که منافع سیاسی یامادی اجازه دهد تغییرمذهب میدهند وحتی یك خانواده را درچین شنیدم‌که سه پسر ودودختر ومادر وپدر هریك پیرو یکی ازمذاهب‌کاتولیك وپرتستان وارتودوکس ومسلمان وبوداوخاقان‌پرست هستند(۱) واین خانواده بااختلافات عقیدهٔ مذهبی باهم صمیمانه زندگانی میکنند وبا رئیس خانـواده وبرادرها وخواهرها هیچوقت هم اختلاف حاصل نمیشود و این خود بزرگترین دلیل فقدان عقیدهٔ ثابت مذهبی است .

فقر عمومی

جامعه چینی خیلی بی بضاعت هستند ودر قسمت هائی که من دیدم املاك بزرگ دردست یکنفر نبود وتقریبا بیشترمزارع واملاك زراعی چین خورده مالك است وعلت‌ـ العلل این‌موضوع جنگهای داخلی وانقلابی است که سالها درچین درجریان است وچون هرکس فاتح میشد تمام دارائی مغلوبین‌را تصرف مینمود وبااین‌جهت متنفذین ورؤسای عمده بیشتر دارائی‌خود را به نقدینه تبدیل می نمودند ولی شاید در ایالات غربی چین

۱) جماعی‌خاقان‌را خدا میدانند وکسانی که موی سرخودرا ازکاکل بلند گذارده ومی‌بافند پیروان این عقیده هستند .

که من ندیدم ومتنفذ محلی یک ژنرالی است که تمام قوا در دست اوست املاکی داشته باشند و ملاکین بزرگی هم وجود داشته باشد ولی آنچه من تحقیق کردم بیشتر پاسخ شنیدم که خورده مالکین اکثریت املاك ومزارع چین را تشکیل میدهند وزارعین نیز بواسطهٔ نداشتن وسائل علمی وسد بندی اکثراً زراعتشان در خطر کم آبی یا طغیان رودخانه است که زراعتشان‌را ازبین میبرد ولی رویهم‌رفته کشورچین یك کشور زراعتی است ودرمناطق مختلف انواع محصولات بدست میآید اما بواسطهٔ انقلابات داخلی که بیش ازشصت سال است مستمراً در چین جاری است باستثنای چند بندر شرقی تجارت تاحدی متوقف ودراثر قشون کشی‌ها جامعه دوچارفقر وبدبختی وفقط درحدود چهارپنج هزارنفر که همه جزو چهارخانواده هستند متمول بوده وبقیه سرمایه مهمی ندارند از وقتی که شهر های شانکهای وتین تسن بین‌المللی شد وآرامشی بدست آمد متمولین چینی درتأسیس کارخانه ها و شرکتها داخل شدند ولی این تجارتخانه ها وکارخانه ها وشرکتها پس ازتصرف دولت چین وحالا که کشور چین تحت سلطه کمونیست قرار گرفته است نیز ازبین رفته است وروی هم رفته جامعه چینی دوچارفقر ونسبت بجمعیت خود حتی ازجامعه ایرانی‌هم فقیرترهستند زیرا درشهر نانکنک که یک ملیون ودویست هزارنفرجمعیت داشت تقریباً ۱۲هزارنفر درکرجی و روی رودخانهٔ عظیم یانک تسه زندگانی می‌کنندوشب‌وروز توالد وتناسل‌وخواب وخوراك این عده دردرون‌یک کرجی روی رودخانه درچهارفصل می گذرد وعده‌زیادی که شغلشان بردن ریکشا است بواسطهٔ تپش‌قلب ودویدن زیاد سنشان ازسی‌سال تجاوز نمیکند واکثراً بااین سن فوت میشوند وعلت‌العلل پیشرفت کم‌مونیست درچین سه چیز است که در موقع خود ذکر خواهد شد وآن سه چیز اول فقرعمومی و دویم نبودن مذهب و سویم اختلاف و رقابت متنفذین ورؤسای لشکری وکشوری است .

صحیه و احتیاجات

درکشورچین نسبت بجمعیت وسائل صحی کم است وبهمین جهت امراض گوناگون زیاد وعلاه براینکه دربدو ورود درهنکنک ما اجباراً آبله‌کوبی کردیم پس‌از چند روز که در نانکینگ گذراندیم یکروز دکتر پاکار آمریکائی که بسیار دکتر فاضل و مجرب وخوش اخلاقی بودازمن سئوال کرد شما خودتان وهمراهان را واکزینه کرده اید یاخیر من جواب دادم خیر باکمال تعجب گفت شما بچه اطمینانی پس زندگانی می کنید من سؤال کردم چه واکزن هائی لازم است دکتر پاکار گفت فوری باید واکزن ضد وبا وضد طاعون وضد تیفوئید وتیفوس وضد تب زرد وضد دیفتری ومالاریاتزریق نمائید واجباراً یکروز درمیان تمام این واکزن ها را تزریق کردیم که بعضی ها هم رآکسیون شدید تا ۳۹٫۵ تب میآورد ومتاسفانه بایستی بعضی ازاین واکزنهاراسه‌ماه به سه ماه تجدید کنیم ویکروز در مطب دکتر پاکار سفیر کبیر هلاند و خانمش آمده بودند که واکزن بزنند سفیر کبیرهلاند بمن گفت این امراض هم جزء پرتکل وروی‌سفارت

کبرای چین‌است درهرحال البته احتیاجات عامه هم بقدری که این کشور پرجمعیت احتیاج دارد وسائل فراهم نیست دندان سازهای چینی‌هم نسبتا بد نبودند وبطورقطع ازدندان ساز روسی که درشانگهای باو مراجعه کردم بدرجات بهتر بود وناچار بدکتر دندانساز چینی رجوع کردم ۷ دندان دیگر ازمن کشید ولی خیلی راحت ودندان عاریه گذاشت و ۸۰ دلار امریکا گرفت که بعقیده من گران نبود البته دندان‌هائی که ساخته بود منتهای راحتی رانداشت ولی نسبتا موجبات راحتی من‌را تاحدی فراهم کرد و برای کسالت و ناخوشی خودم وخانواده بدکتر پاکار مراجعه می کردیم که بسیار دکترلایق و عالمی بود واگردکتر پاکار در نانکینك نبود برای کردیپلماتیك بسیارمشکل بود که بتوانند صحت خودرا حفظ نمایند سایراحتیاجات تاحدی فراهم بود چینی‌ها باصطلاح علف‌خوار هستند وزیاد بگوشت تمایل نشان نمیدهندگوشت گوسفند پروار درچین دیده نمی شد فقط گوسفند های زل که دنبه ندارد وجود داشت وگوشت این گوسفندها قدری بومیداد که برای ما مطلوب نبود بهمین جهت برای خارجی‌ها گوساله وگاو می کشند وازاین جهت برای ما اشکالی فراهم نبود گوشت خوك هم درچین زیاد استعمال می‌شود که ما استعمال نمیکردیم .

ولی گوشت های سفید ازقبیل مرغ آبی وقازوقرقاول وکبك ومرغ وخروس بحد وفور دست می‌آمد ماهی‌هم زیاد بود ولی مرغ وخروس خیلی گران بود بحدی که‌قاز وقرقاول سهل‌تر وارزانتر تهیه میشد ماهی هم بحد وفور بود ولی بخوبی ماهی های ایران نیست مخصوصاً ماهی آزاد وقزل‌آلا درابنمدت درچین دیده نشد ولی اقسام‌ماهی های دیگر بواسطه یانکته سه واستخرهائی که‌درشهر بود زیادتهیه میشد وحتی‌دراستخر سفارت کبرای ایران یکروز یك ماهی بطول دومتر که بیش از۱۶ کیلو وزن داشت نوکرها صید کردند .

ولی میوه بزحمت تهیه میشدوفقط مرکبات از فرمز میآوردند وبنان ازجنوب‌چین ولی میوه‌های دیگر وجود نداشت مدت کمی گیلاس آوردند ولی خیلی ریز بود وبهیچ وجه بگیلاسهای ایران نمیرسید هندوانه هم بدست میآمد ولی خربوزه وطالبی وگرمك نیز وجود نداشت سیب وگلابی‌هم ازخارج می آوردند ولی خیلی مطلوب نبود مخصوصا یك قسم سیب درچین میآوردند که ظاهرآن بسیارعالی بود خیلی درشت وخوش آب و رنك ولی طعم کاه میداد وبهیچوجه خوردنی نبود سایر اقسام میوه درقسمت هائی که من درچین دیدم دیده نشد اگر درایالات غربی‌چین وجود داشته باشد ما بی اطلاع بودیم و رویهمرفته کشورچین ازحیث میوه‌جات خیلی مطلوب نبود سیگار هم سیگارهای‌خارجی استعمال میشد زیرا توتون خودچین را درست نمی‌توانستند عمل بیاورند بهمین جهت با اینکه صدی دویست دولت گمرك ازدخانیات میگرفت بیشتر سیگارت‌های امریکائی و انگلیسی وسیگار برگ فیلیپین استعمال میشد واگردولت ایران سیگارت وسیگار برك را طوری تهیه میکردند که رطوبت درآن اثر نکند بسیار طالب داشت وما میتوانستیم بازارخوبی برای تجارت دخانیات درچین بدست بیاوریم ولی متاسفانه عدم توجه اداره

دخانیات ایران باین قبیل مسائل و گران بودن قیمت سیگار و عدم توجه بطرز تهیه
آن اقدام موثری نشد

مثلا سیگار بزرگ که در ایران دانه ۷ قران فروخته میشود سیگار فیلیپس که قطر
وطول آن کمی هم از سیگار ایران بیشتر است به سه قران و دهشاهی در چین با آن گمرک
سنگین فروخته میشد بدیهی است باین جهت ما هیچوقت نمی‌توانیم رقابت نمائیم و من
درموقع خود راپورت مشروح ومفصلی دراین باب بوزارت دارائی فرستادم که البته بطور
قطع کسی قرائت نکرده و بایگانی شده است

مشروبات چین بیشتر عرق برنج است و یك قسم ودکا از پنبه میآورند که نسبتا
با ودکای روسی رقابت میکرد شراب خوب درچین کمیاب است وشرابهای ایران اگر
خوب تهیه بشود درچین مشتری زیاد خواهد داشت خود چینی‌ها شراب را با غذا و
گرم می‌خورند

سایر مشروبات از خارج تهیه می‌شد وسفارتخانه ها برای احتیاجات خود از
خارج وارد میکردند و بعضی سفارتخانه‌ها وقونسولها هم ازمعافیت گمرکی سوءاستفاده
کرده بیش از احتیاجات خود وارد کرده ومیفروختند والبته مأمورین دولت چین هم متوجه
بودند ودرزمان ناسیونالیستها برای حفظ نزاکت بروی خود نمی آوردند و مأمورین
امریکای جنوبی و بعضی ازقونسولها از این حفظ نزاکت سوء استفاده مینمودند

معماری درچین

معماری درچین دارای اصول مخصوصی است که بعقیده من تاحدی زیباست و بنظر
مرطوب بودن اکثر نقاط چین بناها بیشتر باچوب ساخته می‌شود و قطر دیوار ها از
۲۵ سانتی متر تجاوز نمی‌کند ولی در بانکهای تازه که با ۳۵ طبقه است و توسط
اروپائیها وامریکائیها ساخته شده‌است البته از این اصول مستثنی است و بواسطه داشتن
جنگلهای زیاد واقسام چوبهای محکم باالوان‌مختلف بیشتر درابنیه چوب استعمال‌میشود
ودر داخل عمارات هم ستون‌ها باچوب ساخته میشود روی بام عمارات مثل گیلان و
مازندران باسفال پوشش میدهند ولی درچین سفالهارا مثل کاشی سازی مالعاب‌میدهند
وروی پشت بامها که با این سفالها باالوان مختلف برنگهای قرمز وارغوانی و سبز و
زرد و گل کاشی وآبی پوشش دارند بواسطه تابندگی زیاد بسیار قشنگ شده و بی‌نهایت
منظرهٔ زیبا وجالبی را نمایش میدهند وگوشه‌های سایر سفالهای بالای بام را بشکل
اژدها میسازند که آرم ملی‌چین‌است وبسیار زیبنده وخوش منظر میشود

معمولا چینی ها مردم باسلیقه هستند و درموقع ورود کمونیست ها ژنرال
ووپی فو امر داد خانه خود را بامبل آقای پارسا سالی یك دلار حاضر شد
اجاره بدهد منظور این بودکه بواسطه بیرق ایران کمونیستها خانه‌را تصرف ننمایند
آقای پارسا که هنوز بشانگهای منتقل نشده بود ازمن استخاره کرد که اجاره کنم یا
خیر من اجاره عیب نری نهادم وگفتم اگر مایل هستید اجاره بکنید مختارید ولی‌چون

سفارت ایران در محل دیگری است و ممکن است بی احترامی شود بیرق حق ندارند نصب نمائند

بهمین جهت اجازه نگردیدم ولی برای تماشای این خانه که درروی نقطه مرتفعی واقع بود رفتیم این بنا فوق‌العاده لوکس ساخته شده و بهترین طرزی مبله شده بود تالار پذیرائی وسالن غذاخوری ودفتر وکتابخانه واطاق موزیك وخوابگاه که تمام دیوار با مخمل بسیار عالی لمسه‌دوزی شده و دروسط خطوط مبله های زرنگار کرده بودند و همچنین بار وحمام وسایر احتیاجات درنهایت سبکی وقشنگی بود باغ باگلکاری بسیار زیبا وآقای ژنرال وودخن ازرجال مهم وعضو کمیسیون بانك و وزیر امور خارجه بود که کمونیست‌ها بدون توسل بقانون اوراغیرمهدور الدم اعلان کرده بودند وبالدار قرار بود و کمونیست ها هم بمحض ورود بدون توسل بقانون مصادره اموال این خانه وا ثاثیه راتصرف نمودند واصولا هرچه متعلق بطرفداران چانکایچك بود ضبط شدحتی که خانه سفارت ایران را بمحض خروج ما سربازهای سرخ تصرف نمودند درهر صورت بناهای طرز اروپائی وامریکائی هم حالا درچین ساخته میشود ولی عمدهٔ ترین اسلوب خود چینی اسلوب زمان باستان ودر بنای ریاست جمهور عدهٔ زیادی ستون چوبی برنگ قرمز موجود بود که بیست وهفت سال کرملین بود منتها درمسکو ستونها کاشی‌دار وبا آجر وسیمان ساخته شده‌وروی آنرا رنگ روغنی زده بودند که بچسبی شبیه بود ولی درچین بقدری جنس چوبها عالی وزیبا است که احتیاجی بعملیات دیگر ندارد واستعمال همان چوبها بر زیبائی بنای میافزایند و رویهم رفته



عمارات مدور ـ پاگادا

اسلوب چینی مرکبی است ازاسلوب شرقی یکمی غربی با ترئینات ملی چین وهمچنین بناهای مدور درچین ساخته میشود که آنرا پاگادا میگویند که با دوازده طبقه‌می‌مشاهده نمودم واطراف این دوازده طبقه باایوان وبالکنهای چوبی بشکل اژدها وسایر علائم ملی چین بطرز زیبائی بطوریکه درعکس مشاهده میشود خودنمائی میکند واین طرز بنا یکی ازاقسام معماری چین است که من خیلی پسندیدم و ماس مخصوصی دارد

اتباع خارجه و دادگستری

قبل ازجمهوریت اصول کاپیتولاسیون درکشورچین برقرار بود و پس از سقوط رژیم تزاری هم دول معظمه قبول نکردند وازحق حاکمیت قونسول‌های خود استفاده می کردند تااینکه حق کاپیتولاسیون ازطرف دولت چین ابطال گردید ولی دراز بعدات

اتباع خارجه وفشاری که بملت چین وارد کرده بودند این عمل یك عکس العمل شدیدی ایجاد کرد بطوری که اتباع خارجه اعم از حق یا باطل در محاکم چین حتماً وقطعاً محکوم میشدند ودرهیچ موردی محاکم چین حق را بخارجیها نمیدادند بعضی از اتباع خارجی بخیال رشوه دادن افتادند وببعضی قضات رشوه میدادند ولی شبیکه بایستی محکمه رأی بدهد آن قاضی رشوه گرفته تبدیل ومعزول میشد وقاضی جدید بازهم بمحکومیت خارجیها رای میداد .

ودراین قسمت کمیته هائی هم تشکیل شده واصول هووجنجال هم وارد صحنه شده بود در موضوع خانه نمازی یك دکتر چینی ازآسمان افتاده و خانه را تصرف کرده بود وقتی بقوه نظامی متوسل شدند که خانه را ازچنگال آقای دکتر بیرون بیاورند بمحض ورود مأمورین دکتر غش کرد (معلوم شد این متد در چین هم مؤثر است) و این غش موجب شد که مأمورین نتوانند وظیفه خودرا اعمال واجرا نمایند وهروقت با دکتر یا قضات صحبت میشد جواب میگفتند موقعیکه خارجیها درچین حکومت میکردند گذشت و آن زمان سری شد هرقدر میخواستیم بفهمانیم که ما ایرانیها هیچوقت درچین حکومت نمیکردیم واز کاپیتولاسیون استفاده نکرده وباحدی تعدی نکرده ایم وهمواره نسبت بمملکت متوقف فیها وعموم اهالی بارأفت وبرادری رفتار کرده ایم وشما چرا تلافی اعمال روس ها و انگلیسها وآلمانها وژاپونیها را سرما درمیآورید باز هم با خنده مخصوص خودشان میگفتند بلی صحیح است ولی دوره حکومت خارجیها بچین گذشته وشما نباید درچین مالك باشید .

هرقدر استدلال میکردیم که طبق عهدنامه وقوانین کشورما ممنوع نبوده ایم وبهمین اطمینان دراین کشور اتباع ما تجارت می کردند وورقه مالکیت دردست دارند بازهم جواب میشنیدیم که حکومت خارجیها بچین سپری شده وبامکاتبات عدیده که بین سفارت کبرای ایران و وزارت امور خارجه و وزارت عدلیه و رئیس قوهٔ قضائیه ردوبدل شد معهذا نتوانستیم خانه ملکی با ورقه مالکیت را ازید آقای دکترچینی خارج نمائیم تا حکومت تبدیل شد واصول کمونیستها خانه را ازمالکیت ماواز تصرف آقای دکترهردو خارج نمود وحکومت اساساً این قبیل خانه ها را تصرف نمود ولی موضوع مهم که قابل دقت است همان کینه جوئی چینی هاست که این قبیل تعدیات را بهیچوجه فراموش نمیکنند و قضایا کاملا شبیه باوضاع ایران در زمان تزار ها در روسیه و ملکه ویکتوریا در انگلستان است .

وهمه درخاطر داریم که تاجرباشی روس وتجار قفقازی وروسی چقدر بمردم تعدی میکردند وحتی ایرانی های متقلب که اعمال آنها مبنی بر کلاه برداری وسندسازی بود باتقبیل خارجیها متوسل شده وبایك معامله صوری حقوق دیگران را صاحب می شدند وبا قضابهای گرمی بحمایت قونسول انگلیس پول جوب دارهارا میخوردند با بعنوان حکم لردگورزن درکشتیرانی دریاچه ارومیه من غیرحق دخالت کرده وازایران بزور و فشار خسارت بیجا تقاضا میکردند و۳۶۰ هزارتومان باج سبیل میگرفتند با مثلا سید

عباس بعنوان معامله صوری چندین سال مال‌الاجاره بندر پیره بازار را که مرحوم‌مشیر-السلطنه وقف‌کرده ومتولی رئیس‌الوزرای وقت است بزور وقلدری قونسول روس میخوردند. بهیچ‌قانون وسند واستدلالی‌هم قانع نمیشدند همین‌رویه در کشورچین‌هم جاری بود وبقدری بملت چین تعدی کردند که امروز عکس‌العمل آن اینست که هرخارجی‌هر قدرهم ذی حق باشد چینی‌ها اطمینان نمیکنند ومیگویند قطعاً در زیر این معامله یك حق‌کشی وتعدی واجحافی مخفی است ومن وقتی‌خوب دقت کردم‌دیدم تمام این‌پیش‌آمد ها درنتیجه عمل دول اروپااست که ملت‌چین را عصبانی کرده واز اسم خارجی ودیدن هرخارجی بیزارهستند.

نظری باوضاع عمومی کشور چین

درموقعیکه ما وارد نانکینك شدیم زد وخورد بین قوای دولتی وکمونیستها در موکدن وشمال چین درجریان بود وهنوز ازمنچوری تجاوز نکرده بود ولی برای‌اینکه بوضعیت آشنا شویم باید قدری بقهقرا برگشته وسابقه را بیان نمائیم.

درموقع ریاست جمهوری سون یاتسن پدر جمهوریت چان‌کای‌چك و مایسه‌تونك هردو بسمت آجودانی رئیس جمهور مشغول خدمت بودند چان‌کای‌چك عاشق خواهرزن سون یاتسن‌شد این خانم مذهب عیسوی داشت وچان‌کای‌چك بودائی مذهب بود اولین شرط این ازدواج تغییر مذهب بود چان کایچك باین تقاضا تسلیم وغسل تعمید نموده مذهب عیسویت‌را پذیرفت.

خانم چان‌کایچك که اززنهای بسیار باهوش‌وزبان انگلیسی را بخوبی‌میدانست درترقی وپیشرفت چان‌کایچك‌فوق‌العاده مؤثر واقع شد وچان‌کایچك باپشت‌کار وجدیت فوق‌التصور بسرعت ترقی نمود تا بسمت رئیس‌الوزرا انتخاب شد مایسه تونك درکابینه چان‌کایچک وزیر تبلیغات بودوباهم‌همکاری میکردند ژنرال‌چان کایچک که تحصیلاتش درژاپون بوده ومدت یکسال درروسیه گذرانده بود بمعایب ومقاصد روسها مطلع شده و حقایقی را درك کرد که همان حقایق و اطلاعات او را بـرای همیشه از شوروی دور نمود.

ژنرال چان‌کایچک وقتی زمام اموررا در دست گرفت ایالات چین متفق نبوده واختلافات عجیبی دربین متنفذین وژنرالها حکمفرما بود دولت ژاپون که بانصرف منچوری وتشکیل دولت‌دست نشانده بنام منچوکو آن قسمت را قبضه کرده بودپی بهانه میگشت که یکباره تمام خاك چین را متصرف شودوبرای اجرای این‌نقشه ببهانه‌اینکه سربازهای فراری ژاپون درسربازخانه‌های چین مخفی شده‌اند خواستند سربازخانه‌های چین‌را تفتیش نمایند وچون فرماندهان چینی نپذیرفتند زد وخورد بین قشون ژاپون و چینی‌هاشروع‌شد.

دولت ژاپون که در۱۹۳۱ منچوری را رسما متصرف شده بود چان‌کایچک سعی میکرد اختلافات داخلی‌را رفع نموده بتواند باژاپون مقابله نماید ژاپونیها متوجه‌شدند

که اگر نقشه‌چان‌کایچك عملی شود تصرف‌تمام چین غیرممکن خواهدشد در۱۹۳۷ ببهانه که فوقا ذکرشد باچین‌داخل جنگ شده دراینموقع‌دول‌معظمه‌بدولت چین کمکی نکردند و دولت ژاپون موقع را برای اجرای نقشه خود مساعد تشخیص داد و بنادر چین را تصرف نمود .

ژنرال چان‌کایچک تمام‌متنفذین وژنرال‌هارا دعوت نمود ودرکوهستان (لوشن) این اجتماع منعقد وبالنتیجه متحدشده وچانکایچك را بفرماندهی کل‌قوا انتخاب‌نمودند دراینموقع حزب کم‌مونیست هم بااین اتحاد موافقت نمود ومجتمعاً برعلیه ژاپون وارد مبارزه‌شدند ودرشانکهای هم درفرودگاه زد وخورد شروع وپس ازسه‌ماه قشون‌ژاپون موفق‌شدندکه شانکهای‌راهم قبضه نمایند .

دراین واقعه انصافاً باید تصدیق کردکه مارشال چان‌کایچک چه خدمت برجسته بوطن خود نمود اول متحدکردن ایالات چین برضد ژاپون دوم جلوگیری‌ازتجزیه‌چین که ژاپونی‌ها باتمام قوا میکوشیدند وشوروی‌ها نیز درعین اینکه ستون پنجم خود را درچین برعلیه ژاپون وارد مخاصمه کرده بودند سعی میکردندکه منظور اصلی خودرا پیش ببرند .

ولی شخص بانفوذ ومهمی درچین طرفدار نداشتند درجریان این امورچهار سال تمام ژنرال چان‌کایچك منفرداً درمقابل ژاپونیها ایستادگی‌کرد وبدیهی بود که قوای چین بانداشتن اسلحه ومهمات‌کافی درمقابل قوای ارکانیزه ژاپون نمی‌توانست مقاومت نماید ولی با احساسات وطن پرستانه وازخودگذشتگی باجنگ وگریز و عقب نشینی مانع موفقیت‌کامل‌ژاپونیها گردید .

پس ازچهارسال‌که کشورچین اسیر نظامی‌های ژاپون بود بواسطه اعلان جنگ بانگلیس وامریکا دربدوامر کمکهای مختصری با هواپیما بچین می کردند و بعد ها البته این کمك هاموثرترشد تااینکه دولت ژاپون دراثر بمباران بمبهای‌اتمی‌اجباراتسلیم شد وخاك چین را تخلیه نمود .

حزب کم مونیست

درتمام دنیاعموما ودرشرق خصوصا جوانهائی که‌مختصر اطلاعاتی بدست‌میاورند بواسطه حس جاه طلبی‌که ازخواص بشر است وقتی متوجه میشوندکه باحکومت‌حاضر وعناصری‌که دررأس امورهستند راهی برای آنها نیست طبعا بطرف مقابل متوجه‌شده وازخطاهای حکومت واحساسات جامعه‌که البته ازروی تعقل‌کامل نیست استفاده کرده باکشمکش اظهار وجود مینمایند تا خودرا بمقامی برسانند این جریان درکشور خود ما ایران بحد اکمل موجود است .

برای مثال ذکر میشودکه درحکومت‌اعلیحضرت‌پهلوی‌احدی قادر باین‌قبیل اعمال نبوده وبعقیده من بهترین حکومت برای ایران تایکقرن همین رویه وسیستم‌اعلیحضرت رضاشاه‌کبیراست عده‌ازجوانها بخیال واهی اینکه انگلیسها حامی حکومت‌رضاشاه‌هستند

خودرا بروسها نزدیك کردند و بدون فهم ودقت کم مونیست شدند . درحالیکه هرایرانی باید سیادت وحکومت ایرانرا بخواهد و نزدیک شدن بشوروی حکم نزدیک شدن آتش بباروت است چنانکه دولت های لهستان وچك واسلاو وورومانی ومجارستان وبلغارستان وآلبانی امروز دولت مستقل شمرده نمیشوند و همه چیزشان در دست روسهاست.

گذشته ازاینکه مرام کمونیست درعالم بشریت قابل اجرا نیست وامروز درخود روسیه سخت ترین حکومت دیکتاتوری موجوداست چگونه یک ایرانی وطن پرست حاضر میشود که استقلال کشور خود وحتی مذهب ودیانت خودرافدای جاه طلبی چندروزه بکند واگرچنین فردی وجودداشت خائن ومهدورالدم است برای اثبات این اظهارفقط یک دلیل زنده میآورم وآن مظفر فیروز پسر نصرت الدوله نواده مرحوم فرمانفرما وخواهر زادهٔ مصدق السلطنه است .

این جوان که تحصیلاتش ازحدود متوسطه تجاوز نمی کند ویک دیپلم ساختگی دکترا درامریکا باچند دولارخریده فقط زبان انگلیسی تاحدی میداند ومثل تمام افراد این فامیل فوق العاده جاه طلب است درسلطنت اعلیحضرت پهلوی قادر بهیچ عملی نبود مخصوصاً که بواسطه قاچاق مشروبات درامریکا ازنیابت سفارت منفصل وپس ازمحاکمه ازخدمت دولت طرد شد .

بعد ازواقعه ۳ شهریور ۱۳۲۰ مظفرفیروز تقاضای خدمتی کرد و بنیابت قونسولگری ایران درشام راضی شد ولی مقامات عالیه موافقت نکردند مظفر فیروز عازم فلسطین شد ودرآنجا دشمنی بدرش راباآقای سید ضیاءالدین فراموش نمود وبخدمت ایشان سرسپرد ودرمراجعت تبلیغ شدید برای آقای طباطبائی میکرد باسیاست زمان بامراجعت ایشان مساعد شد وبطهران تشریف آوردند آقای سید ضیاء الدین نسبت به سیاست انگلستان نظرموافق دارند وچون مرد شریفی است ظاهراً بانگلیس ها فحش نمیدهد وباطنا هم آلت مقاصد سوء دیگران نمیگردد مظفر فیروز صد درصد انگلوفیل شد ولی وقتی دید که آقا سید ضیاءالدین کسی نیست که خودرا بدست مظفرها بسپارد و آلت اجرای مقاصد سوء این قبیل اشخاص بشود روابطش را باایشان قطع کرد وفوری بروسها متصل کردید

خیانتهائی که این خائن باین کشور کرده است درهیچ عصری سابقه نداشته وشخص مهمی مثل قوام السلطنه آلت دست این خائن بی وجدان گردید تا بمقام معاونت ووزارت وسفارت کبری رسید

حالا وجدانا میخواهیم قضاوت کنیم که مظفرفیروز انگلوفیل بود یا روسفیل بلکه هیچکدام وخودوفیل بود زیرا مقام و پول میخواست واین دومطلوب باهرخیانت وجنایتی بدست میآید باید بدست آورد با اظهارات شخص مجهول الهویه بنام دکتررادمنش که بدست روسها دردورهٔ ۱٤ وارد مجلس شورای ملی شد این شخص را در تمام کشور باستثنای لاهیجان کسی نمیشناسد ولی بنام حزب توده مردود مسکو ونطق میکند که من باما اجازه نمیدهیم ملت ایران برعلیه دولت شوروی وارد جنگ شود گذشته ازاینکه

هیچوقت هیچ ایرانی عاقل بمخیله خود جنگ بادولت شوروی را وارد نکرده ونخواهد کرد مگر دیوانه باشد ولی روسها میگویند رفیق رادمنش همچو گفت و کف میزنند وروزنامه‌ها هم مینویسند آقای رفیق رادمنش هم بخودش مشتبه می شود و تصور می کند شخصیتی پیدا کرده در حالی که در تمام ایران رفیق رادمنش بقدر یك کدخدای ده موفقیت سیاسی وموقعیت شخصی ندارد ودر ایران کسی اورا نمی شناسد ولی تنها مقصود فقط وفقط جاه طلبی است همچنین قضیه اعوان وانصار آقای مصدق السلطنه است که برای جاه طلبی وپول دور ایشان جمع شدند وایشان هم که عاشق صدای نعلین هستند وتوجهی بسوء عملیات همکاران خود ندارند ونتیجه عمل آنها وآقای مصدق السلطنه که خود نیز آلت دست همکاران بود شده درآتیه روشن خواهد شد زیرا متاسفانه آقای دکتر مصدق درروز شنبه ۹ آذر ۱۳۳۰ چهارساعت بعد ازظهر اززیر پتو اعتراف کردند که نسبت بعمل انگلیس ها اشتباه کرده و ازطرف امریکائی ها اغفال شده‌اند حال آیا سیاستمداری که خود اقرار میکند اشتباه کرده است چگونه اشتباه خودرا ترمیم خواهد نمود بهرصورت باید دید درآتیه رویه متخذه ایشان چه خواهد بود.

بعقیده نگارنده اگر دکتر مصدق درهمکاران خود تجدید نظر کرده وازرویه سابق خود ولجاجت ومخالفت بامقامات عالیه کشور خودداری وبااشخاص وزین وصحیح العمل واقعی همکاری نماید امیدوارم موفق شود ولی اگر بازهم بااصول لجاجت وکینه جوئی بخواهد ادامه دهد آتیه باخداوند است.

بهرصورت درکشورچین همهمین عوامل وجودداشته ومارشال چان کای چك که مدتی درروسیه کمونیستی بوده است از رژیم شوروی متنفر بود و یك خانمی که بازندانسته کمونیست شده بود مورد تعلق مایسه تونك که وزیر تبلیغات ایشان بود قرار گرفت چان کای چك این زن را اعدام کرد مایسه تونك بواسطه عشق مفرطی که باین زن داشت نتوانست تحمل کند وقسم خورد که ازچان کای چك انتقام خواهد گرفت علیهذا از رفقای سابق خود جدا شد وبانهایت سختی خودرا بمنچوری رسانید وچند مرتبه درراه نزدیك بهلاکت رسید وچون امریکائی ها باچان کای چك همراه بودند طبیعتاً مایسه تونک بطرف مقابل پیوست مأمورین شوروی درمنچوری ازموقعیت استفاده کرده اسلحهٔ که ازژاپونیها گرفته بودند باختیار مایسه تونک گذارده مشارالیه نیز اشخاص ناراضی ازچان کایچک و اشخاص جاه طلب وطماع را دورخود جمع وجلب کرد وصدد درصدد تسلیم تعلیمات مسکو شد و باکمک مادی ومعنوی شوروی‌ها خودآرائی کرده شروع بمخالفت نمود مارشال نماینده ترومن که بچین آمد سعی کرد شاید بین مایسه تونک وچان کایچک که ظاهراً گفته میشد ناسیونالیستها و کمونیستها مرافقت وموافقت ایجاد نماید زیرا میدانست چینی کمونیست نیست برای جاه طلبی ورقابت واغراض شخصی است وعقیده داشت چندنفر ازطرفداران مایسه تونک واردکابینه شوند چانکایچک قبول نکرد زیرا میدانست که اگر حریف وارد مرکز عمل بشود مخالفین اوومخصوصاً ژنرالهائی که خودرا مقدم بر اومیدانند موجبات سقوط اورا فراهم خواهند کرد

باینجهت سند برفت ومارشال بدون موفقیت وبااینکه پذیرائی خیلی مجلل واحترامات

فوق‌العاده باو نمودند معهذا باسوء نظر بامریکا مراجعت نمود ومارشال چان‌کای چک که مرکزحکومت را به نانکینک منتقل کرده بوداردوئی برای سرکوبی مایسه‌تونک اعزام‌داشت‌حال با بدعلت‌العلل شکست‌این‌طرف‌را بدست‌آوریم وچه‌شد که‌ناسیونالیستها بااینکه مرکز مملکت وقوای عمومی این ملت بزرك دربدو امر ومساعدت امریکائیها را داشتند بالنتیجه‌شکست خوردندمن درمدت اقامت‌خود نتیجه مطالعات و استطلاعات خودم‌را باستحضار قارئین محترم میرسانم تا پرده ازروی این‌صحنه برداشته شود .

علت شکست ناسیونالیست ها

چان‌کایچک شخصی است بردبار ومقاوم وبسیار لجوج وصبور ومثل تمام چینیها موم وخویش دوست وخانم‌چان‌کای‌چک نیز نفوذفوق‌العاده درشوهر خود داردمساعدت های دولت امریکاچه‌ازحیث پول وچه ازحیث اسلحه تا آن حدی که کمونیستهاومخالفین چان‌کایچک تبلیغ کردندموردسوء استفاده قرار نگرفت ولی باید تصدیق کرد که‌مأمورین دولت چین مخصوصا ژنرالها البته سوء استفاده کرده‌اند ولی این که تمام وجوه کمک امریکا بحساب شخصی منتقل شده‌است خیلی‌صحیح نیست علت‌العلل‌شکست ناسیونالیستها وکمین‌تانک دراین مبارزه سه چیزاست اول عدم رضایت سیاست امریکا ازرویه‌چان ـ کایچک که دروسمت‌های اخیر بهیچوجه کمک نمی کردند وحتی درمرحله اخیر خانم چان کایچک بواشنگتن رفت وهرقدر جد وجهد کرد امریکا روی مساعد نشان نداد وضمناً سیاست عمیق‌انگلیس‌ها که نظرشان بیرون کردن امریکائی‌ها ازچین بود که‌تمام تجارت چین را دست بگیرند .

دویم عدم صمیمیت ژنرال‌ها وفرماندهان قشون که درتمام موارد بفرمانده کل‌قوا خیانت کرده وباطناً بامای‌سه‌تونگ‌وژنرال چته ساختند وهمین قضیه موجب شکست چان کایچک وطرفداران اوشدضمناً اشتباه سیاسی امریکائی‌ها که البته سیاست‌عمیق‌انگلیسها وتحریکات شوروی هاهم باین رویه کمک میکرد سوبم تصور بیمورد رجال چین که درهرحال امریکا وانگلستان نمیگذارند چین بدست کمونیستها بیفتد .

دربدو ورود سفارت کبرای ایران درنانکینک تقریبا صدهزار نفر بهترین قوای امریکاکه تفنگداران دریائی‌است درنانکینک وچند نقطه حاضر بودند دوکشتی هم‌در یانک‌تسه لنگرانداخته بود ودریک صحرا بعرض ۳ کیلومتر در ۳ کیلومتر لوازم و احتیاجات این قشون روی هم ریخته بودکه بعد مقداری را فروختند ومقداری هم‌باقی ماند وازبین‌رفت .

ژنرال‌سول رئیس‌اناماژرمک‌آتور بسمت‌آتاشه‌ناوالNaval درنانکینک‌حضور داشت دربدو ورود من ازمستر استوارت سفیرکبیر امریکا سئوال کردم که با وضعیت فعلی آیا صلاح هست‌ما سفارت ایران را تأسیس کنیم‌باخیر سفیرکبیر امریکا اظهارداشت کمونیستها درموکدن‌هستند وما ازرویه چان‌کای‌چک راضی نیستم ومشورت مارانمی پذیرد وما غیرمستقیم بکمونیستها کمک می کنیم (۱) سعی ما اینست که مارشال چان ـ کایچک استعفا بدهد و ژنرال لی ـ Ly رياست جمهوررا دردست بگیرد دراینصورت

(۱ اسلحه که ما برای دفاع میدهیم دست مهاجمین می‌افتد .

ماهم کمک می کنیم که بعملیات کمونیست‌ها خاتمه داده شود هیچ نگرانی نداشته باشید وفوری سفارت خودنان‌را تاسیس نمائید‌من بواسطه وجود این قوهٔ نظامی‌مهم باین‌نظر تسلیم شدم وسفارت خودمانرا بطوری که قبلا ذکرشد افتتاح نمودم فرمانده‌قوای‌چان‌ـ کایچک درموکدن بکمونیستها تسلیم شد وباقوای چته بطرف پکن حرکت کردند ازطرف دولت مرکزی یک اردوی بزرك که حتی عدهٔ آنرا بعضی تایک میلیون‌ذکر می کردند ولی من بطور قطع نمیتوانم بنویسم که عدهٔ قطعی این اردوچقدر بوده‌است تحت فرماندهی مارشال فوسویه بسمت فرماندهی جبهه وحکمران پکن روانه نمودند یک اردوی دویست وپنجاه هزارنفری‌هم درسمت غرب پکن برای مبارزه حاضر بود جبهه جنگ ازطرف مشرق‌محدود بود بخلیج پکن‌یاخلیج بچی‌لی وازطرف شمال‌قوای مهاجم ودوقوهٔغربی وجنوبی اگر متفقا حمله میکردند قطعاً قوای چنه و مای‌سه‌تونگ شکست میخوردند .

ولی‌مارشال فوسویه ترجیح داد که با کمونیست‌ها وارد مذاکره شود آنهاباین شرط پذیرفتند که قوای مهاجم اول بغرب حمله نماید وقوای فوسویه‌وارد جنك نشوند وهمینکه آن قوه شکست خورد واردهٔمذاکره شوند این نقشه همینطورعملی شد اردوی غرب‌شکست خورد وفوسویه بدون جنك با کمونیست‌هامتحدشد واجازه داد قوای‌مهاجم وارد پکن شوند .

ازطرف قوای دولتی حتی یك وشتك هم خالی نشد واین اردوکاملا بکمونیستها تسلیم شد ومارشال فوسویه بفرماندهی همین اردو منصوب گردید و این دو قوه دیگر مانعی درجلو نداشتند وطرف نانکینك حرکت نمودند امریکائی ها بدون مطالعه در روحیات مارشال چان‌کایچك وسائل استعفای اورافراهم نمودند ولی باابنکه‌میدانستند آرمه خودمارشال درنانکینك حاضر است ونمی‌توان فکری را باوتحمیل نمودمخصوصا که‌شخصاً مرد پرطاقت‌وصبور ولجوجی است‌فشار آوردندچان‌کایچك اظهار نمود من آنقدر مقاومت می کنم تاجنگ عمومی شروع شود وشما ناچار بامن کمك خواهید کرد سفیر امریکا جواب می‌دهد اگر جنگ هم شروع شود بنفع شما نخواهد بود جان کای چك گفت شما اشتباه می کنیدوفتی خواهد رسید که شما خواهی نخواهی بمن محتاج‌خواهید شد والتجاء بمن کمك خواهید کرد ودستور داد تمام ذخیرهٔ طلاومهمات را در ۲۳ هزار صندوق ازنانکینك باطیاره بفرمز حمل کردند وچون قوهٔ هم در مقابل نبود جلوگیری غیرممکن سفیر کبیر امریکا دومرتبه با مارشال ملاقات وخواست ازحمل ذخیرهٔ طلا و مهمات جلوگیری کند .

مارشال جواب داد اگر من نبرم کمونیست ها خواهند برد پس بهتر این‌است که من ببرم وشاید استدلال صحیحی هم بود وهمین که تمام ذخائرحمل شد مارشال درتاریخ پنج‌شنبه ۳۰ دی مطابق ۲۰ ژانویه ۱۹٤۹ از ریاست جمهوری موقتا استعفا داد و روز جمعه ۲۱ ژانویه با آرمه خود حرکت نمود .

بزرگترین اشتباه چینی‌ها این بود که امریکائی ها وانگلیسی‌ها نخواهند گذاشت کمونیست ها چین را قبضه نمایند زیرا ازعمق سیاست انگلیسها بی خبر بودند ودولت

کنسرواتور که درجنگ دویم باکمونیست ها برضد هیتلر متحدشد چه اهمیتی می دهند که برای حفظ منافع خود چین از بین برود و همین اشتباه وخیانت ژنرال ها واشتباه امریکائی‌ها موجب سقوط حکومت ناسیونالیست ها شد زیرا دولت امریکا خود اقرار کرد که ما درسیاست چین اشتباه کردیم وامیدواریم درآتیه کمتر اشتباه بکنیم ولی این اشتباه‌چقدر گران تمام شده است که خاتمه آن معلوم نیست زیرا دراین موقع که‌من‌مشغول تحریراین کتاب‌هستم امریکائی‌ها ۱۱۷ هزار نفرتلفات درجنگ کره داده‌اند ومتحمل‌چند میلیارد هزینه جنگ شده‌اند وعاقبت آن هم معلوم نیست وبهمین جهت است که در عرف سیاست‌اشتباه‌جرم‌است‌چنانکه هیتلروموسولینی دراثراشتباه کشورآلمان‌وایطالی‌رانابود کردند وامیدواریم آقای‌دکتر مصدق اشتباهشان تااین درجه بزیان کشور بدبخت‌ایران تمام نشود .

ریاست جمهور ژنرال لی

ژنرال لی که مورد اعتماد مردم بود ومعروف بصحت عمل ودرستکاری معاون‌چان چاك بمقام ریاست جمهور منصوب گردید وکردیپلماتیك (هیئت سفراء) را برای عصر دوشنبه ٤ بهمن ساعت ٤ بقصر ریاست جمهور دعوت کردند که بحضور رئیس جمهور جدیدمعرفی شده و شناسائی رسمی بعمل‌آید‌علیهذا تمام سفرای‌کبارووزرای‌مختاروشارژ دافرها با اعضای خود درساعت مقرر درقصر رئیس جمهور حاضر شدیم و



مطابق پرتکل الاقدم فالاقدم برئیس جمهور توسط رئیس تشریفات معرفی شده پس ازدست دادن با رئیس‌جمهور سفیر یا وزیرمختاراعضای‌خودرا معرفی کرده بکناری رفتند وپس ازخاتمه این تشریفات رئیس جمهور دروسط ودست چپ ایشان شیخ‌السفرا مسیو مریه Meyrier سفیرکبیر فرانسه ودست راست فرخ سفیر کبیر ایران چنانکه در عکس ملاحظه می‌شود قرار گرفتند وسایر سفرا نیز هریك در دوطرف ایستاده‌شامپانی بسلامتی رئیس جمهور جدید صرف شد و پس از نیمساعت این مراسم خاتمه حاصل نمود .

ژنرال لی درموقعیت بسیار باریك وخطرناکی بود زیرا فاقدپول واسلحه وسرباز ومهمات بوده مختصر قوه درحدود یك سپاه بیشتر درنانکینك نداشتند وقوای مهاجم بدون هیچ مانعی ازیکن حرکت کرده‌وآمدند تا درساحل شمالی یانك تسه موضع گرفتند و ازطرف دولت ژنرال‌لی‌مذاکرات صلح شروع شد و این مذاکرات از طرفین مدتی طول کشیدوبالاخره منتج نتیجه نشد ولی قبل‌ازاینکه باین قسمت بپردازیم جریان‌داخلی کار های سفارت را از تغییر رئیس جمهور تا حمله کمونیست ها به شهر نانکینك شرح خواهیم داد .


عروسی پارسا

سانگهای مستقل و آقای فریدون دیبا جای ایشان به بانکوک مامور شد ولی من بهتر دانستم که جشن عروسی را در بانکوک و در عمارت سفارت شاهنشاهی ترتیب بدهیم و برای این جشن عروسی شب پنجشنبه ۱۲ اسفند را معین کردیم تمام سفرا و اعضای آنها و مأمورین مهم چینی و عدهٔ از اتباع مهم ایران را از سانگهای دعوت کردیم و در این جشن تقریباً سیصد نفر مهمان داشتیم و بسیار آبرومند و با نشاط مجلس جشن برگذار شد؛ عکسهایی هم برداشته شد که از نظر قارئین محترم میگذرد وسائل تفریح از قبیل موزیک و آتش بازی و رقص موجبات تجلیل مجلس را فراهم نمود و پس از ختم عروسی آقای پارسا و خانم ایشان سانگهای مستقل شدند و آقای فریدون دیبا سمت نایب دوم سفارت کبرای ایران در بانکوک انجام وظیفه مشغول شد


عروسی پارسا

از طرف دوستان ما اعضای کُر دیپلماتیک و سفرای کبار و وزرای مختار وجود اسباب هدایائی برسم مبارک باد بعروس و داماد تقدیم شد

از دوماه قبل من شروع کرده بودم که مهمانی های همکارهای خودرا جواب بدهم وچون هیئت سفرای خارجه در بانکوک بیش از ۲۵۰ نفر بودند ما هر ۲٤ نفری را با ملاحظه ترتیب دعوت شام می کردیم و این مهمانی ها که تمام سفرا بافتخار من داده بودند جواب می‌دادیم باستثنای سفیر کبیر شوروی که اساسا از سفارت ایران دعوتی نکرد وفقط یک دید و بازدید رسمی خاتمه حاصل بود ولی سایر مأمورین خارجه بدون استثناء ازمن و سایر اعضای سفارت شاهنشاهی دعوت کرده بودند ومن هم موظف بودم که طبق اصول دعوت هریک را پاسخ گویم

در اینموقع اول نوروز نزدیک می‌شد وشب چهارشنبه ۲٥ اسفند ما بعادت کشور خود بوته آتش زدیم واز روی آن جستن کردیم که موجب تماشای مستخدمین چینی ما قرار گرفت بعلاوه من بعادات ملی خودمان خیلی معتقد هستم ودر اینموقع ما بایستی یک پذیرائی رسمی هم درروز عید نوروز خودمان ازمأمورین دول متوقف فیها و همکارهای خودمان بنمائیم

علیهذا روز دوشنبه اول فروردین ۱۳۲۸ ساعت ۵/۵ از تمام کر دیپلماتیك و مأمورین دولت چین در سفارت ایران پذیرائی مختصری بعمل آمد و به مستخدمین چیزی عیدی داده شد

هزار بودا

در ۱۶ کیلومتری شهر نانکنك قصبهٔ است موسوم بهزار بودا که زیارتگاه پیروان این مذهب است من خیلی مایل بودم که این محل را ببینم ولی بواسطه زمستان و پیش آمد های سیاسی موفق نمی‌شدم تا وقتی که کمونیست ها بشهر نانکینك نزدیك شدند و متوجه شدم که اگر از این موقع استفاده نکنم دیگر موقع مساعدی بدست نخواهد آمد علیهذا روز شنبه ۱۳ فروردین برای سیزده بدر مصمم شدیم که بهزار بودا رفته و این محل را تماشا کنیم

ساعت ۹ از شهر حرکت کردیم من و خانم و مریم و آقای دستا با محمد پیشخدمت شخصی من براهنمائی خان شوفر سفارت حرکت کردیم و ساعت ۱۰/۵ بواسطه بدی راه و باران شدید باین قصبه رسیدیم همین که متولی مطلع شد که مسافر جدیدی رسیده است بوسیله خان شوفر خودمان را معرفی کردیم و اجازه دادند که داخل معبد شویم

این معبد محل وسیعی است تقریبا سالن بعد مربع درهفتاد متر و در وسط دو طبقه مجسمه پیشوایان مذهب بودا گذارده شده بود که هرمجسمه سه برابر یك انسان طبیعی ساخته شده بود و درجلو مجسمه‌ها عود می سوزانند وارتفاع سقف بیش از ۸ متر بود و در اطراف این محوطه بر تمام مجسمه اشخاصی بزرگتر از حد طبیعی انسان بعضی ها هشت دست و بعضی ها شش دست و برخی با چهاردست و خدایانی باسم پیشوای جنگ و پیشوای صلح و پیشوای زراعت و پیشوای آبیاری و پیشوای موسیقی و سایر پیشواها و بعد درخارج محوطه این معبد که محاط است از چندین تپه و ماهور و تمام مشجر و در هر قسمت ابنیه عمارات هائی هم طبیعی و مصنوعی ساخته شده و چندین مجسمه بودا باشکال مختلف در هر قسمت نصب کرده‌اند و درهر تپه باقار یا اعوجاجات این محل طی می کنید چندین مجسمه بودا می بینید که بدون اغراق هزار مجسمه در این محوطه موجوداست پس از تماشای این قسمت نهاری را که از شهر برده بودیم صرف کرده و برای ساعت ۳ مراجعت کردیم انعامی هم بمتولی پرداخته و برای ساعت پنج بشهر رسیدیم و ساعت ۵/۵ مهمان آقای سردار پانیکار سفیر کبیر هندوستان بودم که با تغییر لباس درسفارت هند حاضر شدیم

مذاکرات صلح

مذاکرات صلح بین مامورین [illegible] و کمونیست ها بالاخره بنتیجه نرسید و از ابتدا هم معلوم بود که بنتیجه نخواهد رسید و در شب پنجشنبه ۲۵ فروردین که سفیر کبیر انگلیس و سفیر کبیر هلند و سفیر کبیر مصر و ژنرال سول و شارژ دافر ترکیه و سفرای کبار برمای و سیام با خانمهای خود شام در سفارت ایران مهمان بودند فرمانده قوای نانکنك و حکمران نیز با خانمهای خود حضور داشتند بعد از شام از وضعیت جبهه سئوال شد فرمانده جواب داد که اینجا استالینگراد چین است و ما تا آخرین نفر دفاع خواهیم

کرد وبالاخره چون مذاکرات صلح قطع شده بود مامنتظر بودیم که بالنتیجه چه وضعیتی پیش خواهد آمد که روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ساعت ۸ بعد ازظهر جنك شروع وصدای توپ‌ها بلند شد واز طرفین جنگ درکمال شدت جریان پیدا کرد .

موقعیت سفارت ایران

خانهٔ که برای سفارت ایران اجاره کردیم مالکش رئیس قوهٔ قضائیه سابق کشور چین واز متنفذین وطرفداران کمین تانك بود این خانه درسمت شمال شرقی شهر نانکینك واقع وپشت باغ عمارت خاك ریز دیوار شهر قرار گرفته دراینجا باید توضیح بدهم که شهرهای چین عموماً دارای حصار سنگی است که تقریباً سی متر باسنگهای بزرك حجاری شده دیوار مستقیم ومرتفع در دور شهر ساخته شده وخاکریز بعرض ۱۵ متر برای توپ کردو کنگره‌هائی روی دیوار قرار داده‌اند که برای تیراندازی مهیا باشد دروازه‌های شهرعموماً دارای دو درمی‌باشد که درها درجنبین ودروسط برجی مرتفع قرار گرفته که روی آن برج چند توپ نصب شده‌است عرض درها که از دولنگه تشکیل می‌شود تقریبا هرلنگه اقلا ۳ متر بافولاد وبا جر واتقال بسته وباز می‌شود خانه ما درخیابان شمال شرقی پشت دیوارشهر که دریاچه بزرگی است بفاصله ۳۵۰ الی ٤٠٠ متر تا دروازه فاصله دارد که پس از گذشتن از یانك تسه و طی چند صدمتر وارد شهر می‌شوند پشت دیوار شهر که قسمت شرقی عمارت سفارت است دریاچهٔ است که روی آن کرجی رانها برای تفریح مردم‌را گردش می‌دهند و دراین دریاچه پنج جزیره بنام پنج‌قطعه کره‌واقع که در این جزیره‌ها رستوران ووسائل تفریح فراهم است ومردم‌برای گردش وتفریح باکرجی باین جزا برمیروند ودرشب‌های ماهتاب خیلی باصفاومحل مفرح‌وزیبائی‌است .

درموقع شروع جنگ حملات کمونیست‌ها ازطرف شمال بود وباستی ازیانك تسه بگذرند تا بتوانند وارد شهرشوند واگر چندکشتی جنگی دریانك تسه وجودداشت‌عبور قوای مهاجم بسیار مشکل میشد ولی قوای بحری چین‌را تمام بجزیرهٔ فرمز برده بودند علیهذا مانعی برای عبورنبود ودرموقع حمله قوای مهاجم تمام گلوله‌های توپ از روی سفارت ایران رد می شد کــه در واقع سفارت کبرای ایران در مسیل جنك واقع شده‌است .

تمام شب پنجشنبه و روز پنجشنبه و شب جمعه جنگ در کمال شدت جریان‌داشت کارد سفارت هنوز درسفارت متوقف بود و بوظیفه حفاظت عمل می نمود صبح جمعه ۲ اردیبهشت ساعت پنج صبح مسیومر به سفیر کبیر فرانسه‌شیخ‌السفرا بمن تلفون کرد که‌فوری بسفارت فرانسه تشریف بیاورید من بهر وسیله بود جان شوفررا حاضر کرده وطرف سفارت‌فرانسه‌حرکت کردم

قبل از شروع جنگ همین که قوای کمونیست بطرف جنوب سرازیر شد قوای نظامی امریکا نانکینگ را تخلیه کردند وکشتی های جنگی هم مراجعت نمودند ولی یك کشتی‌جنگی انگلستان‌دریانك تسه لنگر انداخته بود که روز پنجشنبه مورد حمله کمونیست‌ها واقع‌شدو ۳۳ نفر از سربازان ...

هم درحدود ۲۶۰ نفر تلفات دادند و کشتی را توقیف نمودند من همین که بسفارت کبرای فرانسه وارد شدم دیدم تمام سفرا ومستشار سفارت شوروی حضور دارند سفیر کبیر فرانسه جلسه را افتتاح نمود .

بدواً از پیش آمد کشتی جنگی انگلستان وقتل ویس کماندان و سربازان انگلیسی اظهار تاسف نموده بسفیر کبیر انگلستان تسلیت گفت مستر استونسن سفیر کبیر انگلستان از این پیش آمد اظهار تاسف نموده واز تسلیت کردیپلماتیك تشکر نموده بعدسفیر کبیر فرانسه مجدداً برخاست واظهارداشت دیشب فرمانده کارنیزن بیست هزار دلار امریکائی گرفت وبقوای خود دستورداد عقب نشینی کنند.

خودش هم دیشب بطرف شانگهای حرکت کرد قوای مهاجم از سه نقطه الساعه مشغول گذشتن از یانك تسه هستند وتا یکساعت دیگر شهر بدست کمونیستها خواهدافتاد وظیفه هیئت سفرا چیست :

پس ازمشاوره اینطور تصمیم گرفته شد که رابطه رسمی باحکومت کمونیست نمی توانیم داشته باشیم تاازدولت متبوعه خود دستور بگیریم وتامدتی که دستور برسداگر اتفاقاتی روی داد بطور غیررسمی شیخ السفرا بادولت جدیدالورود ومأمورین آنها مذاکره نمایند که تاحدی وضعیت حفظ شود واز طرف دول محابه بسفرای خود هر یك دستور لازم برسد جلسه خاتمه حاصل نمود .

پس ازختم جلسه هیئت سفرامن بسفارت خودمان مراجعت کردم ولی بااینکه فرمانده فرار کرده بود وقوای مدافع عقب نشینی می کند معهذا صدای توپ وتفنگ لاینقطع در جریان است .

ظهر روزجمعه انبار آرد نزدیك دروازه غارت شد و سربازهای مدافع که درحال عقب نشینی بودند هر یك دوسه کیسه آرد روی شانه داشتند . بنصف قیمت باهالی می - فروختند من بنوکرهای سفارت دستور دادم که ازاموال غارتی بهیچوجه خریداری ننمایند عصرجمعه گارد مستحفظ سفارت خدا حافظی کردند وحرکت کردند مبلغی بآنها بعنوان خرج راه ازطرف سفارت کمك شد .

شب شنبه هم صدای تیر قطع نشد ولی روز شنبه صبح بمرور صدای توپ و تفنگ وشصت تیر کم شد تاعصر شنبه که قوای مدافع منظما ازسمت راست خیابانی که روبروی سفارت کبرای ایران می گذرد بحرکت درآمدند وتمام افراد تفنگها سردست وتوپ ها سوارشده وشصت تیرها روی دست بحال حاضر باش پیاده وسواره مشغول عبورهستندازسمت چپ خیابان هم قوای مهاجم (کمونیست) بهمین ترتیب شصت تیرها روی دست وتفنگها دردست ومستعد تیراندازی درحرکت هستند فاصله دوقوهٔ مدافع ومهاجم دومتراست ولی هیچ یك متعرض دیگری نمیشود ومثل اینکه یك قوهٔ متحد از مانور دوستانه مراجعت میکنند من وخانم ومریم ومحمد پیشخدمت ایرانی دربالکون عمارت نشسته واین منظره را تماشا می کنیم وهرقدر میخواهم تصور این موضوع را نزد خود باقوهٔ عقلائی حل کنم قادرنیستم زیرا دوقوهٔ که تا یکساعت قبل باهم درمبارزه وجنك بوده و ازیکدیگر می - کشتند ودرعقیده دو نقطه موازی هستند حالا یکطرف شکست خورده ولی اسلحه راتسلیم نکرده واسیر نشده است دسته مهاجم وفاتح چگونه بآنها حمله نمی کنند [illegible]

این صحنه بسیار جالب توجه است و باید وارد درفلسفه اخلاقی ملت چین شد تافهمیداین ملت دارای چه خصائص و طرز فکر وعمل آنها چگونه است که درموقع خود امیدوارم دراین کتاب ذکر شود درهرحال قوای مدافع شهر را تخلیه کرده وخارج‌شدند وازصبح یکشنبه ٤ اردیبهشت شهر نانکینك بتصرف نظامی کمونیستهادرآمد .

رفتار کمونیستها باسفرای خارجه

پس ازتصرف شهر ازطرف کمونیست‌ها مامورین دولت جدید اقدامات مخالف مأمورین‌سیاسی دول متحابه‌را شروع‌نمودند بدواً سفارت کبرای‌فرانسه وسفارت کبرای انگلیس وسفارت کبرای‌امریکاوسفارت کبرای ترکیه وسفارت کبرای کانادا را باقوای نظامی‌محاصره کردندوحتی برخلاف تمام قوانین بین‌المللی وارد دفتر سفیرکبیر امریکا شده و آنجا را تفتیش نمودند .

البته ازطرف مأمورین سیاسی پرنست شد ولی کم مونیست ها جواب دادندماشما هـا را سفیر کبیر سابق Ex. Am . میدانیم و مصونیت برای شما قائـل نیستیم و مراوده سفارت خانه‌های فوق‌الذکر را باخارج قطع کردند سفارت کبرای امریکادر دیگری داشت که آقایان کمونیست‌ها نمی دانستند وازآن راه ازخارج اطلاعات بما و آنها میرسید .

شارژدافر ترکیه‌که بامن خیلی دوست‌بود ودرمحاصره قرارگرفته بودبعد ازسه روز منشی چینی خودرا نزد فرمانده نظامی فرستاد و پرتست شدید اللحنی تسلیم نمود روزپنجم محاصره سفارت ترکیه را برداشتند وجواب دادند ماسفارت ترکیه‌رابرای‌آن محاصره کردیم‌که درموقع تصرف شهر و انقلاب صدمه به اعضای سفارت وارد نشود و ضمنا برنست شما را هم نمیپذیریم زیرا شما سفیرکبیر سابق هستید خودتان وخانه‌شما مصونیتی ندارد .

آقای کنعان اوغلی شارژدافر ترکیه بدیدن من‌آمد وجریان را بیان نمود ضمناً متوجه شدیم‌که رفتار دولت فعلي باسفرا ازچه قراراست‌تلگرافات‌رمز ماراهم‌تلگراف خانه ردکردکه حق ندارید رمزتلگراف نمائید پس ازچند روز حکومت کم‌مونیست حکم‌کردکه‌سفارتخانه‌ها باید اتومبیل های خودرا تقلیل‌بدهند مثلا امریکا ۳۵اتومبیل وفرانسه‌ها ۲۵ وانگلیس‌ها ۳۰ اوتومبیل‌داشتند برای هریك پنج اوتومبیل قائل‌شدند سفارت ایران دو اوتومبیل داشت فقط یك اوتومبیل اجازه دادند و باید ماهی برای هریك اوتومبیل یکصد دلار امریکا مالیات بدهیم هیئت‌سفرا پرتست کردندکه‌مأمورین سیاسی معاف ازاین‌عوارض‌هستند .

ولی کسی گوشش بدهکارنبود واتومبیل‌های مارا درخارج توقیف‌میکردندبالاخره جلسهٔ ازنواب سفارت خانه‌ها تشکیل وبرؤسای خود راپورت دادند تصمیم این شد که الجاء برای هر اوتومبیل ماهی یکصددلار مالیات بدهیم تا ازطرف‌دول متبوعه تکلیف‌روشن شود ماهم ناچار یکصد دلار امریکا (۷۰۰ تومان) پرداختیم وبعد ازمدتی سفارت خانه های محصور ازمحاصره خارج شده وفقط با مأمورین تأمینات تحت نظر گرفته شدند و

بلافاصله برای تلفونها مبلغ گزافی وجه مطالبه کردند وهرقدر گفتم این تلفونها به‌مبلغ ۱۲۰ هزاردلار چینی که معادل با ۱۲۰ دلارامریکا بوده‌است بما فروخته‌اند کسی گوش بدادو ناچارشدیم ۱۲۰ دلاردیگر بدهیم که‌سیم‌راقطع ننمایند و بجای ۱۲۰ دلارامریکا ۴۸۰ دلارچینی کمونیستی قبض‌دادندکه درروز حرکت ازچین ۴۸۰ دلار بما رد کردند که‌در آن روز ۴۲۰۰ دلار کمونیستی یك دلار امریکائی قیمت‌داشت ودرواقع بجای ۸۴۰ تومان ایران بما پنج قران مرحمت فرمودند این هم یکی از اعمال چپاول مآبانه و یغماگری حکومت کمونیست‌های چین بود .

برای تعیین تکلیف ازطهران سخت دوچار زحمت بودیم وزحمت مهمتر نبودن‌پول بود زیرا معامله و مخابره با خارج بکلی قطع شده بود بانکهای کمونیست که تازه تشکیل شده بود باخارج ارتباطی نداشت حواله‌جات ما بنیویورك و بانکهای امریکا میرسید وما نمی‌توانستیم استفاده کنیم وازاین راه سخت درمضیقه بودیم برای‌مشکل‌اول بالاخره باسفیر کبیر امریکا مذاکره کردم تلگراف رمز را میدادم بسفارت امریکا آنها باراديو بواشنگتن می گفتندوزارت خارجه‌امریکامیداد بآقای‌علاء ایشان باسیم‌واشنگتن به طهران می گفتند وبرای ماجواب می گرفتند ازاین راه مشکل را حل کردیم ولی البته خیلی دیر جواب می‌رسید .

برای مشکل دوم فقط یکمرتبهٔ ۵۰۰ دلار امریکا ازسفارت امریکا گرفتیم وچك دادیم به‌نیویورك‌ولی سفارت‌امریکا اظهار داشتند که‌ماخودمانهم‌درزحمت‌هستیم‌و نمیتوانیم ازاینراه کمك کنیم وضعیت‌ما مشکل‌ترمیشد که نایب‌اول‌سفارت‌امریکا مستر لوینسن آمد به سفارت ایران و گفت یك راه خیلی مساعدی بدست آوردیم وآن اینست که سفیر کبیر X پنجهزار دلار موجود دارد شما حواله بدهید بنیویورك‌دروجه‌سفیر کبیر آنها درواشنگتن بپردازند‌سفیر کبیرXدراینجا بشما عین دلار میدهد من خیلی مسرور شدم و چك را دادم مسترلوینسن نایب‌اول‌سفارت امریکا بانگلیسی نوشت‌وچون‌مستر استوارت‌سفیر کبیرامریکا با زحمات زیاد موفق شد یك طیاره اورا اجازه حرکت بدهند عازم واشنگتن بود چك را بایشان دادیم که درواشنگتن بسفیر کبیر بدهد وایشان حرکت کردند پس از چند روز تلگرافاً بوسیله رادیو اطلاع دادند که چك تحویل شد بانك هم بوسیله سفارت امریکا اطلاع داد که پنج هزار دلار پرداخته شده است بسفیر کبیر برای اخذ وجه مراجعه کردیم جواب‌داد بمن وصول وجه خبر نرسیده هرقدرصبر کردیم بالاخره آقای سفیر کبیر جواب سربالا میدهد .

۳۵ هزار تومان کلاه سرمن رفته است در عملی که سه سفیر کبیر وارد بودند سند نیت امنادی نمیتوانستیم بگیریم بعلاوه خلاف شرافت وحیثیت سفیر کبیر ایران بود که از سفیر کبیردولت دیگر سندرسمی مطالبه نماید خلاصه هرقدرصبر کردیم‌سفیرخیال‌پرداخت وجه را نداشت من ناچار بامستشار سفارت کبرای امریکا ملاقات کردم که سمت شارژ — دافری داشت و گفتم من باطمینان شما این وجه را پرداختم وچك هم‌بخط مستر لوینسن نایب‌اول سفارت امریکا بوده‌است سفیر کبیر (X) خیال پرداخت وجه را ندارد مستشار سفارت امریکا تاگردنش سرخ شد و بمن گفت شما سه روز بمن وقت بدهید و بلافاصله

بسفیر کبیر x اخطار کرد که این مبلغ بوسیله ما پرداخته شده است اگر فوری نپردازید من بدولت شما تلگراف می کنم که سفیر کبیر امریکا بوزیر خارجه شما اطلاع دهد که سفیر کبیر شما کلاهبرداری کرده است .

بعد ازسه روز سفیر کبیر x تلفون کرد که خواهش می کنم عصر یك قهوه باما صرف فرمائید عصر بسفارت کبرای x رفتم وپنج هزار دلاررا تحویل نمود وقبض گرفت .

ولی من این مبلغ را ازجوانمردی ومساعدت سفارت امریکا توانستم بدست آورم وضمنا متوجه شدم که درعصرحاضر نباید زیاد متوجه عناوین ومقامات بود دردنیائی که کمونیست‌ها حکومت میکنند وسفارت خانه هارا محاصره می نمایند و از سفرای کبار مالیات می گیرند سفیر کبیرهم مجازاست که اگر توانست مال دیگران را بجیب بزند یا مثل سفرای کبار امریکای جنوبی لاینقطع قاچاق‌واردکرده تجارت نماید ولی متاسفانه یا خوشبختانه تربیت ما درعصر دیگر واخلاق و روحیات ما درمحیط دیگر تربیت شده است و همین اخلاق و روحیه نزدیك بود مرا به یك خسارت سی وپنج هزار تومانی دوجار نماید .

آقای دیبا برای تصفیه محاسبات وفروش اتومبیل شخصی‌خودش‌ازمن اجازه گرفت برای پنج‌روز بشانگهای برود ومراجعت نماید روز چهارم حرکت‌ایشان‌حمله کمونیستها شروع شد ومراجعت ایشان غیرممکن گردید .

مشکلات داخلی باجریان جنك و طرز عمل مأمورین دولت جدید مراجعت آقای دیبارا دچار تأخیر نمود آقای فریدون دیبا نایب دویم سفارت هر قدر بمامورین کمونیست‌ها مراجعه مینمودند اجازه مراجعت نمیدادند وبا اینکه شهر شانگهای‌هم بتصرف کمونیست‌ها درآمده بود معهذا ممانعت میکردند وتمام‌کارهای سفارت را خود من با مستخدمین می گرداندیم .

دونامه دوستانه بمأمور سیاسی نوشتم که این سخت‌گیری شمانسبت بمراجعت نایب دویم سفارت کبرای ایران مبنی برچه اصلی‌است جواب مقنع نمیدادند وواگذار بفرمانده نظامی شد بالاخره پس ازسه‌ماه مکاتبه و کشمکش در۲۶ تیرآقای دیبا را اجازه‌دادند وایشان ازشانگهای حرکت کرده به نانکینگ وارد شدند .

رفتار مأمورین دولت چین‌کمونیست روز بروز بی ادبانه تر وخشن‌تر میشد بطوریکه مهمانی های‌سیاسی به سفرا بکلی موقوف شد وگاهی بنهار دعوت بعمل میآمد ماهم ناچار همین رویه را تعقیب میکردیم ولی متاسفانه برای تعیین تکلیف ازطهران دستور نمیرسید .

دراواخر برج امرداد مستر استونسن سفیر کبیر انگلستان بدیدن‌من آمدواظهارداشت دولت انگلیس چین کمونیست را برسمیت خواهد شناخت من میروم وسفیر کبیرجدیدی بپکن خواهد رفت پس ازدوهفته خبری‌ازواشنگتن منتشر شدکه مستر اچسن وزیر امور خارجه امریکا اظهار نموده است اگر انگلستان چین کم مونیست را برسمیت بشناسد ما درامور شرق اقصی باانگلستان دیگر مشورت نخواهیم کرد وپس‌ازانتشار این خبر روز جمعه ۲۵ شهریور عصر مستر استونسن سفیر کبیر انگلیس بی‌خبر بدیدن من آمد واظهار داشت شما چه خواهید کرد من جواب دادم منتظر دستور طهران هستم

زیرا که ۵۲ روز است که تلگراف کرده‌ام ولی جوابی نرسیده سفیر کبیر انگلیس اظهار داشت خواهش میکنم اجازه بدهید من بسفیر کبیر خودمان دوطهران تذکر بدهم که جواب شمارا زودتر بدهند من متعجب شدم زیرا مداخله دراین کارچه مربوط بسفیر کبیر انگلیس است ونمی توانستم مقصود اورا درك کنم پس ازقدری تفکر چون بلاضرر دیدم موافقت کردم. روزجمعه دیگرجواب وزارت امورخارجه رسید : دراینجا علت تاخیر وصول تلگرافات را باید توضیح بدهم زیرا تنها وسیله مخابره باطهران رادیو سفارت امریکا بودکه تلگرافات رمز من را بواشنگتن می گفت وجناب آقای علاء بطهران مخابره میکردندو بهمین واسطه جواب دیر میرسید ولی رادیو سفارت انگلستان مستقیماً باطهران مخابره مینمودکه من تا این موقع نمیدانستم وعجب اینست که رادیو سفارت کبرای امریکا فقط با واشنگتن صحبت میکرد ولی رادبو سفارت کبرای انگلستان با همه جا میتوانست صحبت نماید .

تلگراف وزارت خارجه حاوی این دستور بود : اتاثیه سفارت را درشانگهای تحویل ژنرال قونسول بدهیدوسفارت را منحل کرده بااتمام اعضا بمرکز تشریف بیاورید تمام هزینه درطهران پرداخته میشود.

این تلگراف فوق العاده اسباب زحمت بود زیرا اولا پول برای حرکت وحمل اثاثیه نداشتیم وثانیاً حمل بیست تن اثاثیه درابنموقع جنك واشکالات دائم التزاید کمونیستها کارسهلی نبود آقای دیبا هم مریض وتب می کند بعلاوه بزرگترین اشکال ما مستخدمین چینی است که از روز ورود کمونیستها بکلی دیسیپلین وانضباط را ازخود دور کرده اند وبرای انحلال سفارت یکسال حقوق مطالبه میکنند وکمیته کارگری هم جداً آنها را تقویت می نمایند و اگر مستخدمین رضایت ندهند بسفرا اجازهٔ خروج از شهر داده نمی شود .

برای تحویل دادن اثاثیه سفارت بآقای میرفندرسکی ژنرال قونسول مراجعه ولی ایشان تمرد نموده ازاطاعت امروزارت امورخارجه استنکاف ورزیدند ناچار مجددا توسط سفارت انگلیس درنانکنك از وزارت خارجه کسب دستور شد وامر نمودند درمحل امنی بسپارم من هم دریکی از تجارتخانه‌های سوئیسی که برای این امور مهیا بود اشیاء غیرقابل حمل را متمرکز کرده وبیمه نمودم.

حال قبل ازاینکه وسائل حرکت خودرا ازچین تهیه کنم ومشکلات حرکت خودرا شرح دهم قدری از جغرافیای مختصر ومحصولات ومعادن وعادات ملت چین برای استحضار هموطنان خود شرح میدهم که اجمالا ازکلیه امور زراعتی وصنعتی وسایر مزایای کشور چین مستحضر شوند .

محصولات ومعادن واستانهای کشور چین

مملکت چین به ۲۸ حوزه ایالتی قسمت میشود که بترتیب ازشمال بجنوب شرح میدهم .

(۱) استان **منچوکو** که ایالت منچوری است وژاپونیها پس از تصرف این ایالت

آنرا بنام منچوکو نامیدند واین ایالت بزرك ازسه حکومت نشین تشکیل میشود (۱)

(۱) ایالت نیاو نین(۲) جی نین(۳)خه نو ن‌چیان که این سه حوزه بنام منچوری نامیده میشود وپس ازشکست دولت ژاپون درجنك دویم بین‌المللی بکشورچین مسترد شدولی عملا درتصرف شورویهاست .

شهر موکدن وبندر پرت آرتور دراین ایالت واقع‌است و فعلا بندر Dayron دایرن‌راکه روسها تصرف کرده واستحکامات بحری‌کامل درآن مستمر نموده‌اند دراین ایالت واقع‌شده وبوسیله‌آستحکامات‌دایرن برخلیج لیائو یانك یاخلیج پکن مسلط هستند واین خلیج را چینی‌ها خلیج پچی‌لی نیز گویند .

۲) ایالت مغولستان‌که وسیع‌ترین ایالات چین است این ایالت همواره موردنظر وطمع روسها بوده وچشم آنها بمنچوری ومغولستان دوخته شده بود همین‌که ژاپونیها آنها را ازمنچوری خارج کردند درمغولستان هم دخالت نمی کردند ولی سیاست روسها مرتباً دراین‌ایالت‌فعالیت‌محرمانه‌داشت‌تادر۱۹٤۹ پس ازغلبه کمونیست‌هامایسه تونک استقلال‌کامل مغولستان‌را تصدیق‌نمود ولی این استقلال بمعنی ضمیمه شدن‌بکشورشوروی بود چنانکه فعلا مغولستان ضمیمه شوروی وپشت‌پرده‌آهنین قرارگرفته وبهمان درجه که دولت های لهستان وچك‌اسلاو وتاجیکستان وارمنستان وآذربایجان فقط‌ازاستقلال‌دارند مغولستان‌هم درهمان ردیف وتحت سلطه کامل دولت شوروی است واین منطقه‌رابترکی تارباکاتای نیزگویند .

(۳) ایالت سین کیانك که‌آنرا شین‌چیانك نیز می گویندکه همان‌ترکستان چین است‌سکنه این ایالت‌مسلمان هستند وبترکی این‌منطقه راارمچی گویند وچینی‌هاحاکم نشین سین‌کیانك را دی‌خوا نیزمی نامند .

(٤) ایالت ژه‌هو که حاکم‌نشین‌آن شهرچن‌ده‌می باشد .

(٥) ایالت چاحار که حاکم‌نشین آن شهر ون‌چوان است

(٦) ایالت خابه که حاکم‌نشین آن شهر معروف پکن است که سالهای متمادی پایتخت کشورچین بوده‌است درزمان جمهوریت دکتر سون یاتسن مرکز حکومت را به نانکینگ منتقل نمود ولی پس ازغلبه مایسه تونك وبرقراری حکومت کمونیست‌مجدداً پایتخت کشورچین دربکن مستقر گردید وبندر نزدیك آن شهرتین‌ستن‌است‌که اروپائیها آنرا بین‌المللی کردند وپس ازخاتمه جنگ دوم بین‌الملل بکشورچین مسترد گردید .

(۷) ایالت سوی ور که حاکم نشین آن شهرکوی‌سومی باشد واین شهررا بنام هوهو نیز می نامند .

(۸) ایالت نین‌شاه که حاکم نشین آن نیز باین اسم نین‌شاه نامیده میشود .

(۹) ایالت‌شان‌دون که حاکم نشین‌آن جی‌نن میباشد وبندر جین‌داودراین‌ایالت واقع شده .

(۱۰) ایالت چیاسو که حاکم نشین آن‌شهرنانکینگ پای‌تخت کشورچین‌درزمان جمهوریت بوده است وپس ازغلبه کمونیست‌ها مجددا پای‌تخت به‌پکن‌منتقل گردید شهر مشهورشانگهای که بندرمعروفی‌است دراین ایالت واقع شده است .

(۱۱) آن خوی که حاکم نشین آن شهر آن‌چن است .

(۱۲) ایالت خانن که حاکم نشین آن شهر کای‌فن است .

(۱۳) ایالت سین‌شی که حاکم نشین آن شهر تای‌یوان است.

(۱٤) ایالت شان‌شی که حاکم نشین آن شهر شی‌آن یاچان‌آن می باشد .

(۱٥) ایالت کن‌سو که حاکم نشین آن شهر لنجو می باشد .

(۱٦) ایالت چین‌خای که حاکم نشین آن شهر سی‌نین است .

(۱۷) ایالت چه‌چیانك که حاکم نشین آن شهر خانجو می باشد محل تولد مارشال چان کای‌چك دراین ایالت ودرشهر فونکوا بوده است .

(۱۸) ایالت چیان‌شی که حاکم نشین آن شهر نن‌چان است .

(۱۹) ایالت خوبه است که مرکز آن شهر اوجان می باشد.

(۲۰) ایالت سه‌چوان که حاکم نشین آن‌شهر چونکینك است که مدتی درموقع جنك باژاپون مرکز حکومت چان کای‌چك بوده است.

۲۱) ایالت شیکان که حاکم نشین آن‌شهر شی‌چان است.

(۲۲) ایالت شیزان که تبت نامیده میشود حاکم نشین آن ایالت شهر لاسا که لهاسا هم گفته میشود که آنرا گوگونر نیز گویند.

(۲۳) ایالت فوجین که حاکم نشین آن شهر مین‌جو میباشد که سابقا آنرا فوجو می گفتند.

(۲٤) ایالت گوانژون که حاکم نشین آن شهر گوانجو می باشد که مسقط الراس دکتر سون یاتسن پدرجمهوریت چین است .

(۲٥) ایالت خونان که ایالت نشین آن شهر چانشاه می باشد .

(۲٦) ایالت گوی‌جو که حاکم نشین آن شهر گوی‌یان می باشد

(۲۷) ایالت گوانشی که حاکم نشین آن شهر گولین است.

(۲۸) ایالت یون‌نان که حاکم نشین آن شهر کون‌مین است .

در نتیجه جنگ بین‌الملل دوم جزیره فرمز از ژاپون منتزع وبدولت چین ووطن اصلی خود مسترد گردید ولی مقرر است که تاموقع صلح با ژاپون تحت حکومت مارشال چان کای‌چك باقی بماند واخیرا در قرارداد صلح سانفرانسیسکو دولت ژاپون انتزاع این جزیره را ازخود تصدیق نمود وفعلا مرکز حکومت چین ملی است که حاکم نشین آن شهر تیپه است وجزیره‌های پوچو نیز ضمیمه حکومت این جزیره می باشد و این جزیره که میتوان آنرا هم یك ایالت محسوب داشت بیست و نهمین ایالت کشور چین محسوب میشود ومحل اقامت رئیس جمهور درشهر تایپه است .

محصولات

کشور پهناور چین که بالغ بر ٤٨٠ میلیون جمعیت را خوراك داده واحتیاجات آنرا تهیه مینماید عبارت است از برنج و گندم وجو وانواع حبوبات ونخود ولوبیا وبادام زمینی وکتان وچای وذرت وشکر ومخصوصا ابریشم که یکی از بهترین محصولات کشور چین است ارزن و کنجد وخوراك

(در ایالت نیاونین بدست می آید که نوعی از حبوبات وزرد رنگ است که صادرات آن خیلی زیاد می باشد) وسبب زمینی است .

کشور چین ازحیث میوه خیلی قابل ذکر نیست وشاید نقاطیکه خیلی محصول میوه دارد نگارنده ندیدم فقط گیلاس خیلی ریز وهندوانه وسیب دیده میشد مرکبات بسیار اعلا ازجزیره هرمز میآوردند بنانهم از نقاط جنوبی و گرمسیر چین بحدووفور درتمام نقاط بدست میآمد ولی میوه‌های دیگر که قابل ذکر باشد دیده نشد ولی محتمل است در ایالات شمالی یا غربی وجنوبی انواع میوه‌جات دیگرهم وجود داشته باشد که متأسفانه نگارنده موفق بدیدن آنقسمت‌ها نشدم .

راجع بصنایع چین درچند صفحه قبل شرحی ذکرشده است وحقیقتا هوش چینی در صنعت مافوق تمام مللی استکه من دیده‌ام مخصوصا درصنایع ظریفه رتبه اول را حائز هستند ولی کارخانه‌هائیکه درچین دایر است و صنایعیکه دیده شده است به قرار زیر می باشد .

دردرجه اول صنعت حریر و تهیه ابریشم است که اساسا کشف این موضوع و عمل آوردن پیله و نوغان وتهیه ابریشم ازکشور چین بسایر ممالك رسیده است ودرواقع مادر صنعت ابریشم کشور چین است و بهترین حریر دنیا با نقش‌های بسیار زیبا کشورچین مقدم برسایر ممالك عالم می باشد دویم صنعت کاغذسازی است که این صنعت نیز بوسیله چینی‌ها بدنیا اموخته شده است وکاغذهای خانبالق که سابقا برای نوشتن فرامین درایران استعمال می‌شد از کشور چین ارسال می گردید این صنعت باچندین کارخانه کاغذسازی فعلا در کشور چین موجود و کاغذ تهیه می شود سویم صنعت باروت سازی است که این موضوع نیز اختراعش بوسیله چینی‌ها عملی و بعد بسایر ملل رسیده است چهارم کارخانه های چینی سازی است که شهرت جهانی دارد و چینی های کشورچین بهترین نمونه این صنعت است من شخصا دو گلدان بزرك چینی درکاخ رئیس جمهور دیدم که بسیار زیبا و بهترین نمونه چینی دردنیا است واین دو گلدان را تاسیصد هزاردلار امریکا قیمت گذاشته‌اند گذشته از این صنایع که مخترع اصلی آن چینی‌ها هستند فعلا درچین کارخانه‌های تهیه ماشین های فلاحتی و کارخانه تهیه چرخهای خیاطی و کارخانه تهیه لوازم الکتریسته ازقبیل بادبزن و سایر ادواتی که برای این موضوع باید تهیه شوددر کشورچین موجودومی سازند اگرچه درخوبی جنس ودر دوام بدرجه ماشین‌های اروپائی و امریکائی نیست ولی دردرجه دوم تمام احتیاجات داخلی چین را مرتفع می نماید وهم چنین کارخانه حروف ریزی ونخ ریسی کارخانه های برنج پاك کنی وکارخانه‌های تهیه آرد وسایر مشتقات آن در اکثر استانها مخصوصا در شهرستانکهای بسیاراست وهمچنین درشهر نانکینك درسمت شرقی رودخانه عظیم یانك تسه کیانك کارخانه‌های زیادی است که در واقع انقسمت شهر نانکینك را می توان شهر صنعتی نامید و همچنین کارخانه کشتی سازی که باید آنرا بیشتر کارخانه تعمیرات بحری نامید موجود می باشد کارخانه‌های تهیه مشروب وتهیه روغن های مختلف نیز دراکثر ایالات موجود است و همچنین کارخانه‌های تهیه لوازم خرازی وتهیه کامبوت وهمچنین

کتان بافی وحریر بافی وچرم سازی وکارخانه‌های قندسازی است ولی درچین بواسطه رطوبت زیاد اکثرایالات قند را از چغندر نمی‌گیرند بیشتر از نیشکر وازیك نوع ترب سفید است که موادقندی آن کمتراز چغندر نیست و نیز دارای کارخانه‌های رنك‌سازی میباشد که شیمیست‌های چین کمتراز سایر ممالك مترقی نیست وحتی چند نفرشیمیست درچین هستند که درتمام دنیا معروفیت فوق‌العاده دارند ومی توان آنهارا ازعلمای درجه اول این فن‌دانست و کارخانه های مبل سازی نیز در اکثر ایالات موجود است مخصوصا استفاده که چینی ها ازچوب بامبو می‌نمایند این چوب بشکل نی‌سبزمی‌شود ولی بی‌اندازه محکم و برای‌فقرا واشخاص کم بضاعت‌فوق‌العاده‌مورد استفاده است زیرا عموم‌چینی ها ازهرطبقه روی تخت می‌خوابند و تخت خوابهائی که ازچوب بامبو ساخته می‌شود خیلی محکم و با دوام وارزان قیمة است و نیز میزوصندلی ازبامبو ساخته می‌شود که خیلی محکم و قابل استفاده وسهل‌التهیه است و بی‌اندازه درهرشهروهریك‌ازدهات چین این قبیل‌احتیاجات را با بامبو رفع می نمایند و نیز کارخانه‌های حصیربافی که درنهایت نظافت وزیبائی‌حصیر تهیه‌می نمایند

و نیز کارخانه های کبریت سازی و تهیه تخم مرغ برای صادرات که تخم‌مرغ را خشك می کنند برای جلوگیری ازفاسد شدن و این عمل اخیراً یکی از مال‌التجاره‌های بسیار عمده کشور چین بود زیرا درهرسال شاید درحدود ٦٠ تا ٨٠ ملیون تخم مرغ از کشورچین صادر می‌شد و نیز کارخانه‌های حجاری وشیشه سازی وکارخانه‌های سمنت در اکثر ایالات موجود است

درصنایع مستظرفه نیز چینی‌ها دارای هوش و سلیقه مخصوص و سرشاری هستند صنعت نقاشی‌وحجاری‌وحکاکی روی عاج و برودری دوزی درنهایت ظرافت است‌چنانکه رومیزی ودستمالهای سفره بقدری نفیس تهیه می شود که یکدستگاه ٢٤ نفری اقلا سه هزار تا ٩ هزارتومان قیمه دارد و نیزمجسمه‌سازی وگلدوزی وتهیه نقشه‌های بسیار زیبا درصنعت حریربافی درمقام اول‌است حتی نقره کاری‌دستی چین بقدری نفیس وزیبا وبدون تقلب تهیه می‌شود که باصنعت نقره کاری‌اروپا کاملا رقابت می‌نماید وصنعت نجاری ومنبت کاری نیز درچین بی‌نهایت ترقی کرده و ظرافت این صنعت را ارائه میدهد بطوری که نجاری چین را بهتراز نجاری‌های اروپا یافتم وبواسطه وجود جنگلهای بسیار عالی و انواع واقسام‌چوب‌های ذی‌قیمة نجاری‌چین حقیقتاً قابل توجه ودقت است ودراین قسمت مخصوصا منبت‌کاری صنعت‌گران چینی درجه اول را حائزهستند صنایع فلزی دیگرنیز درکشورچین موجود است ازقبیل فولاد سازی واشیاء مسی وسربی وسایرادواتی که با فلزهای مختلف ساخته می شود درکشورچین موجود وتهیه می کنند که بعضی نمونه‌های آنرا من تهیه کرده و باخود آورده‌ام

معادن

کشور چین دارای معادن زیادی است که مهم‌تر از همه ذغال سنگ است که بیشتر در ایالات شمالی چین واقع شده و از این جهت می‌توان گفت یکی از ممالکی است که ذغال سنگ آن سالهای متمادی احتیاجات کشور را مرتفع می‌نماید وحتی برای صادرات سرشار و وفور موجود است.

در موقع حمله کمونیست‌ها چون شمال چین بتصرف مایسه نونك و چته درآمد [illegible] از جهت ذغال ایجاد شد بحدی که کارخانه برق نانکینك تعطیل شد و برای زمستان دوچار مضیقه وزحمت شدیم وقیمت ذغال سنگ فوق‌العاده ترقی نمود که یك‌مرتبه سفیر کبیر هندوستان سردار پانی کار پنج تن ذغال سنگ برای ما فرستاد و ۲۵۰ دلار امریکا قیمت آنرا پرداختم که معادل است با هر تنی ۳۵۰ تومان که خرواری ۸۰ تومان میشود و البته این گرانی غیر قابل تحمل بود بعلاوه بواسطه تعطیل کارخانه برق نانکینك شب‌ها [illegible] را با شمع سفارت را روشن میکردند ولی بعضی از سفارت خانه ها پیش بینی کرده ماشین مولد برق (دینام) تهیه کرده بودند که من هم دراینموضوع پیش بینی کرده ماشین مولد برق (دینام) خریداری کردم و در داخل سفارت کبرای ایران سیم‌کشی کردیم و از این جهت رفع احتیاج شد ولی قیمت بنزین هم که برای این [illegible] تهیه می کردیم خیلی گران بود ولی در هر حال چاره نبود و مخصوصا [illegible] آقای پارسا که چراغهای برق سفارت روشن بود وزیر مختار دمی نیکن [illegible] نانکینك و وزیر خارجه اعتراض کرد که شما چرا بسفارت کبرای ایران برق میدهید ولی سفارت ما را خاموش کرده‌اید وزیر خارجه با لبخندی جواب داد شما اگر بداخل سفارت ایران دقت نمائید متوجه خواهید شد که ماشین مولد برق(دینام) مخصوص [illegible] برق خصوصی است وازطرف شهر بواسطه نبودن ذغال سنگ کارخانه برق [illegible] بهر حال پس از ورود کمونیست ها این مضیقه مرتفع گردید

معادن دیگر کشور چین عبارت است از آهن ومس وسرب و خاك مخصوص چینی [illegible] وسنگ آهك ومعدن انتیمون ومعادن نمك وسنگ مرجان و سنگ قیمتی [illegible] مرز ومعدن فیروزه درشهر خوتین ومعادن نقره ومعادن طلا درایالت شیگان چینگهای [illegible] رودخانه چین شاجیان که دوشعبه می‌شود خورده طلا بدست می آورند این رودخانه [illegible] می‌شود یك شعبه برودخانه یانك تسه کیانك متصل میشود و یك شعبه [illegible] که اهالی بیرمانی آنرا (ایرووادی) می نامند

معادن نفت نیز در چند ایالت منجمله در شن‌شی و ایالت سین کیان که ترکستان چین [illegible] وجود دارد ولی تاکنون بطرز علمی استخراج نشده و اخیراً کمونیست [illegible] امتیاز آنرا گرفته ومشغول امتحانات وحفر چاه شده‌اند

اعیاد و عادات ملی چین

ملت چین ملتی است بسیار متعصب و نسبت بعادات ملی خود خیلی علاقمند هستند مارشال چان‌کای چك بسیار سعی کرد که اول ژانویه را ابتدای سال قرار دهد وروز اول ژانویه را مثل اروپائی‌ها عید بگیرند ولی هرقدر سعی وجد وجهد کرد موفق نشد و بالاخره تاریخ را پذیرفتند که مطابق سنوات اروپائی باشد ولی عید نوروز را قبول نکردند واین عیددرچین مطابق است با٤فوریه (١٥ بهمن) که ازاعیاد مهم ملت چین است دراین عید ١٥ روز تعطیل است و از دهم بهمن تا ٢٥ بهمن عید نوروز محسوب میشود و تقریبا تعطیل عمومی است مراسم این عید تاحدی شبیه بعید نوروز خودمان است هرخانواده نسبت بوضعیت مالی خود لباس نوتهیه میکنند ودرشب ٢٦ ماه دوازدهم هرخانواده شامی تهیه کرده و تمام افراد خانوده درصورت امکان درهر نقطه باشند در این شب باید درمجمع خانوادگی حاضرشوند و اینشب را عیدکوچك می‌نامند وتعطیل عمومی شروع میشود ووقت خود را با تفریحات وموسیقی خودشان و پذیرائی و آتش بازی می‌گذرانند ودرشب ٤ فوریه ١٥ بهمن که شب نوروز است افراد خانواده تاصبح بیدار بوده وبعیش وعشرت وتفریح می‌گذرد بودائی‌ها ازساعت دوازده درخانه را می‌بندند ومیزی که روی‌آن اقسام اغذیه تهیه شده است می‌گذارند جلو در وچند شمع‌هم روی میز روشن است تاقدری بطلوع آفتاب این میزرا بیرون در برده و بعد وارد خانه میکنند وبودائی ها اورادی هم نوشته بدیوار های خانه الصاق مینمایند واین میزاغذیه برای پیش کشی ملکه ارزاق است و پس ازاین تشریفات تا ساعت ١١ الی ١٢ روز دربسته وافراد خانواده باهم‌هستند وازساعت١٢ به‌بعد دید و بازدید شروع میشود واین عمل تقریبا شبیه بعادات ورسومات کشورخودمان است ونیزدادن عیدی از طرف رئیس خانواده بافراد فامیل ومخصوصا بگماشتگان رعایت میشود در سفارت کبرای ایران ما دومرتبه بگماشتگان چینی خود عیدی دادیم یکی درنوروز چینی‌ها ویکمرتبه درعید نوروز ایرانی که بازهم بگماشتگان چینی که برای تبریك نزد من بخانم آمده دست‌می‌بوسیدند عیدی دادیم صرف شیرینی و زیادکردن چراغهای خانه و آتش بازی یکی از رسومات حتمی این عید است در اول ژانویه هم سه روز عید می گیرند ولی تعطیل نیست و این عید تاحدی تحمیلی است و ملت چین برای اطاعت از پیشوای خود مارشال چان‌کای چك رعایت می کردند ولی عمومی نبود ولی در ٤ فوریه عید حقیقی وملی و عموم رعایت می‌نمایند و دلیل مهم پول‌دوستی چینی‌ها اینست که در اعیاد مهم به‌یکدیگر که تبریك میگویند اظهار نمی‌کنند که‌درسال جدید انشاءالله‌درست وسلامت باشید به‌یکدیگر درموقع تبریك اعیاد می‌گویند امیدوارم درسال جدید پول شما بیشتر شود و این اظهار مهم ترین دلیل بر ثروت دوستی و پول پرستی چینی ها است .

واما سایر اعیاد چین دو عید دولتی و ملی است یکی عید جمهوریست که در روز دهم اکتبر و دویم عید غلبه بر ژاپون که اخیراً رسم شده است در روز سویم سپتامبر ادارات دولتی تعطیل است ولی کسبه وتجار مشغول کسب وکار خود هستند

اعیاد ملی چین که از قدیم مرسوم بود ورعایت میشود پنج عید است عید اول بنام (یوان شیه چیه) که در پانزدهم ماه اول سال گرفته میشود عید دویم موسوم است بعید (چین مین جیه) که در دهم ماه سویم گرفته میشود این عید رامخصوصاً بودائی‌ها برای احترام اموات می گیرند ودرسر قبور پس از تنظیفات کاغذهائی میسوزانند وهر کس یك کاسه برنج در آب ریخته روی قبر مرده خود میریزد ومطابق رسوم مذهب بودا بعبادت مشغول میشوند ودر وقت مراجعت مقداری کاغذهای ریشه ریشه کرده بسر چوبی الصاق کرده وروی قبر نصب می نمایند و این علامت اینست که مرده صاحب دارد و متمولین و بزرگان یکنفر مستحفظ هم سرقبر می گمارند که قبررا تمیز نموده وزائرین بدانند که مرده شخص بزرگ ومحترمی بوده است وتمام مدارس در این روز تعطیل میشود و عموم مثل روز سیزده نوروز ایرانیان بخارج شهر ونقاط باصفا میروند وتا شام به تفریح وتفرج می گذرانند عید سوم موسوم است بعید (دوان او جیه) که در روز پنجم ماه پنجم سال گرفته میشود دراین روز نیز تعطیل عمومی است وغذای مخصوصی بشکل دلمه برك ولی خیلی بزرگتر تهیه می کنند که داخل آنرا ازخرما و کشمش وبرنج پر کرده دورآنرا نخ می بندند وبرگهائی که برای این غذا استعمال میشود خیلی معطر است وهرخانواده باید اقلا دوسه عدد ازاین دلمه دراین روز تهیه نمایند بودائی‌ها دراین روز خرچنك زیاد میخورند وبا شراب مخصوص بدوستان خود هدیه می دهند

عید چهارم موسوم است بعید (جون چیو جیه) که در یازدهم ماه هشتم گرفته میشود این عید را بنام استراحت می نامند وخوراکی تهیه می نمایند از آرد سفید و روغن کنجد وشکر وتخم مرغ وگل معطری بنام (کوی خوا) در آن میریزند وتمام خانواده‌ها و میهمانها ازآن صرف می نمایند و این خوراك راچینی‌ها (یو پین) می نامند.

عید پنجم موسوم است بعید (چون یان جیه) و در نهم ماه نهم گرفته میشود این عید مخصوص شعرا و علما ومحصلین است ولی خوراك مخصوص دراین عید تهیه نمیشود به نوشیدن شراب وشعر وموسیقی درنقاط مفرح می گذرانند

علاوه براین اعیاد که ذکر شد اعیاد دیگری هم مرسوم است که عمومی نیست مثل اعیاد زارعین ودهاقین وعید زنها و نیز اعیادی ازقبیل عید اطفال عید خبر نگاران عید روزنامه نگاران وعید هنرپیشگان وغیره که محتاج بشرح وتوضیح نیست واز نقطه نظر عمومی اهمیت اعیاد مذکور سابق را ندارد

سابقاً درچین مرسوم بود که دخترها را درسن طفولیت پاهای آنها را در کفش

فولادی قرار می‌دادند که بزرگ نشود و همچنین به‌پستان دخترها قطعات فولادی می بستند که سینه آنها برجسته گی پیدا نکنند و با این عمل که جلوگیری یکی از بهترین زیبائی های زنان است جلوگیری می کردند من شخصاً زنهای مسن را دیدم که بواسطه کوچکی پا بسیار بزحمت راه‌میرفتند ولی خوشبختانه پس ازجمهوریت ومخصوصا درموقع تصدی مارشال چای کای‌چك خانم ایشان که زن بسیار باهوش وتحصیل کرده وخوش بیانی است تشکیلاتی داد ونهایت جد وجهد رانمود وازاین دوعمل شدیداً جلوگیری نمودند و تبلیغات بسیارموثر درتمام کشور بعمل آمد وحالا می توان گفت که این دوعادت تقریباً منسوخ شده واین دوعمل که یکی بستن فولادبسینه دخترها نقیصه زیبائی خانم‌ها وعمل پرزحمتی بود هردوموضوع موجب مشقت دخترها بوده است‌ازبین رفته ومنع این‌دوعمل نتیجه‌فداکاری وجدیت خانم مارشال چان‌کای چك است

اما طریقه ازدواج در کشور چین بیشتر شبیه بسایر ممالك شرق بوده است و اختیار ازدواج دردست ابوین‌عروس وداماد قرارمی گرفت ولی حالااین رویه‌هم‌متزلزل شده سابقاً دخترها وپسرها حق‌نداشتند خود نامزدی‌انتخاب کنند و حق طلاق‌هم‌منحصراً باختیارشوهر بوده‌است واگرشرایط قانع‌کننده وعلل‌مهمی نبود مردهاهم نمی‌توانستند طلاق گویند ولی مردها درصورت وجود علل مهم مثل خیانت زن و رفتار خلاف عفت یاعدم اطاعت عروس از پدر شوهر و مادر شوهر موجبات اجرای طلاق را فراهم می‌نمود .

برای خواستگاری دونفرزن یامرد از طرف خانواده داماد بخانه عروس میروند وپس‌ازمذاکره وقبول‌خانواده‌عروس بایستی‌منجم‌نیزساعت مساعدتعیین‌ونظر کاهن ومنجم نیزجلب شود که ایا ستاره عروس و داماد موافق است یاخیروگاهی در صورت اظهار عدم‌توافق ستاره عروس وداماد ازمواصلت‌صرف نظرمی شدودرصورت‌موافقت شیرینی که چینی‌ها آنرا(شی بین)می نامند ازطرف خانواده‌داماد بخانه عروس فرساده‌میشود وآن شیرینی راباید افراد خانواده عروس‌تناول‌نمایند وعقیده‌منجم نیز که بزبان‌چینی(کوشو) گفته میشود باید ضمیمه‌هدایا باشد وسن ازدواج برای داماد بیست‌سال و برای عروس اقلا ۱۷ یا ۱۸ سال است پس از اتمام این مقدمات هدایائی ازطرف خانواده داماد فرستاده میشود که حتماً باید زوج باشد مثل دو انگشتر ودوگوشواره ودو دست بندو این موضوع برای اینست که اتحاد ویگانگی بین دونفرباید رعایت شود و هرکس هم طبق تمول وقدرت خود لباس‌ها وپارچه‌هائی برای عروس میفرستند واگر این نامزدی قبل از رسیدن بسن بلوغ باشد باید صبر نمایند ودرصورت واجدبودن‌سن بلوغ یارسیدن باین سن دعوت عروسی‌عملی میشود وپرداخت وجه نقد مرسوم نیست خانواده عروس‌تهیه جهیزمی نمایند واین جهیزیه تمام لوازم زندگانی یك‌خانواده است بیشترخانواده‌عروس

مستقل یارمیبی عروس از طرف پدر
ومادرش ... رسم مبارك باد عروس و داماد تقدیم
میشود ... مدعوین بقدرقوهٔ خود مبارك باد

... داماد حمل میشود و حاملین جهیزیه وجهی
... و مقداری جای هدیه میشود روز
... عروس ... و صبح‌ها را باید درمنزل عروس
... عروس ... میشود و ... هودجی که برای
... است که عروس دیده نمیشود
... عروس ودو
... ولی این هودج‌ها
... مشعل‌هائی دردست
... های معطر میسوزانند
... گماشتگان عروس در
... مستخدمین
... ایران معمول بود که درمسیر
... تمام ... ار
... عمل میشده است و
... عروس ... هستند و
... عروس باید مردها کنار
... حوری می کند
... درعروسی مسلمانها
... جاری وسایر
... و برگان
... تقسیم کرده و
... شده
... داماد ... میروند
... جای میدهند
... آنها بخانه
... داماد بمنزل
... دوك

درسنوات اخیر این تشریفات و رسومات تغییر خلاصه شده و متجددین برخلاف سابق پسرودختر خود بایکدیگر نامزد میشوند وبعد میل خودرا بابوین اطلاع می‌دهند ودرجراید اعلان می کنند که بین فلان پسروفلان دختر مواصلت واقع میشود اگر مسلمان باشند ملای محل صیغه عقد جاری می کند واگرمسلمان نباشند فقط در دفتر شهرداری ثبت میشود وشهودی‌هم ازطرفین تصدیق می کنند و پذیرائی درسالن شهرداری میشود وبعد عروس و داماد در ماشین و اتومبیل یا درشکه قرار گرفته بخانه خود میروند تهیه جهیزیه‌هم بدون آن تشریفات عملی میشود این طرز متجددین ازنقطه نظراقتصادی هم خیلی مناسب وبصرفه خانواده عروس وداماد است واگر کسی‌هم بعنوان مبارك باد بعروس وداماد هدیه نماید درهمان سالن شهرداری تقدیم می کند

جشن ولادت‌هم برای تولد اطفال مرسوم است سابقاً پذیرائی های مفصل میشد ولی حال باختصار کوشیده با پذیرائی مختصری از دوستان و اقوام طرفین برگذار میشود ٠

آقایان وخانمها نیز برای‌خود جشن تولد می گیرند وغذای‌مخصوصی بنام(شوی‌ین) باآرد گندم ورشته تهیه مینمایند که علامت درازی وطول عمر واست ومدعوین نیز شیرینی تهیه مینمایند که چینی‌ها آنرا(شوتا) میگویند ومیهمانها شیرینی را بادعا یائی بصاحبخانه اهدا می کنند اگرمسلمان باشند بآنها تعظیم کرده واگر بودائی باشند سجده می نمایند ودراین جشن‌ها موزیك والات موسیقی وبازیها مسخره یاتاتر نیز عملی میشود و یك شبانه روز مدعوین بعیش وتفریح می گذرانند

مراسم و تشریفات اموات

تشریفات اموات دربعضی مراسم عمومی است و در بعضی مراسم مربوط بمذهب میت است مسلمانها وعیسویها مثل سایر [illegible] تشییع [illegible] میشوند ولی در مراسم عزاداری تمام چینی‌ها لباس سفید میپوشند و کفش [illegible] بپا می کنند زنها اگر متمول وازخانمهای اعیان و شیك هستند یك [illegible] با سنجاق محکم می کنند طبقه متوسط یك تیکه پنبه [illegible] با سنجاق محکم می نمایند پیروان مذهب بودائی که اکثریت مردم [illegible] پس ازفوت عالی ترین و مجلل ترین لباس میت را [illegible] تا ۷ هفته در اطاق او گذارده و زیرپایش شمع [illegible] بلند اوراد مربوط بان مذهب را میخوانند [illegible] های روحانی همنشه موسیقی می نوازند [illegible] آخرین وداع را مینمایند [illegible]

رشته پارچه سفید بطول بیست متر یا زیادتر در دو طرف نگاه میدارند و مشایعین دروسط این دورشته حرکت می کنند وموزیك محلی که خیلی خوش‌صدا نیست درجلو حرکت می کنند ومشایعین زن ومردبالباس سفید وزنها با علامت گل یاپنبه سفید مرده‌را مشایعت مینماید ودرمقبره باتابوت چوبی دفن مینماید وقبررا مدور درست می کنند و سنك‌قبرهم نسبت بتمول مرده ازسنگهای مختلف که نام‌میت واولاد او حجاری‌شده‌روی قبر نصب می‌شود .

گذشته از مراسمی که فوقاً ذکرشد من یکی‌دومرتبه مشایعین جنازه را شخصاً مشاهده کردم که علاوه براین تشریفات شخصی‌هم توی کیسه سفیدی رفته وچون پاهای‌او آزاد نیست بحال ورجه ورجه‌درجلوی میت حرکت‌می کرد صدای طبل وآلات موسیقی برای تشریفات میت قرع سمع مینمود و نیز در جلو جنازه اژدهائی بطول ٦ متر بامقوا میسازند و در جلو جنازه حرکت میدهند و تابوتهائی که درچین ساخته میشود خیلی عالی وگران قیمت هم تهیه شده گاهی تابوتها تا ۱۵۰۰ دلار امریکا قیمت دارد ومیت را با تابوت دفن مینمایند ولی البته این عمل نسبت بمسلمین نیست ومسلمانان را برطبق اصول دیانت اسلام دفن مینمایند ودر دهات هر زارع ودهقانی را درمزرعه‌خود دفن میکنند ومثل گنبد مانند باخاك روی قبر را مرتفع می‌نمایند ولی وقتی عده مرده در مزرعه زیادشد وجابرای زراعت باقی نمیماند دربعضی دهات شب اسنخوان مرده‌ها را بیرون‌آورده میریزند درچاه وروز بعدصاحب مرده هاجمع‌شده بسرخود می‌زنندوداد وفریاد میکنندکه دیشب دردآمده مرده‌هارا دزدیده واین‌عمل رایکی دومرتبه مشاهده کردیم پیروان مذهب بودا برای اینکه خیرات نمایند اعمال اطعام وغیره را نیز انجام می دهند وبعضی ازفرق بامقوا عمارت وباغ واحتیاجات‌انسان رانهیه کرده بامرده‌درقبر می‌گذاریدحتی مقداری پول ومدری‌هم اسکناس درسرقبرآتش می‌زنندکه مرده درآن دنیا محتاج نباشد واگراحتیاجاتی داشته‌باشد ازاینها رفع‌احتیاج بنماید ولی بمروراین عادات روبزوال‌است .

چینی ها اکثرالباسشان مثل لباس زردشتی های ایران است قبای بلند چپ کن منتها یخه مثل‌یخه عربی وازپهلودکمه میخورد مأمورین دولت بلباس اروپائی کت و شلوار ملبس هستند لباس رسمی دولتی همان‌قبای چپ کن بلنداست وروی آن یك کت بشکل یلهای زنانه سابق می‌پوشند واین‌لباس لباس رسمی چین‌است ولی اخیرا فراك معمول شده است در روز شرفیابی بحضور رئیس جمهور وزیر امور خارجه و اعضای وزارت خارجه چنانکه درعکس مشاهده می‌شود بافراك هستند ونشان راهم‌روی فراك می‌زنند ولی درپذیرائی های رسمی‌وزیر امورخارجه ژنرال (ومدچن) همان قبای‌بلند چپ کن راپوشیده وروی‌آنهم کت‌طرز چین‌رااستعمال نموده‌بود اماخانمها درچین‌دارای یکنوع‌لباس هستند که‌اسباب خوشبختی مردهاست‌زیرامد وتغییرلباس خانمها در کشورچین وجود ندارد واینموضوع حقیقتاً یك خوشبختی برای مردم‌چین است که ازدست مدوتغییر

لباس خانمها هرروز آزادهستند و برای صبح وعصروشب وموارد مختلف البسه‌مختلف خانمهای چین استعمال نمی نمایند

لباس زنها عبارت است از یك پیراهن که بالاتنه وروب بهم‌متصل‌است ویقه‌آن مثل یقه عربی لباس‌های مردانه ایرانیان درسابق باقزن قفلی بسته می‌شود درزمستان آستین بلند ودرتابستان آستین خیلی کوتاه واین مدبهیچ وجه قابل‌تغییر نیست ودرتمام مهمانی هاودرهر موقع همین‌لباس‌استعمال می‌شود منتها متمولین ازپارچه های ابریشمی‌وقیمتی استعمال می کنندطبقات‌متوسط یاپائین‌تر هم مد لباسشان‌همین‌است ولی پارچه رابرطبق تمول‌ودارائی‌خودتهیه می بینندودرزمستان شلواروقبای بلندراپنبه‌دوزی‌میکنندولای‌پارچه راکرك ابریشم‌لادوزی مینمایدکه درزمستان‌خیلی گرم‌است طبقه‌سوبم وچهارم‌درزمستان یك‌منقل کوچك‌مثل منقل‌های‌اسپند دود کنی‌دراویش که‌بزنجیری آویخته‌است بمچ‌خودمی آویزندودودست رادرآستین لباس فرومی برند واین‌منقل‌هم که قدری آتش‌در اوموجود است همین طوربدستشان آویخته است ودرحرکت هستند .

خوراك اهالی چین

مردم‌این کشوربیشترو بلکه‌اکثریت‌نزدیك باتفاق علف‌خوارهستند وبگوشت‌خیلی علاقه ندارند.خوراك اکثریت برنج است والبته گندم هم درنقاطی که قابل زراعت است تهیه‌می‌شود ولی خوراك عمومی برنج‌است وبرای متمولین اقسام خوراك‌چین خیلی زیاد وباسشای چند خوراك مطلوب است ومعمول ایست که درسرمیز غدااز بیست تاسی‌جور غذا حاضر می کنند ولی هرکس قدرکمی ازآنها صرف می‌کند شبی که من میهمان تجارت خانه نمازی بودم درشانکهای بطوری‌که درعکس مشاهده میشود چندین جور غذا درظرفهای کوچك موجود است وادویه‌جاتی درغذا استعمال می‌کنندکه بعضی خیلی مطلوب‌وبرخی‌بذائقه‌ماایرانیان‌مطلوب‌نیست شراب‌راهم گرم کرده‌می آشامند والبته‌برای ماشرب شراب‌گرم هم‌خیلی مطلوب نیست ولی استعمال خرچنك وگوشت خوك‌البته‌زیاد است‌ویك خوراك خیلی گران قیمة خوراك‌گوشت‌گربه‌است که آنرا چندین مرتبه‌درآب مرغ می‌جوشانند وآب آنراعوض‌کرده واین‌عمل‌تکرار می‌شود وباادویه‌جات مخصوص این خوراك‌را تکمیل می‌نمایدوبرای بعضی بسیار مطلوب وقیمة آنهم خیلی گران‌است سفرای خارجه وماایرانی‌ها بیشترگوشت‌گوساله یا گاو ویاازمرغ وخروس ومرغ‌آبی وقاز وقرقاول‌که بحد‌ووفور دست می‌آمد استفاده می‌کردیم اقسام ماهی‌هم زیاد است ولی بخوبی ماهی های بحرخزرنیست اما اهرای‌چین همه‌چیز را برای غذا قابل استفاده می‌دانندچنانکه درسفارت کبرای ایران‌گماشتکان سفارت کرم های درون‌هلزون رااز دریاچه سفارت‌گرفته وسوپ می‌کردند وهمچنین مارهائی که درسفارت بودگرفته سرو دم آنرا میزدند وسوپ مارتهیه کرده باالذت تمام‌صرف مینمودند و از خوردن گوشت میته هم‌صرفنظر نمی کردند چنانکه درموقع ورود کم‌مونیست ما برای اینکه شاید جنك بطول انجامد ودوچار مضیقه شویم‌سی‌عدد مرغ وخروس خریداری کردیم که درصورت احتیاج مصرف کنیم .

ولی‌هرروز صبح می‌دیدیم دومرغ یاخروس مرده‌است می‌انداختیم بیرون نوکرها

فوری برداشته پر کرده پخته ومی‌خوردندچون این‌عمل‌هرزور تکرارشد مورد سوءظن من‌قرارگرفت معلوم شدکه دوای مخصوصی را که مسموم نمی کند بمرغهامی‌دهند وچون می دانستندمامیته نمی‌خوریم‌خودشان‌استفاده‌می کردندچهارعددبقیه که‌مانده بودسر بریدیم واز سی مرغ وخروس چهارتارا بالاخره خودمان مصرف کردیم که اگر دراین‌قسمت‌هم غفلت می کردیم ازاین چهار مرغ و خروس هم محروم می شدیم ونیز در موقعی که در سفارت سیام میهمان بودیم چند سك خیلی شکیل بود دختر من مریم تعریف کرد و دختر سفیرکبیر سیام‌که با مریم دوست بود یك سك کوچك از این نژاد برای مریم فرستاد ومریم برای‌نگاهداری‌این سك‌خیلی مراقبت میکرد بهمین جهت فربه وچاق‌شده بود موقع حرکت از چین آوردن سك غیر ممکن بود زیرا دولت چین اجازه نمی‌دادو گمرك خروجی خیلی فوق‌العاده مطالبه می کرد ومانا‌چار ازسك صرف‌نظر کردیم‌شب آخرکه حرکت ما قطعی بودنوکرها سك را کشته وپخته وخوردند وبی‌نهایت موجب تاسف وتالم مریم مراهم‌گردیدکه بیچاره سگرا نتوانستم ببرم ولی‌خیال نمی کردیم که مورداستفاده گماشتگان واقع‌شده وتناول فرمایند.

چینی‌ها اقلا روزی چهارمرتبه یاپنج مرتبه صرف غذامینمائید واکثر برنج درکاسه ریخته وبادوچوب راست‌آنرا بدهان نزدیك کرده وبلع می‌نمایند واقسام سبزی وررت نیز جزء غذای روزانه‌آنهاست واگرموادگوشتی بدست بیاورند بطور تفنن‌صرف می نمایندولی غذای‌عمومی بطوری‌که ذکرشد اکثراً همان برنج استولی برنج چین برای ما قابل‌استعمال نبود ویابواسطه چك نوع برنج خیلی عالی بنانکیسك نمیرسید ومانا‌چار ازسیام‌برنج خواستیم وتقریبا کیلوئی‌پنج تومان واردشده وچندمرتبه برای‌تهیه‌پلوی‌ایرانی ازاین برنج استفاده کردیم(۱)

فلسفه درچین :

اگرچه چندکلمه راجع بکنفیسیوس قبلا ذکر کردیم ولی برای‌فهم‌عقاید ورویه متخذه ملت‌چین لازم است قدری درفلسفه وطرز فکراین‌ملت دقت نمائیم.

آنچه درچین‌استعلام ودقت شدفیلسوف مهم این‌کشورشخصی رابنام (لاوز) ذکر می کنند که قبل‌ازپنجهزارسال درچین‌زندگانی‌میکرده است واصول عقاید اوتقریباشبیه

(۱)قبل ازحرکت بچین دراثر تبلیغات من تصور می کردم که اقلا یك‌سوم ملت چین تریاکی هستند وپس ازورود باین مملکت در این قسمت کنجکاو شدم و معلوم شد تاحد زیادی این تبلیغات صحیح‌نیست البته اشخاص تریاکی درچین هستند ولی اینکه اکثریت جمعیت چین تریاکی هستند بکلی کذب محض است چنانکه قبل از مسافرت بکرمان من تصور میکردم تمام کرمانی‌ها تریاکی هستند وبعدکه خودم والی آن ایالت بودم متوجه شدم‌که فوق‌العاده اغراق‌آمیزاست این موضوع هم درچین نسبتاً همین طور است وآیا این تبلیغات ازطرف اروپائی‌ها یاژاپونی‌ها تااین حد شده است نمیدانم ولی بدیهی‌است دربین هرملتی نیك وبد وجود دارد واشخاص فاسد دربین تمام ملل هستند ولی اکثریت جامعه چینی تاحدی‌که تبلیغ شده است فاسد نیست واگر نسبت بجمعیت بسنجیم شاید ازسایرملل کمتر باشد.

بمزدك است زيرامعتقد بحکومت فردی‌است ومخالف باپیغمبران است وهمه‌چیزرابرای هر کس مساوی‌میخواهد ومعتقداست اوزان ومقیاس‌ها وقیوددیگر از بین برداشته شود ودرهرچیز هر کس بتواند استفاده نماید ولی آنچه شنیدم فلسفه لاوزمدون نشده‌است و بعضی عقاید کنفسیوس‌را مبنی براخذ ازفلسفه مشارالیه میدانند ولی بطورقطع فیلسوف مهم چین کنفسیوس است این فیلسوف طرز عملش شبیه بسقراط است زیرا بیانات او بوسیله شاگردش(من‌سیوس)مدون شده‌است عقیده کن‌فیسیوس درماوراءالطبیعه‌اینست که‌این دنیای‌منظم ومحسوس ناچار خالقی‌دارد ولی اراینکه این‌خالق چه‌شکل ودرچه محل‌است بایدصرف‌نظر کرد زیرادقت‌دراینموضوع بی نتیجه است راجع بامور اخروی و شایهٔ دیگرمی گوید چون ما فعلا زنده‌هستیم واحتیاج بزندگانی داریم بهتراست‌بامور دنیا پرداخته وموجبات آسایش خودرا فراهم نمائیم وموضوع آخرت را فراموش کرده بخداواگذار نمائیم و درعقیده همین‌عقیده راجع بفرشتگان‌وملائکه وشیاطین وغیره‌اظهار عقیده نمی نماید وواضح‌است که باینموضوع معتقدنبوده وراجع باموربشر وجامعه در۸ کلمه‌اظهارعقیده مینماید که‌بزبان‌چینی(۱)**شو**(۲)**تی**(۳)**جون**(٤)**شین**(٥)**لی**(٦) **ای** (۷)**نین**(۸)**چی** گفته میشود: شو بمعنای اطاعت واحسان به پدر ومادر است : تی بمعنای رفتار نیك با اقوام وخویشان چون بمعنای پرستش وطن وپادشاه‌است وبمعنای امانت‌و درستکاری نیز میباشد . شین بمعنای ایفای بقول وعهد است : لی بمعنای‌ادب واحترام وخوش رفتاری است : ای بمعنای انجام وظیفه وعلاقه بشغل و کار : لین بمعنای عفت و پاکدامنی. چی بمعنی شرم وحیاودوری از کثافتکاری و بی شرمی‌است : گذشته‌ازدستورات فوق چنانکه سابقاذ کرشد این فیلسوف میگوید اگر درمقابل بدی نیکی کنیددرمقابل خوبی چه خواهید کرد .

درسیاست مدن عقیده کن‌فیسیوس اینست بشر باید نسبت بهمنوع خود خوش رفتار باشد وباهمسایگان با مودت ومهربانی رفتار کند و آنچه بخود نمی پسندد به دیگران روا ندارد .

ونیز عقیدهٔ این فیلسوف است که اغنیا نباید جمع ضیاع وعقار نمایند وباید فشار بضعفا وفقرا وارد نشود و این عقیده را در زبان چینی **(ای چیان فرژو)** میگویند و کم‌مونیست های چین بیشتر روی این کلمه تکیه‌میکنند ودرهرمورد عمل چهار خانواده را تشریح کرده وعقیده کن فیسیوس را تبلیغ‌میکنند ولی پرواضح است که این اظهارات **کلمت حق یراد به‌الباطل** است زیرا درعمل دیدیم که رفتار خودشان غیر از اینست ونیز کن‌فیسیوس سفارش مینماید که طرفدار درستی وصحت عمل باشید و با دزدی و خیانت مبارزه کنید که این عقیده را چینیها **(چان ای‌چی ین)** میگویند ولی‌متاسفانه کمتر باین دستورعمل میشود.

وقتی بدقت بعقاید کن‌فیسیوس‌توجه نمائیم میبینیم قدری فقدان عقیده راجع بمذهب مربوط بفلسفه ماوراءالطبیعه است زیرا سایر فلاسفه شرق وغرب در اینموضوع بشر را بداشتن عقیدهٔ ثابت راهنمائی مینمایند ومادی بودن ملت چین نیز بی‌ارتباط بهمین‌فلسفه نیست و کینه‌جوئی چینی‌ها نیزمتکی بهمین دستور است .

چیزی که بینهایت موجب تاسف من است این‌است که بواسطه ندانستن زبان چینی وتوقف مدت قلیل دراین کشور موفق نشدم که درفلسفه این کشورعمقا مطالعه نمایم‌وبا علاقه که بفلسفه دارم این مقداررا کافی نمیدانم وبرای فهم عمق فلسفه کنفیسیوس مدت بیشتری لازم‌است ودرمدت کمی که من درچین بودم باگرفتاریها وانقلابات وجنگهای محلی خیلی جد وجهد کردم که همین قدرهم توانستم باوضاع واحوال این کشور متوجه شوم والبته این مطالعه خیلی ناقص است وامیدوارم ارباب دانش کمی مدت و مشکلات محلی‌را درنظر گرفته بانظرعفو واغماض مطالعه فرمایند .

موسیقی و ادبیات وتاتر

باکمال‌تاسف چون زبان‌چینی نمیدانستیم واستفاده ازاین زبان هم بقدری‌مشکل است که مدت زیادی باید وقت صرف وغیر ممکن بود و باز در صورت فهمیدن کلمات چینی فهم دقایق اشعار درهرزبانی بسیار مشکل و مستلزم تبحر درآن زبان است ولی میشنیدم که درچین شعرای مهمی بوده است واشعار بسیار دل‌پذیر وجالبی داشته‌ودارند ولی موسیقی چینی برای ما مطلوب نبود وحتی دربعضی قسمت ها تاحدی قرع‌سمع‌می نمود درحالیکه موسیقی اروپائی‌وموسیقی هندی دربعضی‌قسمت‌ها تاحدی مطلوب‌است .

اما موسیقی چینی آن مقدار که من شنیده ام مطلوب و جالب نبود تهاتر هم در کشور چین طرز مخصوصی دارد که ازحیث دکور ولباس وتزئینات بسیار عالی وجالب است مخصوصا لباسهای فوق‌العاده زیبا وملیله دوزی دردرجه اول است که من‌دراروپا هم باین درجه ندیدم اما طرز بازی آکتورها وآکتریست‌ها مخصوص بخود ملت چین است مثلا شخصی در سن پای خود را حرکت میدهد شما باید بفهمید یعنی سوار اسب شده‌است .

یاظرفی را حرکت داده بخارج محتویات آنرا پرتاب میکند (درحالیکه ظرف خالی‌است) شما باید بفهمید که آب ازآن طرف بخارج ریخته شده است ونیز در خیلی ازموارد باید حرکات‌بازی کنندگان را تعبیر وتفسیر نمود ونیز درسن موقعیکه بازی‌می کنند زنی هم درگوشه سن نشسته بچه خودرا غذامیدهد یادونفری که بهیچ وجه‌مربوط ببازی نیستید باهم صحبت‌میکنند وچپق‌چینی میکشند واین عملیات درسن برخلاف‌اصول تهاتر تلقی نمیشود .

من مخصوصا شبی به تهاتر رفتم اگرچه مطالب را نمیفهمیدم ولی مترجم خودمان تاحدی مفهوم مطالب وحرکات را بیان مینمود وآن مقداری که من ازدیدن تهاتر چینی مایل بودم‌استفاده نمایم استفاده شدوگذشته‌ازموضوع تهاتر که ذکر شددرعملیات(اکر باتیك) وکارهائیکه درسیرك‌ها اجرا میشود چینیها استعداد فوق‌العاده دارند.

درشانگهای شبی درهتل ضمنا نمایش داده میشد یکی ازبازی‌کنندگان میزی را روی چهار بطری قرارداده وروی آن صندلی گذارده وشخصی‌روی‌آن صندلی میایستاد و دختری روی سر او بایك پاایستاده و حرکاتی میکرد که حفظ تعادل بسیار مشکل بود از این قبیل بازیها چینیها بطور فوق العاده حرکات و عملیاتی میکنند که مورد تعجب است

دراین قسمت استعداد چینیها بیشتر از بازی کردن درسن بطور تراژدی یا کمدی است ولی شاید من هم درتمام‌قسمت‌ها نتوانستم همه جا وهمه‌چیزرا ببینم واگر نقیصه‌در این قسمت مشاهده شود ازقارئین گرام معذرت خواسته امید عفو واغماض دارم .

حفظ الصحه افراد

نکته که برای من‌جالب بود علاقه افراد چینی‌ها به تمیز نگاه داشتن دندان‌ونظافت آنها بود زیرا تمام مستخدمین ما هر یك دارای یك مسواك بودند و بطور قطع روزی دومرتبه دندانهای خودرا میشستند وهرفردی نیز دارای یك تختخواب از چوب بامبو بود اگرچه استراحت عموم درروی تخت خواب بیشتر بواسطه رطوبت منطقه‌بود که درغیر اینصورت مبتلا بمرض رماتیسم میشوند درزابل (سیستان) هم افراد حتی فقیر ترین کارگریا زارع روی تخت خواب چوبی که بانی درست میشود وتشك آنرا باطناب می بافند استراحت میکردند زیرا سیستان بواسطه هیرمند و دریاچه زره و برنك محل خیلی مرطوبیست همین موضوع‌موجب شده است که کسی روی زمین نمیخوابد زیراقطعا بمرض رماتیسم مبتلا خواهندشد .

درکشورچین هم مخصوصاً منطقه که ما دیدیم هوا فوق العاده مرطوبی و طبیعتاً ایسیاً از تختخواب استفاده نمایند ونیز افراد چینی تا مجبور نشوند آب غیر تمیز نمی نوشند مخصوصاً یکروز درحوض فوارهٔ جلوعمارت که ازآب لوله استرلیزه جاری بود محمد پیشخدمت من قاز را انداخت درحوض یکمرتبه مستخدمین چینی باکمال عصبانیت اعتراض کردند که ما ازاین آب مینوشیم چرا آب را کثیف میکنید که من متوجه شدم و غدقن کردم دیگر احدی باین حوض آب دست نزند وبرای شرب مستخدمین تمیز نگاه دارند واین اخلاق عمومی ورویه جامعه چینی‌است ودرتابستان هیچ وقت آب سرد نمی نوشندوحتما آب گرم یا چای مخصوص خودشانرا می آشامندواین‌موضوع درحفظ‌الصحه چینیها بسیار مؤثراست .

حرکت ازچین

قبل ازشروع اقدامات برای حرکت از چین لازم میدانم احساسات مسلمان های این کشوررا نسبت بخودمان بطور اختصار بیان نمایم .

مسلمان های‌چین که تقریبا شصت میلیون هستند کمینه دارند که رئیس آن ژنرال عمرواسم‌چینی ایشان ژنرال پایچونچی است این‌شخص ژنرال ایالت کوانسی است‌ولی تمام مسلمین چین که در سایر ایالات هستند باین شخص با نظر احترام نظـر میکنند و ژنرال عمر نیز مرد بسیارمودب ودرفن خود شخص مبرزی است وبواسطه دیانت اسلام نسبت بسفارت‌ایران هم‌بسیار دوستانه وصمیمانه رفتار مینمود وروابط ما بقدری‌صمیمانه بود که اکنون‌هم مکاتبه دوستانه بین من وایشان قطع نشده است .

ژنرال عمر نسبت بمارشال چان کای‌چك درآنموقع قدری ناراضی دیده میشد و با ژنرال لی‌مناسباتش صمیمی‌تر بود ولی‌پس از شکست ناسیونالیست‌ها اگرهم کدورتی دربین بوده مرتفع شده است زیرا ازمکتوب اخیرکه بمن نوشته‌اند معلوم میشودحسن

روابط برقرار وبسمت معاونت ریاست جمهور وکارهای نظامی باماارشال چان کای‌چک همکاری صمیمانه مینمایند واین نکته هم واضح است که مذهب مقدس اسلام با اصول کم‌مونیست موافقت ندارد. مسلمین چین تاحدیکه میتوانند تسلیم نمیشوند مگروقتیکه قدرت حکومت مرکزی برآنها غلبه نماید درهرحال یکی ازمسلمانهای نانکینك شخصی بود که تجارتش زرگری وبسیار کارگرهای خوب داشت واز ابتدای تشکیل سفارت کبرای ایـران باما روابط صمیمانه پیدا کردوموسوم بود بمستر(لیو) این شخص بسیار آدم درست کاری بود ودرروزهای مشکل وعملیات خصمانه کم‌مونیست‌ها باکردیپلماتیك با ما خیلی مساعدت نمود که اگر مساعدت مشارالیه نبود حرکت ما ازنانکینك تقریباً غیرممکن میشد که در ضمن تهیه موجبات ووسائل خروج ازچین مساعدت‌های صمیمانه مسترلیو را شرح خواهم داد.

برای حرکت ازنانکینگ دردرجه‌اول محتاج بپول بودیم وباقطع رابطه تلگرافی باطهران وسایر نقاط ونبودن بانك که باسایر بانکهای دول دیگر رابطه داشته باشد سخت درمضیقه بودیم ولی خوشبختانه آقای کرمانی برادر زاده مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ درشانگهای تجارتخانه داشت و از ابتدای ورود من بشانگهای روابط خیلی نزدیك وصمیمانه باسفارت ایران دربین بود من ناچار باتلفون ازنانکینك بشانگهای با ایشان صحبت کردم ومشکلات خودم را بیان نمودم اوجوانمردانه جواب داد من برای شما پول تهیه کرده وبهروسیله باشد ازشانگهای به نانکینك میرسانم من درابتدا خیلی اطمینان نداشتم ولی خوشبختانه اخلاق وروحیات وتعصب ایرانیت هنوزدربین افراد نجیب موجود است وبعد ازچندروز آقای کرمانی خودرا به نانکینك رسانید ومبلغی که مورد احتیاج ما بود عین دلارامریکا درداخل لباس خود دوخته باخود آورد این مساعدت گشایش مهم و برای ما معجزه بود زیرا بدون این مساعدت آقای کرمانی که من هیچوقت فراموش نمی کنم حرکت من غیرممکن بود.

رسیدن پول ما را وادارنمود که قدری بیشترفعالیت کنیم که وسائل حرکت طوری فراهم شود که باسایر همکارهای خود باهم ازنانکینك خارج شویم ازطرفی مأمورین دولت کم‌مونیست متوجه شدند که سفرا عازم حرکت هستند تصمیم بایجاد مشکلات گرفتند من جمله کرایه راهی را که برای هرنفری ٥ دلار امریکا بود بپنجاه دلار ترقی دادند وکرایه یك واگن باری که تقریباً ٢٥٠تا٣٠٠ دلار امریکا بود به سه هزار دلار ترقی دادند ونیز برای حرکت سفرا دستوردادند باید درجراید اعلان کنید که معلوم شود بکسی مقروض نیستند وتمام افراد واعضای سفارتخانه ها ومستخدمین غیرچینی نیز باید همین عمل را اجرا نمایند واین دستور برای اینست که سفرا مجبور شوند تقاضای تمام مستخدمین چینی را قبول نمایند وهمین که معلوم شد که بیکنفرچینی بدهی ندارند جواز خروج ازشهرنانکینك صادرشود.

ده‌روز قبل ازحرکت آقای وزیرمختار دولت پرتغال بدیدن من آمد وخیلی عصبانی وناراحت بود اظهار داشت من باتمام اتباع دولت پرتقال که ١٥٦٠ نفر هستند خاك چین‌را ترك خواهیم کرد من علت را سؤال نمودم مشارالیه واقعه شانکهای را بطریق ذیل بیان نمود:

واقعه شانگهای

پس‌ازفتح نانکینك‌قوای‌کم مونیست‌ها بشانکهای حمله‌کردند وپس از ٤٠ روز زد وخورد شهرشانکهای را هم تصرف کردند یکی از تجار پرتقالی که شخص متمولی بوده است یك روز صبح هشت‌نفر ازدزدان چینی را می‌بیندکه وارد خانه شدند معلوم میشود نوکر چینی با دزد ها تبانی کرده وآنها را وارد خانه نموده و خـود خارج شده است .

چینی‌ها پس ازورود بخانه در را می بندند وتاجرمذکوررا گرفته به یك جرز باطناب محکم می‌بندند وکلید های او را از جیبش بیرون آورده میگویند محل پول و جواهرات خود را ارائه بده تاجر میگوید کلید ها در دست شماست این خانه وشما جستجو کرده هرچه هست بردارید وبروید .

دزد ها مشغول جستجو میشوند خانم تاجر در حمام مشغول استحمام بوده است دزدها وارد حمام میشوند واین زن را گرفته هر ۷نفر بااو عمل منافی عفت مرتکب میشوند و هرچه بدست آوردند جمع می کنند ولی گویا قبلا شخص تاجر پول های نقد واشیاء نفیس را دریکی ازمحل‌های خارجی گذارده وبیمه‌کرده است دزدها بقدری که تصور میکردند پول و اشیاء نفیس بدست نمی‌آورند به تاجر مراجعه میکنند که پول واشیاء را کجا مخفی کردهٔ تاجر میگویدکلید ها دردست شماست و من را هم بسته‌اید تفحص کنید هرچه بود ببرید میگویند اگر محل پول و غیره را ارائـه ندهی زنت را می‌آوریم ودرحضور خودت بااو عمل منافی عفت خواهیم نمود تاجر التماس میکندکه هرچه هست ببریددزدها زن‌را می‌آورند ودرحضورشوهرش این‌عمل وقیحانه وبی‌شرمانه را تجدید میکنندبعددست‌های‌زن‌را گرفته وموهای پشت ظهاررا باکبریت وکاغذآتش میزنند زن بیچاره هر قدر ناله میکند نتیجه نمیدهد تاحدی‌که ضعف میکند بعد هرچه هست برمیدارند وازخانه خارج میشوند .

پس ازمدتی‌که زن بهوش آمـده وشوهر را ازجرز باز میکند بژنرال قونسول پرتقال مراجعه میکند ژنرال قونسول بحاکم نظامی و فرمانده قشون کم مونیست در شانکهای مراجعه و شکایت میکند‌که سارقین چینی هرچه درخانه این تاجر بوده است برده‌اند آقای حکمران نظامی باخون‌سردی میخندند و میگوید سالها اروپائیها اموال چینی‌هارا ربوده‌اند حال هم بگذارید چینی‌ها تلافی کنند وقدری ازمال خودشان را که دردست شماست مسترد دارند .

ژنرال قونسول میگوید با خانم این شخص عمل منافی عفت مرتکب شده اند حکمران میخندد و میگوید پس شما انتظار داشتیدکه عمل منافی عفت با خود تاجر مرتکب شوند زن برای همین کار است اهمیتی‌ندارد میگوید بدن زن را سوزانده اند ومجروح است بازهم میخندد ومیگوید بمریضخانه مراجعه‌کنید معالجه میکند ژنرال قونسول واقعه را بوزیرمختار اطلاع میدهد وزیرمختار بمن اطهارداشت من مراتب را بلیزبون‌تلگراف کردم دستور رسید‌کشتی مخصوصی از Macao ماکائو (جزیره‌ایست مستعمره پرتغال است) بشانگهای بیاید وتمام اتباع پرتقال خاك چین را ترك نمآیند من‌هم بتمام اتباع خودمان دستوردادم حاضر شوند خود من‌هم چند روز دیگر بشانکهای

میروم وتمام اتباع را میفرستم بماکائو زیرا بااین وضعیت و حکومت کم مونیست اقامت دراین مملکت برای ما غیرممکن است .

وزیرمختار پرتقال باکمال تأثر این اظهارات نمود و چند روز بعد که درسفارت کبرای انگلستان بچای دعوت داشتیم گفت من پس فردا حرکت میکنم و درشانگهای سایررفقاهم خواهند بود درآنجا مراسم تودیع را بعمل خواهم آورد .

واقعه شانگهای برای تمام افراد کر دیپلماتیك خیلی متأثرکننده بود و تقریباً هیچ یك اطمینان بهیچ چیز نداشتیم مخصوصاً نمایندگان دولی که کم‌مونیست ها نسبت بآن‌ها نظرخصمانه داشتند وگذشته ازاینکه چینی‌ها نسبت بخارجی‌ها بانظر کینه نگاه میکردند دستورات روس ها صد درصد بدست مأمورین چینی کم مونیست اجرا می‌شد چنانکه محاصره سفارت کبرای ترکیه درنانکینك بهیچ‌وجه موردنظرخود چینی‌ها نبود ومعلوم بودکه دستور روسهاست زیرا بغض عجیبی نسبت به ترکها دارند وبااین‌ترتیب همه همعقیده بودیم که باید هرچه زودتر ازاین مملکت خارج شد زیرا درزمان حکومت ناسیونالیست ها و مارشال چان کای چك نسبت بسفرا مطابق اصول عمومی باکمال احترام رفتارمیشد ولی کم‌مونیست‌ها بعنوان اینکه‌کارشما رسمیت ندارد حتی دفتر سفیر کبیر امریکارا تفتیش کردند واوتومبیل سفرارا محدود نموده و بهریك مالیات سنگینی برقرارنمودند مستحفظین سفارت خانه هارا هم که برداشته بودند باین جهت بهیچ وجه امنیت جانی ومالی نداشتیم وباید هرچه زودتر این کشوررا ترك کنیم(۱) .

---

(۱)دراینجاباید ازدوستان چینی خود معذرت بخواهم زیرانیك وبد درهرملتی باید مورد دقت‌قرارگیرد تاشخص‌بتواند بعمق پیشآمدها پی ببرد بدیهی‌است در تمام ملل نیك وبد موجود است درخود ما ایرانیان بعضی صفات نکوهیده دیده‌میشود ونیز دزد و آدم کش وشریر درتمام ملل‌وجود دارد ولی‌اعمال بعضی‌ها رانمیتوان صفات عمومی یك‌ملت دانست وچنانکه ذکرشد ملت‌چین دارای صفات ممدوحه بسیاراست والبته بعضی‌ازافراد هم دارای‌صفات نکوهیده هستندکه ذکر این‌قسمت هاراازنقطه‌نظر فهم عمومی باید در نظر گرفت

دوستان چینی من تصور نفرمایند که من سوء نظری داشته‌ام و اگردر یک ملت پانصد میلیونی چند نفر بدعمل یافت شود نمیتوان اعراضی نسبت بآن ملت‌دانست و یا این قبیل‌پیشآمد هارا نسبت بعموم منتسب نمود وصفات نیك‌ملت چین نسبت به بعضی‌افراد فاسد قابل مقایسه نیست در هر حال ازذکر این قسمت معذرت میخواهم ولی نکته قابل دقت اینست که حکمران نظامی کم‌مونیست چگونه قضاوت نموده وباچه منطقی بمتظلم جواب داده است این‌رویه‌ورفتارمأمورین کم‌مونیست درتمام‌نقاط‌عالم که توانسته‌اندسلطه بدست آورند.ازهمین‌قراراست‌واصولا کم‌مونیست‌ها برای‌موفقیت خود وپیشرفت مقصود و مرام خودشان هرگونه جنایت و شرارت و خیانت را مصاب میدانند چنانکه دروغهای تبلیغاتی بین‌المللی کم‌مونیست تاحال در عالم بشریت سابقه نداشته است وبرای اجرای این‌مرام وبدست آوردن قدرت‌در هرکشورهرعمل‌وهر تبلیغ شرارت آمیزو هرجنایتی را مرتکب میشوند مثل عمل **آرداشز** بامرحوم حاجی احتشام وعملیات غلام یحیی و پیشه‌وری درآذربایجان ایران خداوند عالم‌بشریت وملل مسلمان‌را ازاین‌بلا حفظ‌نماند .

برای خروج از کشور چین بهیچ وجه وسیله نبود زیرا رابطه هوائی بکلی قطع شده دردریاهم ناسیونالیست‌ها بلوکت اعلان کرده وهر کشتی‌را ازهوا بمبارده میکردند پس ازمشاوره کردیپلماتیك از لندن اقدام شدکه دوکشتی برای حمل سفرا بشانگهای بفرستند وهیچ‌یك ازطرفین متعرض این کشتی نشوند باین جهت ازطرف دولت انگلیس بما اطلاع دادندکه سفرائی که حرکت خواهندکردطوری خود را حاضر کنندکه روز ۱۹ اکتبر بااین دوکشتی حرکت‌نمایند ودرصورت تاخیر دیگرهیچ‌وسیله برای حرکت موجود نخواهد بود.

ازز‌مانیکه کم‌مونیست‌ها به‌نانکینك واردشده‌بودندهمه روزه‌طیارات ناسیونالیست ها ازساعت ۶صبح تادو بعد ازظهرشهررا‌بمبارده‌می کردند کم‌مونیست ها توپ‌ضدطیاره نداشتند طیارات دولت‌چین‌راهم‌چان‌کای‌چك باخودبرده‌بود و بهمین‌وسیله شهرهای‌متصرفه کم‌مونیست‌هارا بمبارده می‌نمودند وازطرف روسها هم هنوزطیاره باختیار دولت جدید نگذاشته‌بودندباین‌جهت‌سربازهای‌کم‌مونیست‌روی‌بام‌عمارات‌رفته وباشصت‌تیرمیخواستند طیارات را فرود آورند بمبهای طیارات بدون هدف‌گیری بهرجا فرود می‌آمد وعدهٔ بیگناه وبیجهت کشته میشدند

یك بمب‌افتاد بمدرسه دخترها وتقریباً پنجاه نفرراکشته ومجروح نمود منبع‌آب شهر والکتریك و استاسیون راه‌اهن مرتباً همه‌روزه بمبارده میشد پشت دیوار سفارت کبرای ایران منبع بزرك بنزین بودکه یکمرتبه بمب‌اصابت‌کرد و آتش‌گرفت و اگر دیوار حصاردور شهرنبود سفارت ایران‌تمام آتش‌گرفته و میسوخت پناه‌گاه‌هم‌نداشتیم وبااین‌وضعیت‌من‌وخانواده‌من ۶ماه زیربمب گذراندیم وبرای مدرسه‌رفتن‌مریم‌فوق‌العاده در زحمت وناراحتی بودیم زیرا هردقیقه سوت‌آژیر بلند میشد و تمام‌وسائل نقلیه را در خیابان‌هامتوقف‌میکردندوبمبها از هرطرف منفجر میشد بدیهی است در رفتن وآمدن مریم بمدرسه من‌ومادرش چه‌حالی داشتیم وچاره هم نبود

درهرحال بااین پیش‌آمدها و رفتار حکومت محلی که سعی‌میکنند سفرانتوانند حرکت نمایند ماباید بیست تن اثاثیه سفارت و دواوتومبیل سواری را بشانکهای حمل نمائیم .

برای حمل این اثاثیه و دواوتومبیل ازما ۶هزار دلار امریکایعنی۴۲ هزارتومان مطالبه میکردندوبرای‌ماغیرممکن بود بتوانیم بپردازیم عجالتاًشروع کردیم به‌بستن‌اثاثیه و اشخاص متخصص این‌کار را خواستم وبا زحمات‌طاقت فرسای آقای دیبا اثاثیه تمام بسته‌بندی شد ولی برای حرکت باید گماشتگان سفارت رضایتنامه بدهند والا اجازه خروج ازشهر داده نمیشد.

دراین‌موقع رفتاری‌که بازبرال سول syl آتاشه نظامی سفارت امریکا شد برای ما درس‌عبرتی بود زیرا سفیرکبیر امریکا پس اززحمات زیادو مذاکرات یك طیاره که درنانکینك داشتنداجازه حرکت داده‌شد ومستر استوارت سفیرکبیر امریکا حرکت‌کرد گماشتگان سفارت کبرای امریکا وشعبات ادارات نظامی و تجارتی و بحری و غیره امریکا تقاضای‌یکسال حقوق برای آتیه‌نمودند چون اعضای سفارت حرکت‌کرده‌بودند

نوکرهای چینی ژنرال سول را توقیف کردندوهرقدرجدیت کرد که‌من مسئول امور تمام شعب امریکائی‌ها نیستم کسی نه‌پذیرفت ژنرال‌در اطاقی محبوس است ولی چون چینی ها دیدند باحبس فقط نتیجه‌حاصل نمیشود دونفر کرناچی گذاشتند در اطاق ژنرال‌واین دونفر لاینقطع کرنا میزدند و هر سه ساعت به ساعت عوض شده عمل کرنازدن بدون انقطاع درجریان بود بحدی که ژنرال‌بیچاره نزدیك بود دیوانه شود بالاخره پس از مذاکرات و کشمکش‌ها تقریبا درحدودصدهزاردلار امریکائی‌ها دادند و ژنرال راخلاص کردنداین پیش‌آمد تقریبا تکلیف ما را هم روشن‌کرد گماشتگان ماهم یك‌سال حقوق میخواستند هرقدر جدو جهد کردیم که ازاین جریمه بدون جهت خلاص‌شویم ممکن نشد کمیته کارگری هم جداً دستور میداد که باید یك‌سال حقوق به‌کارگرها بدهید که‌اینها بیکار میشوند

بالاخره من به‌تدابیر ایرانی دست زده‌بین نوکرها اختلاف‌ایجاد کردیم بعضی به شش‌ماه حقوق‌راضی‌شدند مامحرمانه پرداختیم و رضایت نامه گرفتیم سایر نوکرها هم وقتی مطلع شدند راضی‌شده و٦ ماه را قبول‌کردند وبا این تدبیر جریمه بنصف صلح شد حال‌برای حرکت اثاثیه چه‌باید کرد هر قدر کوشش کردیم گفتند از کرایه حمل‌ونقل یك پنس کسر نمی‌شود.

در اینموقع مسترلیو زرگر کمکی بماکرد که من همیشه‌ازاین مرد خیر ومسلمان ممنون هستم وراه حل‌مساعدی بـرای ما تهیه‌کرد ولی قبل از اینکه زحمات ومشکلات خود را برای‌حمل اثاثیه سفارت توضیح بدهم لازم میدانم خدا حافظی و مراسم تودیع خودرا بادوستان چینی نگاشته و اظهارات یکی ازرجال برجسته ومعمر کشور چین را نسبت بمارشال چان‌کای‌چك شرح‌دهم تا ازتشخیص رجال مجرب ووطن پرست این کشور نیز مستحضر شویم .

آخرین ملاقات

پس از آن‌که حرکت ازچین مسلم شدباچند نفر از دوستان معدود خود بـرای خداحافظی ومراسم تودیع ملاقات‌کردیم و در موقع این‌آخرین ملاقات بیانات یکی‌از رجال معمر که دارای مقام شامخی‌درجامعه چینی میباشد شرح میدهم که تاحدی‌نظریات رجال چین‌را نسبت بمارشال چان‌کای‌چك درك نمائیم

برای خداحافظی بزیارت شخص محترم نائل‌شدم این‌پیر مرد با تاثر عجیبی بمن گفت شما درموقعی بکشور ما آمدید که بشماخوش‌نگذشت وجریان امور وسیاست‌های دول معظمه‌ما را بوضعیتی دوچار کرده است که عاقبت آن معلوم نیست ونمیدانم چقدر باید قربانی بدهیم من از ایشان سئوال کردم علت این‌پیش آمدچه بود واین تبلیغاتـی که برعلیه مارشال میکنند تاچه‌حد صحیح است‌چون‌من عازم‌وداع با این کشور هستم آیا ممکن است جنابعالی که در مرکز سیاست این کشور بوده‌و هستید وخودتان از رجال موثر بوده میتوانیدمن را روشن نمائید زیرا میبینم طرفداران مایسه‌تونک و چته نیز نسبت بجنابعالی بنظر احترام مینگرند: شخص محترم باقیافه متأثر کننده گفت نتیجه‌این عملیات خائنانه درآتیه روشن خواهد شدمن پاسخ دادم که بینهایت ازاین لطف‌جنابعالی

متشکر خواهم شد اگر من را روشن فرمائید که اظهارات موافق و مخالف نسبت بمارشال چان کای چك تا چه حد صحیح است شخص محترم که بوسیله مترجم صحبت می کردند اینطور آغاز سخن نمودند: من چان کای چك را از طفولیت میشناسم و تمام ادوار خدمات اورا بخوبی مستحضرم زیرا تقریبا ۲۵ سال سن من از او بیشتر است از روی حقیقت باید بگویم آن قدر که اخیرا چان کای چك، مورد طعن و لعن و مباحثه جراید و مطبوعات خارجیکه به پول روسها اداره میشوند قرار گرفته است صحیح نیست زیرا بیشتر این اتهامات در نتیجه تبلیغات دامنه دار کمونیست ها و دولت شوروی است که چندسال است نهایت درجه کوشش نموده اند که بشهرت و شخصیت این مرد برجسته کشور مالطمه وارد نمایند ولی آتیه حقایق را روشن میکند اگر من زنده ماندم به تفصیل برای شما خواهم نوشت و آدرس من را در طهران یادداشت کردند و مراسم تودیع بعمل آمد و از خدمت ایشان خارج شدیم چندی قبل مراسله بزبان انگلیسی از این مرد محترم رسید که برای استحضار قارئین گرام عینا در این کتاب درج میشود.

پس از تعارفات اینطور نامه شخص محترم شروع میشود: باوصف کلیه تبلیغات کمونیست ها که مستقیما بر علیه چان کای چك ادامه دارد اخیراً دنیای خارج درك کرده است که چان کای چك هنوز مانند یك فردوطن پرست و یگانه پیشوای چین آزاد با تصمیم راسخی برعلیه کلیه تهاجمات وخطر کمونیست بین المللی میجنگد.

وبا تمام تبلیغات وفشارهائیکه از طرف مسکو برعلیه چان کایچك میشود معهذا با کمال سختی مقاومت کرده وخواهد کرد وامروز واضح وروشن است که چان کایچك پس از سون یاتسن تمام دستورات ومتداورا تعقیب ودست سلسله مانچو را از سلطنت کوتاه و کشور چین را بسایر ملل معرفی ونشان داد که ملت چین ملت زنده است وهمچنین در انقلابات ۱۹۲۰ ژنرال ها که حکومت مطلق العنان در ایالات داشتند و بطرز ملوك الطوایف عمل میکردند شکست داده وبآنها فهماند که باید از مرکزیت حکومت متابعت نمایند و درموقع هجوم ژاپونیها تشکیلات جدید داد وبا وجود فقدان وسائل لازمه مقاومت کرد و کشورچین را از اضمحلال قطعی نجات داد ولی البته موفقیت درهر مملکت منوط باستعداد هرجامعه ومشکلاتی است که پیش میآید ودرتمام مدت جنك با ژاپون ٤ سال تمام منفردا درمقابل کشورژاپون که از هرحیث قوی وتا اندازه‌ای مسلح بودمقاومت کرد وپنج سال با همکاری متفقین کشورچین را هدایت نمودتا بالاخره ملت چین را بفتح وفیروزی رسانید وچین را جزء دول معظمه درجامعه ملل معرفی نمود وبمحض اینکه شوروی ها احساس کردند که کشورچین باهدایت چان کایچك رو بترقی میرود ومشکلات مرتفع خواهد شد بوسیله ستون پنجم وافراد جاه طلب ودشمن چان کای چك شروع بعمل کردند ولی چان کای چك از دقیقه اول که ازمسکو مراجعت نمود کاملا درك کرده بود که کمونیست واصول کمین فرم یعنی ارتجاع وبردگی.

امروز پیش بینی وهوش شخصی چان کایچك ثابت شده است که قبل از همه نقشه کریملن را دانست وهمانروز برعلیه نقشه استالین وعبودیت چین وارد عمل شدو تمام ملت

چین بااین عقیده موافقت کامل دارند که کمونیست یعنی تحت الامر و بندگی از مسکو چنانکه دول لهستان وچك واسلاو ورمانی ومجارستان و بلغارستان و آلبانی دارای استقلال نبوده وهیچ فردچینی وطن پرست وجود نداردکه بحرفهای ظاهرفریب استقلال کشور خودرا بروسها بفروشد مگرچند نفر اشخاص دست نشانده وجاه طلب که مملکت را فدای منافع شخصی خود مینمایند .

چان کای چك دراثر لیاقت شخصی وجد وجهد وکوشش شبانه روز توانست رهبری این کشور را بعهده بگیرد زیرا چان کای چك ازیك خانواده زارع درفتکوادر ایالت چکیانك متولدشده وازطفولیت مورد توجه دکتر سون یاتسن قرار گرفت وبرای تحصیل ب اپون اعزام شد ودرمدارس نظامی ژاپون تحصیلات خودرا بپایان رسانید و همین که بوطنش مراجعت کرد برای ترقی وتعالی چین وارددرحزب فعال آن زمان تو نك منك هوی شد واین حزب یك جمعیت انقلابی بود که سون یاتسن رهبری مینمود .

وباتمام مخالفت متنفذین این کشوروبوان شی کای چان کای چك مرتجعین رامغلوب واساس جمهوریت را برقرارنمود .

چان کای چك تنها فردی بود که در۱۹۲۰ پس ازمراجعت ازروسیه بافرادذی فکر ثابت نمود که عمل کمونیستها ازهراستبداد وهرارتجاعی مرتجع تر ومستبدتر هستندو حتی برای سایرملل حق حیات هم قائل نیستند وآمال وآرزوهای تزار های روسیه و وصایای پطر کبیر درتحت لفافه کمونیست ومیلیتاریزم جریان دارد و با کمال جدیت ثابت نمود که یك فرد میهن پرست چینی اگرعامل سیاست شوروی شود بزرگترین خطر برای وطن خودذخیره کرده واگر کمونیستها بچین رخنه نمایندآزادی واستقلال وهستی کشورچین برای همیشه ازبین خواهد رفت واگرهمچوفردی درچین یافت شود خائن بوطن وواجب القتل ومهدورالدم است زیراخیانت بمملکت ووطن قابل عفووغماض نیست وفقط وفقط چان کای چك بود که این حقایق مسلم را بدکتر سون یاتسن پدر جمهوریت چین مدلل وثابت نمود .

وقتی چان کای چك ازمقاصد روسها مستحضر شد بدستور سون یاتسن دانشکده نظامی وانکپوا را تشکیل داد زیرامسلم بود که بدون قشون منظم وافسرهای تحصیل کرده ومقاومت درمقابل خارجیها بقای کشورچین عملی نیست امروزکه کمونیست ها چین را بورطه بدبختی سوق داده تمام ملل عالم درك کرده اند که رویه کمونیستی شوروی برای بشراهمیتی قائل نبوده ونیست وکسانیکه نقشه کمونیست ها را درك کرده اند بدون تردید ازاین مسلك واین طرز حکومت بیزار ومتنفر هستند وشورویها هیچ وقت کسانیکه باساس فکر وعمل آنها متوجه شده اند عفو نخواهند کرد ومقصود آنها اینست که اشخاص کورکورانه بآنها اطاعت کرده وبلاشرط تسلیم اعمال جابرانه آنها بشوند ودرغیر اینصورت دشمنی وکینه فراموش نشدنی خود را برای همیشه حفظ می کنند .

زیرابزرگترین خطر برای کمونیست درك حقایق این مسلك بشر بربادده میباشد واشخاص روشن فکروذی نفوذ محال است که تسلیم این افکار شرارت آمیز شوند وشوروی

ها معتقدند که هر کس با ما نیست برماست و برای فنای او از هیچ عملی خودداری نمی کنند .

و با کمال تاسف با کمال مراقبت چان کای‌چك معهذا روسها درمدرسه وانکپوا و حزب کمین‌تانك رخنه کرده وجد وجهد میکردند که مقاصد خودرا عملی نمایند ولی‌چان کای‌چك بدون قطع رابطه با کمونیست‌ها نقشه اصلی خودرا تعقیب و عدهٔ افسر تحصیل کرده تربیت نمود .

بواسطه همین‌عده درانقلابات ملی موفقیت شابانی بدست آورد در۱۹۲۶ قشون کشی بزرگی تحت فرماندهی او ازکانتون شروع شد ودرمدت قلیلی به یانك تسه‌رسید وقوای **سونك جوانك فانك** حکمران چین شرقی **ووو پی فو** حکمران‌چین‌مرکزی را شکست داده قلع وقمع نمود ودر۱۹۲۷ قوای ملی طرف نانکینك حرکت کرد و رسمیت‌پایتخت‌جمهوریت را اعلام‌نمود .

ودر۱۹۲۸ قوای **چانك‌تسولین** حکمران شمال چین را هم نابود نمود وبلافاصله منچوری‌هم تحت پرچم حکومت جمهوری قرارگرفت وباتمام کارشکنی‌ها وتحریکات روس ها وژاپونیها همین‌قدرکه چان‌کای‌چك موفق شد موفقیت بزرگی بود و برای اولین دفعه ژنرال وحکمرانان نقاط مختلفه چین مجبورشدند مرکزیت را بشناسند (۱) ودرکشورحکمرانان ایالات بمیل خود منصدی امورنمیشدند وطبق قوانین جدیدرئیس‌و اجزای شورا های ایالتی ازطرف‌مرکز عزل ونصب میشدند (۲) وهمین اقدامات موجب تحریکات وحس حسادت شوروی وژاپونیها گردید ومخصوصا کم‌مونیست ها از توطئه های خائنانه خودداری نمیکردند وباسم پاشی بین افراد جاهل وتحریك کسانیکه نفود سابق را ازدست داده بودند موجبات تشنج کشور را فراهم میکردند ولی تنها کسی که درمقابل تمام این عملیات‌مقاومت‌مینمود چان‌کای‌چك بود بزرگترین خدمتی که چان کای چك بوطن خود نمود خنثی کردن نقشه ژاپونیها بود زیرا درموقع حمله ژاپونیها کشور چین فاقد اسلحه ومهمات وافراد ورزیده بود ولی‌با زحمات خسته گی ناپذیرچان‌کایچك هشت سال درمقابل يك دولت قوی مثل ژاپون وتحریکات خائنانه کم‌مونیست‌ها مقاومت نمود تامملکت را ازچنگال ژاپونیها بیرون‌آورد وبرای اجرای این مقصود منتها درجه فداکاری وتحمل‌مشقت وبردباری درمقابل تمام بدبختی هارا ثابت‌نمود ومدت چهارسال یکه وتنها درمقابل ژاپونیها ایستادگی کرد ودومرتبه پایتخت را به **هانکو** و بعد به **چونك کینك** منتقل وچندین کارخانه اسلحه سازی را بازحمات فوق‌الطاقه بداخل چین منتقل کردوزیر بمباردمان‌های هوائی وحملات پی درپی ژاپونیها ازنجات وطن‌صرفنظر

---

(۱) متاسفانه درقسمت‌های اخیرهم‌هنوز مرکزیت را کاملا رعایت نمیکردندچنان که درجنگهای کم‌مونیست‌ها مشاهده‌شد

(۲)این قسمت‌هم مثل فرمان های زمان قاجاریه برای شیخ خزعل واقبال‌السلطنه وغیره بودکه باصدور فرمان مرکزعزل ونصب صورت میگرفت ولی حکومت مرکزی چاره‌نداشت وغیر ازاین‌که شیخ خزعل را پس ازقتل مزعل منصوب‌نماید یا بعد ازمرك تیمور پاشاخان مرتضی قلیخان را منصوب نماید .

ننمود و متاسفانه در همچو موقعی انگلیس ها و دیگران به ژاپونیها اسلحه می‌ـ فروختند(۱) .

درتمام مدت‌جنك بیش از یك میلیون قشون ژاپون‌درچین معطل بودکه بسایرجبهه ها نتوانستند بفرستند وکمکی که چین دراین جنك بمتفقین کرد قابل انکار نیست وچقدر ازمردم این کشور دراثر بمباردمان های هوائی وگرسنگی ومهاجرت تلف شدندوچان کای چك با چه مشقتی‌هشت سال این جنگ را ادامه داد تا بالاخره در کنفرانس‌قاهره کشورچین را جزء دول معظمه قرارداد ومستر روزولت ومستر چرچیل قدر وقیمت‌این مردرا دانستند ولی بدبختانه بطوری که خود شما حضور داشتید در موقع خود کمک نکردند واگر ازکمك‌اخیر خودداری نمی‌شدکم‌مونیست‌ها موفق نمیشدند ومی‌بینیدحالا پس ازسه سال باشتباهات خود پی برده وتا چه اندازه افکار تغییر کرده است .

درتمام مدت جنك وبدبختی چینیهای فریب خورده وشورویها مشغول تهیه ستون پنجم خود شدند چنانکه از اخبار مستفاد میشود همین کار است که فعلا در کشور شما هم مشغول هستند وجوانهای بی تجربه وکم عقل وجاه طلب را فریفته باامید جاه‌ومقام طوق رقیت ویوغ عبودیت ابدی را بگردنشان میگذارند درهرحال درموقعی که‌هردقیقه مرك کشور پهناورچین ممکن بود عدهٔ خودخواه وجاه طلب یا برای کیسه جوئی شخصی ستون پنجم شورویرا تقویت کردند وروسها نیز بسیار خوشحال بودند زیرا حریف‌سر سخت بزانو درامده وحالا نیها حریف آنها چان کایچك است که باید اورا هم ازبین برد ویك کشورپانصد ملیونی را ببلعید ودنیا راکم‌مونیست کرد بدبختانه متحدین‌ماحالا

---

(۱) اساسا شکست انگلیس‌ها درشرق اقصی قسمت مهمش ساختگی وتعمدی بود زیراسنگاپوررا درمدت سه روزتسلیم کردند وتمام این نقشه برای این بودکه‌امریکائی ها مجبورشوند داخل جنك شده وبانگلیسها کمك‌مالی ومعنوی نمایند این‌قبیل‌تاکتیك هاازطرف انگلیسهاچیزتازه‌ای‌نیست چنانکه درجنك بین لملل اول ژنرال‌توشانددرکوت العماره مشغول جنك بود .

قوای‌ژنرال باراتف بقصر وخسروی‌نزدیك‌میشد برای‌اینکه روسها به‌بغداد برسند یکمرتبه‌صندوقهای‌مهمات‌ارسالی‌سوزن کراماهون درآمد وژنرال‌توشاندباتمام‌قوای خود مجبوربتسلیم‌شد وخلیل‌پاشا ازیك جبهه‌خلاص شده به‌باراتف‌حمله‌نمود واورا تابین‌قزوین وهمدان عقب زد آنوقت ژنرال مد با قوای لازم وارد بین‌النهرین شد وخلیل پاشا را شکست داد نتیجه مطابق‌نقشه لندن اجرا گردید زیرا اگر روسها بایشان ببغدادمیرسید وانقلاب کم‌مونیستی که هنوز معلوم نبود دیگر اخراج روس ها از بغداد با کرام‌ـ الکاتبین بود .

بهمین جهت توشاند شکست خورده وتسلیم واسیر شد تا باراتف به بغداد نرسد درسنگاپورهم عینا همین رل را انگلیسها بازی کردند وامریکارا داخل جنك نمودند . وژاپونی‌ها علاوه بردولت‌منچوکویك دولت دست نشانده خودرا هم درچین شرقی‌مستقر کرده بودند ومنظورشان این بودکه تسلیم بلا شرط ژاپون‌را برای برقراری‌صلح بچین بقبولانند واین نقشه‌برای رقیت وعبودیت کشورچین طرح شده بودکه باجدیت‌ومقاومت چان کای‌چك از بین‌رفت وژاپون شکست خورد .

متوجه شده‌اند که کار از کار گذشته و اگر حالا بازهم سستی نکنند همین چانکایچک تنها کسی است که ممکن است چین را نجات بدهد .

دوست عزیزم علت اینکه پاسخ سئوالات شمارا ببعد موکول کردم اینست که آنروز شما کارچین را شاید تمام شده فرض میکردید و اگر اظهارعقیده میکردم من را در سن هشتاد وچند سال طرفدار یکطرف و مخالف یکطرف میدانستید بهمین جهت خواستم جریان روزگار و پیش‌آمد های بعد حقایق را بجنابعالی روشن نماید چنانکه خوشبختانه اکنون عقیده دنیای آزاد درخصوص چان‌کای‌چك بکلی عوض شده است ودر کشور چین وسایر نقاط عالم اسم اورا بخوبی میبرند وتبلیغات یکنواخت کمونیست ها برای بد نامی مشارالیه که درابتدای امر تاحدی موفقیت حاصل نمودند اینك متدرجاً از بین میرود .

اگرچه برای بسیاری ازجوانها که فریب تبلیغات کمونیست ها را خورده اند بسیار مشکل است که بحقیقت امر پی ببرند ولی وقایعی که درکره وهندوچین و مالایا وبرلین وآلمان شرقی وحتی درکشورچین ازسال ۱۹۴۹ بوقوع پیوست باعث شد که دنیای آزاد بفهمد که چان‌کایچك دشمن سرسخت کمونیست کاملا راه خطا نپیموده است وراجع بامپریالیسمی که از کرملین سرچشمه میگیرد حق داشته است زیرا او فی‌الحقیقه بنقشهٔ کمونیست‌های شوروی پی‌برده بود ومیتوان گفت مشارالیه بزرگترین رهبرضد کمونیست است

بطوریکه مطلع هستید ودرقسمت های اخیر خودتان درچین بودید در ابتدای مخالفت ماسه‌دونك روسها مقدار زیادی اسلحه که از ژاپونی ها گرفته بودند تحویل کمونیست‌های چینی دادند وازطرفی سیاست امریکا یکلی درچین تغییر کرد ودرعوض اینکه به چان‌کایچك کمکهای بیشتری بکنند وبرای اینکه برعلیه کمونیست ها بیشتر بتواند مقاومت نماید ومرام آنها درآسیا پیشرفت ننماید تشویقش نمایند بالعکس کمکی راهم که قول‌داده بودند قطع کردند ودرعوض اینکه بفهمند معامله باکمونیست‌هاهرگز ثمربخش نخواهدبود.مستقیما باکمونیست‌ها تماس حاصل نمودند وپس ازاینکه درسالهای ۱۹۴۶و۱۹۴۷ماموریت‌مارشال‌خاتمه پذیرفت کمونیست‌ها کاملا ازموقعیت ووقت‌استفاده کرده تجاوز خودرا درحالی که دست‌های‌چان کایچك را بسته بودند ادامه دادند وهمین که مارشال مأموریت وحشتناك خودرا خاتمه داده وبامریکا رجعت نمود امریکائی ها تصمیم وحشتناکتری گرفته و سیاست اولیه خود را تعقیب نموده وچین را بحال خود گذاشتند ونتیجه این شد که بنا بامر کرملین مائوسه تونك توانست پیشرفت نموده و به عملیات خود توسعه دهد

ولی حالا که سه سال ازموقع حمله اولیه گذشته دنیا متوجه شد که چان کای‌چك برای استخلاص آسیا ازچنگال خطرناك کمونیست می‌جنگد وعقیده چان‌کای‌چك اینست که دموکراسی‌ودنیای‌آزاد وراحتی‌جامعه بشریت وقتی‌است که کمونیست‌ها نابودشوند وبرای اینکه دنیا روی سعادت وراحتی را ببیند باید مجتمعاً ومتفقاً برعلیه کمونیست عمل نمایند .

حال که این نامه را بجنابعالی مینویسم ششصد هزار قشون درچین آزادتعلیم‌یافته

ومنتظر روز حمله هستند که شاید بیاری خداوند متعال وطن ما را از چنگـال دژخیم کم‌مونیست نجات دهند .

اکنون عقیده دنیای آزاد تغییر کرده است وامریکائی‌ها پی بخطای خود برده و یکدفعه دیگر فهمیدند که بایستی باچان کایچك ودولت ملی چین کمك ومساعدت نمایند و برای جلوگیری ازتوسعه امپریالیست کریملین قدمهای موثری بردارند علیهذا علاوه بر کمکهای اقتصادی بیش از ۷۰۰ نفر افسر ومستشار امریکائی بفرمز اعزام داشته‌وبرای تجهیزات قوای چین آزاد جدوجهد مینمایند درسازمان ملل متفق هم خوشبختانه‌مساعی روسها وهمکارانشان بلااثر ماند ودول‌عـالم هنوز نماینده ملت چین رااز‌طرف‌چین‌آزاد می شناسد

موضوع مهم‌تر شقاوت‌وبیرحمی وقتل عامی‌است که کم‌مونیست ها درچین‌مینمایند چنانکه تاکنون بیش از دویست‌وپنجاه‌هزارنفررا تیرباران کرده و بی گناه‌معدوم کرده‌اند ودرجنك کره نیز بیش از یك میلیون ودویست هزارنفر تلفات داده‌اند و بهمین‌جهت‌عموم اهالی چین دیگر اززندگانی مایوس شده وتنها امیدواری مردم بمراجعت‌چان‌کای‌چك واستخلاص کشورچین ازقصابهای کم‌مونیست است .

ازطرفی عموم ملت چین متوجه شده‌اند که حکومت کم‌مونیست چین دست نشانده دولت روسیه شوروی است ومملکت ووطن‌را باجنبی‌تسلیم کرده است وتمام قربانی‌های چینی برای موفقیت کریملین بدیارنیستی فرستاده شده است واکنون هشت هزارنفر(۱) روس بنام‌مستشار درتمام شاون مملکت دخالت میکنندوهر کس دقیقه‌برعلیه‌روسها فکر کند فوری بعاوین مختلف دستگیر واعدام میشود(۱) .

دوست من ـ حالا بامطالعه نامه من متوجه میشوید که برای پاسخ سئوالات شما چرا بمرور زمان قائل شدم زیرا آنروز شاید در اظهارات من تردید می کردید ولی تجربه چندین ساله پیرمردی مثل من برخودم محقق بود که آتیـه وضعیات را روشن و واضح خواهد نمود چنانکه حالا حقایق روشن شده ودانستید که ما چرا با کم مونیست مخالف هستیم این نکته‌را هم توجه‌داشته باشید که‌مملکت شما ایران هم‌درمقابل‌شوروی وستون پنجم روسها که بنام توده وطرفداران صلح وضد استعمار و غیره در کشور شما نامیده میشود درخطر بزرگی است خداوند جوانها و اشخاص جاه طلب‌را هدایت نماید ولی تنها خوش بختی شمـا اینست که مذهب اسلام بهیچ صورتی با کم مونیست توافق حاصل نمی کند چنانکه قسمت های مسلمان نشین چین تا این ساعت تسلیم‌مرام‌خطرناك کم‌نیست نشده‌اند .

درخاتمه اگر زندگانی من خاتمه حاصل نمود از شما خدا حافظی میکنم و یك

---

۱) ازقرار اظهار مقامات رسمی چین‌ملیون عدهٔ مستشارهای روس درکشورچین بهشتاد هزار نفر رسیده است واداره پلیس که همان اداره (کپه‌اووانکیودواسوبی‌ادل) باشد بالتمام دردست روسهاست‌وتمام اجرائیات مهم‌مخصوصاً پلیس مخفی مطابق‌دستور مسکو وکریملین اداره میشود وحتی مایسه تونك وچوئین لای دراین‌قسمت ها بهیچوجه دخالت ندارند وقادر بجلوگیری ازکشتارهای دسته جمعی نیستند .

قطعه عکس مرحوم سون یاتسن را که خواسته بودید لفاً ارسال میدارم و تمنی میکنم احترامات من‌را پذیرفته ومن را فراموش نفرمائید دوست شما ی ژ . چ

مراسله‌مشروح دوست معمر و گرامی من که ازچین ارسال شده است تا حدی نظر به اهالی این کشور بالاخص رجال مجرب ووطن‌پرست چین را روشن مینماید مخصوصا که نویسنده این مراسله ازرجال درجه اول ومعمروبسیار متنفذکشورچین ست وبهمین جهت ازطرف مایسه تونك وچه وچوئین‌لای ولیومورد احترام وتجلیل است و حال سنش‌باید بین ۸۰ و۹۰ سال باشد .

اگرچه استنباطات خود من وآنچه دراین‌کتاب نوشته شده است تقریباً خلاصه از بعضی‌قسمت‌های نظریه‌شخص‌محترم‌است ولی‌حالا که ازحمله‌کم‌مونیست ها بمرکزچین‌سه سال‌گذشته ملت چین متوجه شده‌است‌که تحت چه فشار وبدبختی قرارگرفته و امروز به دنیای آزاد مسلم شده است‌که سلطه‌کم‌مونیست درهرکشور اضمحلال قطعی و معدوم شدن ملیت ومذهب وسیادت آن‌کشور است چنانکه رفتارشوروی‌هارا درلهستان وچک اسلاو ورمانی و بلغارستان ومجارستان وآلبانی وآلمان شرقی می‌بینیم‌حتی وزیرجنگ آنها از مسکو تعیین میشود .

بااین رویه استقلال و موجودیت این ملل بکلی ازمیان رفته ودر زمان تزارها با اصول سلطنت مطلقه‌وسرنیزه ملل رانحت‌رقیت خود درمیآوردند‌حالا با اصول اشتراکی وسرنیزه ملیت وموجودیت وهستی ملل را دستخوش هوی و هوس خود قرار میدهند و تمام مللی که فوقاً ذکرشد امروز موجودیت واستقلال را فاقد هستند واین‌کلمات‌استعمار واستثمار وارتجاع‌حرف‌هائی‌است‌که‌برای اغفال جوانان بی‌تجربه وجاه‌طلب ذکرمیشود والا تمام این ملل تحت رقیت وبنده‌گی حکومت‌کرملین قرارگرفته ورویه فعلی‌روسیه شوروی بدرجات خطرناکتر از روسیه تزاری است وحالا باید تصدیق‌کنیم که تشخیص مارشال چان‌کایچك صحیح بوده است زیرا بالاخره امریکائی‌ها به اشتباه خود متوجه شده وباچانکایچك مساعدت میکنند .

حتی سه اسکادربحری امریکا مستحفظ فرمز است وششصد هزارقشون ارگابیزه فعلا درفرمز مهیای حمله است ولی سیاست انگلستان همان‌طورکه ازبمباردمان اطراف رودیالو ومنچوری جلو گیری میکند از حمله ملیون هم بچین اصلی با وسائل مختلف ممانعت مینماید چنانکه برای‌حمله بکشتی‌هائی‌که مواد جنگی برای چین‌کمونیست‌حمل میکنند چین‌آزاد را تهدید بکشتی‌های جنگی خودنمودند تاببینیم آتیه‌چه نقشه درصحنه سیاست خودنمائی خواهدکرد .

حمل اثاثیه

مسترلیو برادری داشت‌که رئیس حمل ونقل‌کامیون های دولتی بود وچندروزقبل چندکامیون مهمات ولوازم‌آرتشی ازشانگهای به نانکینك حمل‌کرده بود وکامیون‌های دولتی بایستی خالی‌بشانگهای مراجعت‌نماید علیهذا مسترلیو پنج‌کامیون‌برای حمل اثاثیه

سفارت حاضر کرد وما شبانه کامیون هارا در داخل عمارت سفارت بارگیری کردیم ولی فردای آن روز که خواستند جواز خروج برای کامیون های دولتی بگیرند کامیون هارا توقیف کردند .

نایب سفارت را بوزارت خارجه فرستادم متعذر شدند که رئیس امورسیاسی فعلا در وزارتخانه نیست بعد مستر لیو اطلاع داد که مأمورین دولت جدید شدیداً اعتراض کرده‌اند که چرا اثاثیهٔ سفارت را بارگیری کرده‌اید ما مخصوصاً قیمهٔ کرایه وحمل ونقل را ترقی دادیم که دراینموقع ازسفرا اسعار وپول بکشیم واین عمل شما برخلاف سیاست دولت بوده .

مستر لیو اظهارداشته‌است که سفارت ایران تصمیم داشت اثاثیه خودرا دریك خانه محقر قرارداده وحرکت نماید ما چون کامیون های دولتی را بایستی خالی ببریم ازموقع بنفع دولت استفاده کرده وچندین برابر کرایه علاوه دریافت داشتیم واگر هم ما این اثاثیه را نبریم حمل نمی کنند وخسارتی بی‌جهت متوجه اداره حمل و نقل دولتی میشود اگراجازه نمیدهید بما کتباً بنویسید ما بارهارا خالی می کنیم وکامیون های دولتی را خالی بشانگهای رجعت میدهیم ولی خسارت این عمل و مسئولیت آن متوجه شما خواهد بود که باید خودتان جواب بدهید .

بالاخره سه روز کامیون‌ها بهمین حال بابار درداخل سفارت توقیف بود که اجازه خروج نمی‌دادند پس‌ازمذاکرات متعاطی‌وجدیت مستر لیو واستدلال باین که اگرما حمل نکنیم اساساً اثاثیه را حمل نمی کنند بالنتیجه با دادن مبلغی محرمانه بمأمورین دولت کمونیست اجازه حرکت کامیون ها صادر شد و روز یکشنبه ۱۷ مهر کامیون ها طرف شانگهای حرکت کردند .

حال برای ارسال اوتومبیل ها باید فکری کرد چان شوفر ما اهل پکن و بسیار مرد نجیبی بود مستر لیو هم ما را مطمئن کرد علیهذا اتومبیل ها را هم قرارداديم که روز چهارشنبه بعد ازحرکت ما خالی بطرف شانگهای حرکت دهند ضمنا خطری هم متوجه بود زیرا اگرشوفرها اوتومبیل ها را می بردند ماهم وسیله برای استرداد آنها نداشتیم ودولت کمونیست غیرممکن بود کوچکترین مساعدتی باما بنماید .

(ولی باید اقرار کنم که چان شوفر سفارت کبرای ایران بسیار مستخدم مؤدب و درستکار ووظیفه شناسی بود چنانکه هردواوتومبیل سفارت‌را درشانگهای تحویل نموده ومن همیشه ازاین آدم راضی بودم و بهمین جهت هم در موقعی که اوتومبیل هارا در شانگهای تحویل نمود بی‌نهایت ازاو اظهار رضایت کرده وانعام خوبی‌هم باودادم)

بااین ترتیب ازفرستادن اوتومبیل هاهم خیالمان تاحدی راحت شد وبرای حرکت خودمان روزچهارشنبه بیستم مهر از راه آهن یك کوپه بدست آوردیم وپس ازچندین مرتبه رفت وآمد بالاخره اجازهٔ خروج دادند وعلت معطلی این بود که تقاضا میکردند عمارت سفارت را بدولت تحویل بدهید وما نمی‌توانستیم قبول کنیم وبالنتیجه ما عمارت را به پیشکارقاضی القضات تحویل داده و رسید گرفتیم وبمحض خروج ما از در سفارت سربازهای کمونیست داخل‌شده عمارت را بقوه قهریه تصرف کردند ولی‌دیگرمسئولیتی متوجه ما نبود .

قبل از حرکت عمل دیگری شد که معلوم بود مأمورین دولت جدید متعمد هستند که برای ما موانعی ایجاد کنند که حرکت نکنیم زیرا دوروز قبل مأمورسیاسی به‌آقای دیبا اظهار داشته بود که امیدواریم آقای سفیر کبیر بزودی مراجعت فرمایند وروابط بین ایران وچین کم‌مونیست مستقر گردد .

آقای دیبا جواب گفته بود اگرچه ما ازرفتارمأمورین دولت فعلی ناراضی هستیم زیرا برخلاف اصول بین‌المللی و مهمان نوازی باما رفتار شده است ولی رجعت آقای سفیرکبیرمنوط بشناسائی دولت جدید وتصمیم دولت شاهنشاهی ایران است .

درهرحال دوساعت قبل ازحرکت چهارنفر پلیس مسلح بسفارت آمدند که آقای سفیرکبیر درنظمیه حاضرشوند من سؤال کردم برای چه گفتند آقای (مارمیتون) شاگرد آشپزشکایت کرده است سؤال کردم برای‌چه‌امری شکایت نموده‌است پلیس گفت در جیب مارمیتون بدستگیرك درگرفته پاره شده است وباید سفیرکبیر خسارت‌کارگر را بدهد من گفتم ممکن بود جای دیگرشاگردآشپزپاره شود بسفیرکبیر چه مربوط است پلیسها خندهٔ کرده گفتند بفرمائید برویم .

بازمن بشوخی گفتم لباس رسمی من حاضرنیست باچه‌لباسی‌حاضرشوم بازخندیدند گفتند برویم بنظمیه .

من سؤال کردم خسارت آقای کارگر چه قدراست گفت دو دلار امریکا من دودلار انداختم جلو پلیس برداشتند وباسر تعارفی کرده از در خارج شدند ومن متوجه شدم که اگر باز در سفارت بمانیم ممکن است بازی های تازه دیگری شروع شود فوری حرکت‌کردیم وچون دوساعت هنوز بوقت رکت راه‌آهن باقی بود ودراستاسیون هم تأمین نداشتیم رفتیم بسفارت‌کبرای ترکیه وآقای کنعان اوغلو را ازجریان مستحضر ساختیم وچای را درخدمت ایشان صرف‌کرده وبادوست خودمان وداع نموده ساعت ٦ بعدازظهر باسناسیون که تمام ازبمباردمان خراب شده است وارد و بلافاصله واردکوپه شدیم‌وترن حرکت‌کرد.

شانکهای

دوساعت بعدازنصف شب واردشانکهای شدیم‌ایرانیان مقیم‌شانکهای دراستاسیون ازما استقبال‌کردند ومعلوم شد سایرسفرا هم همه یکی بعد ازدیگری وارد شانکهای شده‌اند برای خروج ازاستاسیون کیفهای‌دستی مارا باچمدان کوچك میخواهند تفتیش نمایند هرقدر اعتراض‌کردیم وپاسپورت سیاسی‌وجواز حکومت نانکینك را ارائه دادیم که این عمل برخلاف اصول است وشما حق ندارید قبول نشد البته ما دردفتر استاسیون اعتراض‌کردیم و کیفها را بازرسی کردند واجازه خروج دادند بامستقبلین بطرف خانهٔ که آقای احمد رئیس تجارتخانه نمازی برای ما تهیه‌کرده بود حرکت‌کردیم ودراین منزل که بدستورخود من تهیه شده بود زیرا درهتل ها امنیت نداشته ومحصورجواسیس حکومت بودیم‌درژنرال قونسولگری خودمان هم بدلائلی که بعد ذکرمیشود نمیخواستم وارد شوم ۷ روز در شانکهای توقف‌کردیم تا اجازهٔ خروج ازشانکهای با هزاران زحمت صادرگردید .

دراینجا چندکلمه ازطرز رفتارآقای ژنرال قونسول دولت شاهنشاهی ذکرمینمایم که علت عدم اقامت درژنرال قونسولگری را یادآورشده باشم و خیلی متأسف هستم که دراین مسافرت یکمرتبه دیگر بااخلاق ایشان مصادف شدم و چون مایل نیستم در این اواخرعمرموجبات رنجش بیشتری فراهم شود بطور اختصار ذکر میشودکه آقای نصیرالملك اخلاق ورفتارشان مناسب یك عضو وزارت امور خارجه ویك مأمور سیاسی نیست درکارهای ژنرال قونسولگری با وزارت امور خارجه مؤدبانه مکاتبه نمیکردند وچند مرتبه بطورخصوصی بمن نوشتندکه ایشان‌را متذکرفرمائیدکه طرزتحریرات خود را تغییر بدهد من‌هم تذکردادم ولی‌نتیجه حاصل نشد .

همچنین رفتارشان مناسب زندگانی یك مأمور سیاسی نبود و چون قدری روسی میدانند ودرژنرال قونسولگری تفلیس چندی انجام وظیفه می‌فرمودند دوستی وارتباط باروس های سرخ را برای روزمبادا ذخیره میکردند .

مستراستوارت سفیرکبیرامریکا ازمن سؤال‌کردکه آیا سیاست دولت ایران‌تغییر کرده است .

من جواب دادم برای چیست که اینطوراستعلام میفرمائید سفیرکبیرگفت مأمورین ماازشانگهای‌خبرمیدهندکه مناسبات ژنرال قونسول‌ایران‌باکمونیست‌ها خیلی صمیمانه وهمه روزی است .

من جواب دادم سیاست دولت ایران اگرتغییرمیکرد باید بمن‌که سفیرکبیر هستم دستور برسد نه بژنرال قونسول و بعقیدهٔ من مأمورین امریکائی اشتباه کرده‌اند ژنرال قونسول ما وخانم محترمه‌ایشان روسی میدانند وسابقاً درروسیه مأموریت داشتند شاید مراودات شخصی ودوستانه باشد .

درهرحال اطمینان میدهم که این سوء ظن مورد ندارد بخود ایشان هم بوسائلی تذکرداده شده بود وهمچنین صاحب خانه محل توقف‌ایشان مرتباً بسفارت‌کبرا شکایت میکردکه ایشان خانه مارا خالی نمی‌کنند واجاره‌هم نمی‌دهند ایشان بعنوان اینکه خانه متعلق بطوطی است و بمن مجاناً واگذارکرده است جواب مقنع نمیدادند در روابط خود بانایب ژنرال قونسولگری هم مماشات و ادب را رعایت نمی‌کردند تاآن حدکه برحسب تقاضای اولیای محترم‌آقایٔ دیبا به نانکنیك منتقل شدند خانه طوطی را هم‌که متعلق بتجارتخانه آقای نمازی است انفدرخالی نکردند تادرموقع ورود کمونیست ها یکی ازمتمولین چینی خانه خود را مجاناً بایشان واگذارکردکه کمونیست ها تصرف ننمایند وایشان ازاین‌خانه مجانی بخانه مجانی دیگرمنتقل شدند واحمد رئیس‌تجارتخانه نمازی شکایات دیگرهم می‌کردکه ازذکرآن خود داری میشودگذارشات دیگری هم میرسیدکه من حتی بوزارت امورخارجه هم چیزی ننوشتم ونخواستم درادوارآخرخدمت ایشان سوء نظری حاصل شود .

ولی هرقدر رفتار واخلاق آقای ژنرال قونسول زننده بود خانم محترمه ایشان خانم بهجت‌السلطنه خانم بسیارعاقل ومؤدب وازتمام جهات دارای‌صفات پسندیده ورفتار قابل تمجیدی بودندکه اقلا اعمال شوهرمحترم خودرا تعدیل میفرمودند .

جهات دیگری هم پیش آمد که درموقع مراجعت بهتردانستم باایشان ملاقات نشود وگذشته از اینکه امر وزارت متبوعه را اطاعت نکردند در موقع خروج هیئت سفرا ازچین تمام ژنرال قونسولها نزاکت هائی بجا آوردند ولی ژنرال قونسول ایران بروی خود نیاورده ومثل اینکه اساساً در جامعه مأمورین سیاسی وارد نبوده و نزاکتهای سیاسی را فاقد هستند .

ازهمین قدرهم که دراین کتاب توضیح دادم ازهمکارهای خودم دروزارت امورخارجه معذرت میخواهم زیرا هیچ وقت عادت نداشتم که ازهمکارهای خودم تنقید کرده وباعمالشان خرده گیری نمایم .

حرکت از شانگهای

بطوریکه ذکر شد اجازه خروج ازشانگهای صادر گردید وپس از تمرد آقای ژنرال قونسول ازامر وزارت امورخارجه اثاثیه سفارت راکه قابل حمل نبوددریك تجارتخانه سوئیسی بنام Comsnercial expresse Storage با دو اتومبیل بیمه کرده وامانت گذاردم ولی بیست تخته قالی و قالیچه ونقره آلات که تقریبا ۱۳۰ کیلو بود با پرده های ابریشمی ولوازم غذاخوری که ازکارهای دستی چین وبسیار ممتاز بود واگر درمحل می گذاردیم بواسطه هوای مرطوبی ازبین میرفت ونقره آلات هم ممکن بود تلف شود ودر کشور ایران هم با رویه متخذه جوان های مهندس و دکتر اصول تهمت رایج است.وموجب بدنامی وسوء استفادهٔ خصمای من بود زیرا حقیقتی دربین نیست و بعدهامعلوم شداین پیش بینی من کاملاصحیح بوده که درخاتمه این کتاب باستحضارقارئین گرام خواهدرسید علیهذا تصمیم گرفتم که اشیاء قیمتی مهم را باخود بیاورم وبرای خروج این اشیاء ازچین دوچارمشکلاتی شدم که کمونیست ها هرساعت ایجاد میکردند اول خروج نقره ازچین قدغن است که باهزارمشقت ثابت کردیم که این نقره آلات کار ایران است وبالاخره جواز خروج گرفتیم واین اشیاء را پس ازتفتیش گمرك حمل کردیم .

اتباع ایران شکایت داشتند که برای ما صدورتذکره بمشکلات دوچار خواهد شد من بوزارت امورخارجه تلگراف کردم و باتباع اطمینان دادم که برای صدور تذکره طویل المدت دستور خواهد رسید بقیه اثاثیه را طبق صورت های تنظیمی بیمه کردیم وهرسالی ۱٤۸ دلار بایستی حق الحفاظه وبیمه بپردازیم وپس ازاتمام این کارها خودرا برای حرکت مهیا نمودیم و جای مارا در کشتی Vingson معین کردند که روز سه شنبه ۲٦مهرمطابق ۱۹ اکبرساعت ۱۲حرکت نمائیم ضمناً درشانگهای شنیده شدکه فرمانده نانکینك که شهررا بکمونیست ها تسلیم نمود ازطرف مارشال تیرباران شده است .

کشتی ونیگسن

درموقع ورود بکشتی ونیگسن دوخبر بما رسید واز ساحل شانگهای حرکت نکرده بودیم که یکی ازسفرای کبار آخرین نفری بودکه داخل کشتی شد واین دوخبر را نقل نمود .

اول خبری بود که درشانکهای من مطلع شده بودم وآن اعدام فرمانده قشون نانکینك بود دویم خبراجتماع احزاب درپکن برای موافقت باکمونیست ها .

درچین پنج حزب مهم وجود داشت که باستثنای حزب کمین تانك که حکومت در دست خودآن‌ها بود و چهارحزب دیگر باحکومت ناسیونالیست ها مخالفت نمی کردند وچون اکثریت باحزب کمین تانك بود چهار حزب دیگر مماشات و مرافقت می کردند پس‌ازغلبه مایسه‌تونك حکومت کمونیست بآن‌ها اعلام‌نمود که ماباتمام احزاب حاضریم همکاری کنیم باستثنای کمین‌تانك وغیاباً رؤاسای این حزب را که مارشال چان‌کای‌چك درزاس‌آن قرارگرفته بود مهدورالدم اعلان‌کرده وآنها را محکوم باعدام نمودند و رؤاسای چهارحزب دیگررا بپکن‌احضار کردند .

روزتشکیل‌کنگره عمومی که باید تصمیم قطعی اتخاذ نمایند در سالن بـزرگ عکس‌استالین را گذارده ودرزیرعکس‌اسنالین عکس مایسه تونك را قرارداده بودند لیدر های سوسیالیست بمحض ورود بسالن سؤال کردند این عکس متعلق بکیست ؟ چوین لای جواب داد عکس استالین پیشوای کم مونیست است لیدر های سوسیالست گفتند ما برای‌کم‌مونیست غیرازمایسه تونك پیشوائی نمی‌شناسیم واگر این عکس را برندارید ما ازجلسه خاوج می‌شویم زیرا خارجی برای‌ما خارجی‌است وبرای ما امریکا وانگلیس وروس وژاپون وفرانسه تفاوتی ندارد .

چون چوین‌لای عکس را برنداشت لیدرهای سوسیالیست معترضانه ازسالن‌خارج شدند وچندنفر ازشیوخ قوم مشغول مذاکره هستندکه طوری اصلاح نمایند و نتیجه هم این شدکه بیرق چین ازصورت سابق تغییرکرد ودر پارچه سفید یك ستاره سرخ بزرك وچهارستارهٔ کوچك دراطراف‌ستاره بزرك‌قرارگرفته‌است که علامت٤حزب‌ملی‌است ودر اطراف ستارهٔ بزرك‌که حزب کم مونیست چین است و این خبر بعد در هونکونك هم تأیید شد ودرجراید هم منعکس گردید .

دراینجا بی‌مورد نیست‌کمیته اژدهای سبزرا معرفی نمائیم .

کمیتهٔ اژدهای سبز

کمیته اژد های سبز کمینهٔ است که سالهای متمادی در چین مشغول عملیات مخفی است این کمیته ازوطن‌پرستاران حقیقی تشکیل می‌شود افرادآن مخفی وتشکیلات بکلی سری است وکمیته ترور بسیارمخوف وخطرناکی است وهرکس ازطرف کمیته محکوم باعدام‌شود بطورقطع اورا ازبین خواهند .

بقدری درچین ازاین کمینه چیزها شنیده شدکه ذکر تمام آنها مورد ندارد فقط قسمت مهم اینست که جامعه چینی را خیلی مرعوب کرده است در موقع حرکت از چین شنیده شدکه ازطرف‌کمیته اژدهای سبز بخانم مایسه تونك وخانم چته وخانم‌لیونوشته شده است شوهر های خود را متوجه نمائید که تاچه حد تسلیم شوروی می‌شوند اگر تجاوزشود ملت چین آنهارا عفونخواهدکرد وکمیته انتقام ملت را خواهدگرفت حال نمی‌دانم تاچه‌حد این‌اخبارصحیح بوده‌است زیرا بادادن مغولستان ومنچوری معناً وتصدی هشتاد هزارنفرمستشار روسی درچین چگونه پس‌کمیته اقدامی نکرده است وشاید هم

درمعنی نقشهٔ طرح شده باشد که کمیتهٔ اژدهای سبزهم وارد بوده وبعد ها درموضوع مداخلات شوروی باید قضاوت نمود و دید آیا کمیتهٔ اژدهای سبز چه رویه ای اتخاذ خواهد کرد .

کشتی ونیکسون دارای نه هزار تناژ وکشتی تمیز و خوراکش هم مطلوب بود دراین کشتی ۱۳ سفیر کبیر وچهار وزیرمختار وچهار شارژدافر بااعضای سفارتخانه‌های مربوطه وارد شده وفقط تاهونکونك مارا میرساند بعد هریك باهروسیله که خود مایل باشند باوطان خود رجعت مینمایند .

کرایه این کشتی را از ما نگرفتند و گفتند دولت انگلستان بدول مربوطه بعد صورت می‌فرستد ودراین کشتی بیشتروقت من بامذاکره باسفیرکبیر بلژیك و سفیر کبیر مصر که فعلادرطهران تشریف‌دارند می گذشت .

روزجمعه ساعت ۵ صبح وارد هنکنك شدیم آقای‌نمازی دراسکله منتظرمن بودند ازطرف حکومت انگلستان برای هریك ازسفرا اوتومبیل فرستاده ومحل اقامت‌آنهارا هم معین کرده بودند .

ولی خوشبختانه وجود تجارتخانه نمازی درشرق اقصی‌آبروی دولت وملت‌ایران است من ازحکمران انگلیسی تشکر کرده واظهار نمودم که کلنی ایرانی ما برای من محل اقامت حاضر کرده‌اند واوتومبیل خودمان هم حاضراست وازرفقای کشتی خودمان خداحافظی کرده ازکاپیتان تشکرنموده وبا اوتومبیل آقای مهدی نمازی بخانه ایشان منتقل شدیم وچون خانهٔ آقای نمازی درمحل مرتفع وبسیار آبرومندی است واز حیث مبل ولوازم زندگانی‌تاحدی‌آبرومنداست درديد وبازدید باحکومت محل وسفراموجب آبرومندی بود .

آقای حاجی‌محمد نمازی مخصوصاً ازواشنگتن تلگراف کرده بودکه درتمام‌خط مراجعت تجارتخانه نمازیها از من پذیرائی نمایند و تلگراف تبریك ورودی هم بخود من مخابره‌نموده بود که من تلگراف‌تشکر نمودم ودرمدت ۸روز که ما درهنکنك بودیم‌نهایت محبت وصمیمیت واحتراماتی که لازمه مقام مأمورین دولت شاهنشاهی‌ایران بود ازطرف‌آقای نمازی بعمل‌آمدکه من برای همیشه متشکرم .

برای حرکت ازهونکونك معلوم شدکشتی‌کارتاژکه یکهفته دیگرحرکت خواهد کرد محل خالی ندارد و تنها کشتی‌که می‌توان استفاده نمود ٤٨ روز دیگر خواهد رسید وماهم برای اینمدت توقف بقدرکافی‌پول نداشتیم ودرخانه نمازی هم نمیتوانستیم این مدت توقف‌کنیم .

ناچارمن بمستراستونسن سفیرکبیر انگلیس تلفون کردم‌که تنها کشتی‌که ٦روز دیگرحرکت میکند کشتی‌کارتاژ است واگرما بااین‌کشتی حرکت نکنیم باید ٤٨ روز درهونکونك توقف‌کنیم واین عمل برای من غیرقابل تحمل است اگرمیتوانیدمساعدتی بفرمائیدکه ما باهمین‌کشتی به بمبئی حرکت‌کنیم مستراستونسن ازمن ٢٤ ساعت وقت خواست‌که جواب قطعی بدهد ضمناً من بوزارت امور خارجه تلگراف کردم‌که اثاثیه سفارت دریك تجارتخانه سویسی امانت‌گذارده شد ولی اثاثیهٔ قیمتی که قسمت مهم را

تشکیل میدهد ازقبیل فرش و پرده و نقره آلات وغیره اگر درشانکهای می گذاشتم بواسطه رطوبت هوا ممکن بود ازبین برود باخودآورده ام آیا بطهران حمل نمایم یا دستور دیگری داده خواهد شد پول هم هرقدرممکن است به هونکوك برسانید روزچهارشنبه جواب رسید که این اشیاء را تمام بسفارت کبرای ایران درکراچی تحویل نموده رسید دریافت فرمائید (چون سفارت کراچی فاقد اثاثیه است) پنج هزار دولار هم حواله شده است .

باوصول این تلگراف تکلیف ما روشن شد ومن فوری پنج هزار دولاررا بآقای گرمائی حواله کردم و مستراستونسن هم بمن تلفن کرد که درکشتی کارتاژ که روز شنبه ۲۸ اکتبر حرکت میکند چهارکابین برای جنابعالی مهیاست بنا براین فوری بلیط خریداری کردیم واثاثیهٔ سفارت را بکشتی حمل نمودیم (درصورتی که دوروز قبل بما جواب دادند محل خالی درکشتی موجود نیست) ومن بآقای نصر تلگراف کردم که یك عضو به بمبئی بفرستید که اثاثیه را تحویل بگیرند (کشتی که بطرف خلیج فارس میرود فقط ده ساعت درکراچی توقف مینماید واین مدت برای تحویل اثاثیهٔ سفارت کافی بود جناب آقای نصر سفیر کبیر ایران درکراچی مستشار خود را برای تحویل گرفتن اثاثیه تعیین وبه بمبئی اعزام داشتند .

درهونکوك دوسه پذیرائی بعمل آمد وبعضی از همکارهای ما بطرف امریکا حرکت کردند که ازآن راه باروپا بروند آقای سفیرکبیر مصراسمعیل ادریس باکشتی مستقیم طرف قاهره حرکت کردند بعضی هم باطیاره مراجعت نمودند من بواسطه اثاثیه سفارت نمی توانستم باطیاره مسافرت کنم علیهذا خود را برای حرکت باکشتی کارتاژ آماده کردیم .

روزجمعه ۱۶ آبان ساعت۱۲ حرکت کردیم وتلگرافاً ازآقای حاجی محمدی نمازی درواشنگتن اظهار امتنان نمودم وباآقای مهدی نمازی وداع کرده باتشکرازمساعدتها وپذیرائی‌های ایشان روزجمعه بکشتی منتقل شدیم ومستراستونسن سفیرکبیر انگلستان وخانم ایشان هم باهمین کشتی باماهم همسفرهستند .

کشتی کارتاژ

کشتی کارتاژ ازحیث تناژ وسایر تشکیلات شبیه بکشتی کانتون است و از جهت انتظامات ورعایت ادب ونزاکت کارکنان کشتی های انگلیسی تقریباً دارای یك اصول ویك‌رویه هستند من وخانم ومریم وآقای دیبا در درجه اول ومحمد پیشخدمت در درجه دویم بود وروز ها اکثراً بامستر استونسن صحبت میکردیم .

روز سه شنبه دهم آبان ساعت ۸ صبح کشتی ما درلنگرگاه سنگاپور پهلو گرفت ولی ساعت هفت صبح بمن اطلاع دادند که لیدی استونسن بدیدن خانم می آیند ما برای پذیرائی حاضرشدیم لیدی استونسن ومستراستونسن بکابین ما تشریف آوردند وباما خداحافظی کردند سفیرکبیرانگلستان اظهارداشت ما یك کنسولتاسیون (مجلس مشاوره) درسنگاپور داریم که منتظرورود من هستند پس‌ازخاتمه این جلسه باخانم بوسیله طیاره بلندن حرکت خواهیم کرد .

مامراسم تودیع‌را بعمل آورده وتاروی پل کشتی آنهارا مشایعت کردیم آقای نمازی ازمنصوبان آقای حاجی محمد نمازی است ودرسنگاپـور تجارتخـانه مهمی دارند موقع رفتن ما بچین ازورود ما بی‌اطلاع بودند ودراین موقع گویا بواسطه اطلاع تلگرافی آقای حاجی محمد نمازی ازواشنگتن باستقبال ما آمدند کشتی کارتاژ ٤٢ ساعت در سنگاپور توقف خواهدکرد وما باتفاق آقای نمازی از کشتی خارج شدیم وبمنزل آقای نمازی رفتیم خانم ایشان واقوامشان نیزحضورداشتند نهار را هم در کلوپ مهمان آقای نمازی بودیم .

سنگاپور روی خط استوا واقع است و درتمام چهار فصل گرم است فقط موقعی که باران میبارد هوا ملایم و مطبوع است ولی بمحض اینکه باران قطع شد و آفتاب خود نمائی‌نمودبرای ما تاحدی غیر قابل تحمل بود ولی این شهر بسیار زیباوبواسطه جنگلها ومحاط بودن از دریا منظرهٔ قشنگی دارد بقیه روز را بسدیدن نقاط تماشائی شهر گذراندیم وشب را.بکشتی مراجعت نمودیم امشب رادیو قتل مرحوم هژیر وزیـر دربار ایران را درمسجد سپهسالار اطلاع داد.

روز چهارشنبه باتفاق آقای نمازی بدیدن مسجد ابوبکر رفتیم این مسجد بسیار تمیز وزیبا ومزین‌است‌محل موعظه با پله‌کان مدور دربالای مسجد قرار گرفته‌وبارتفاع پنج شش متر محلی برای جلوس واعظ است که میکرفن هم درجلو آن قرار گرفته و درواقع یك مسجد مدرنی است .

پس ازتماشای این قسمت باغهای اطراف را نیز گردش کردیم وازجهت گل کاری ودرخت‌کاری بسیار قابل توجه بود روز پنجشنبه که ساعت ۱۲ کشتی ازسنگاپورحرکت مینماید صبح رفتیم بکارخانه کائوتشو سازی وچون من ازتشکیلات وطرز ساختن‌رزین بی اطلاع بودم میل داشتم که بدقت این قسمت را مطالعه نمایم چهار ساعت وقت مادر این کارخانه گذشت‌وبسیار جالب‌توجه‌بود شاید درایران هم درقسمت های جنوب‌وگرمسیر جزایر خلیج فارس ما هم بتوانیم از این صنعت استفاده نمائیم بالاخره برای‌ساعت۱۲ بکشتی مراجعت کردیم تنها چیزی که موجب تاسف من شد تغییر تابعیت آقای نمازی و خانواده‌اش که ساکن سنگاپور بودند می‌باشداین خانواده درسنگاپورموردتوجه‌هستند وحتی یکی ازبرادرها ازطرف شهر انتخاب شده بود وعضو شورای محلی بود والبته برای پیشرفت تجارتشان یا جهات دیگر تبعیت انگلستان را قبول کرده بودند و این خانوادهٔ محترم که موجب آبرومندی ایرانیان درشرق اقصی هستند البته بدلائلی‌مجبور باین عمل شده‌اندکه موجب نهایت تأسف من است در هرحال از پذیرائی و مرافقت و راهنمائی میزبان محترم وخانم ایشان تشکر کرده مراسم تودیع بعمل آوردیم و ساعت ۱۲ کشتی ازساحل جدا شد وبطرف شمال ازکنار مالایا درحرکت‌بود روزجمعه‌ساعت ۱۱/۵ به‌پننگ Pening رسیدیم وچون‌این شهر را درموقع رفتن دیده بودیم‌پیاده‌نشدیم وساعت ٦ کشتی‌حرکت کرد .

شب یکشنبه ۱۵ آبان رادیو اطلاع داد که دولت بیرمانی چین کمونیست‌راشناخت سه‌شنبه ۲۷ آبان کشتی ما بجزیره سراندیب رسید و دراسکله شهر کلمبو Colombo

پهلو گرفت وساعت ۲ کشتی حرکت کرد امشب رادیو اطلاع داد که دولت هندوستان هم چین کمونیست را شناخت شب پنجشنبه ۱۹ رادیو اطلاع داد که حکومت سراندیپ هم چین کمونیست را شناخت .

بالاخره کشتی ما ساعت پنج بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۹ آبان در ساحل شهر معروف بمبئی پهلو گرفت آقای بهادری ژنرال قونسول ایران و خانم ایشان و ویس قونسول وغیره ازما استقبال کردند وما باکشتی کارتاژ خدا حافظی کرده حمل با کاژها را بعهدهٔ آقای کازرونی پسر کازرونی ترجمان اول واگذار نمودیم وخودمان بهتل ماژستی منتقل شدیم زیرا در تاج محل جا نبود آقای خاکسار مستشار سفارت کبرای ایران درکراچی نیز دو روز بود که ببمبئی آمده که اثاثیه سفارت را تحویل بگیرد منتظر ورود ما بود .

شب جمعه شام را میهمان آقای بهادری بودیم و هرقدر درموقع رفتن به چین از پذیرائی خانم محترمه ایشان متشکر بودیم درمراجعت باضعاف افزده شد ودر مدت ۱٤ روز اقامت اجباری دربمبئی بقدری محبت ومساعدت وپذیرائی نمودند که ما برای همیشه شکر گذار هستیم .

هتل ماژستی خیلی ناراحت وهتل آبرومندی هم نبود بالاخره پس از مذاکرات روز دوشنبه ۲۳ آبان به تاج محل منتقل شدیم واین هتل یکی ازمجلل ترین وممتازترین هتل های شرق است ودراینجا ما میتوانستیم پاسخ مهمانی های دوستان را بدهیم وضمناً اثاثیه سفارت را بازکرده ودرمدت دو روز صورت برداری شد وبجزء بآقای خاکسار تحویل نموده رسید گرفتیم ومجدداً بسته بندی شدکه بکراچی حمل شود .

پنج شنبه ۲٦ وشنبه ۲۸ دوستان میهمان من بودند وبرای پذیرائی در تاج محل سالن غذا خوری که درموقع نهار وشام با ماشین تهویه هوای مطلوبی داشت ضمنا بواسطه موزیکال بودن خیلی پسندیده وجالب میباشد وبعضی شبها هم رقص و بازی های دیگر قابل تماشا بود .

رئیس موزیك برای پذیرائی ما مارش ایران وموسیقی ایران نواختند ومن تشکر کردم نقاط دیدنی این شهر ازقبیل موزه وباغ وحش وباغ معلق وسایر موسسات رادر ایاب وذهاب بجزء گردش کردیم مدت اقامت من دربمبئی بواسطه مراقبت و پذیرائی آقای بهادری وخانم ایشان بسیار خوش گذشت ومامجبور بودیم این مدت رابه دوجهت دربمبئی توقف کنیم اول انتظاررسیدن کشتی دامرا Damra که عازم خلیج ایران است ودویم تحویل اثاثیه سفارت بمستشار سفارت کبرای ایران در کراچی قسمت دوم خاتمه حاصل نمود وروز یکشنبه ۲۹ ابان کشتی دامرا وارد شد وبما اطلاع دادند که کشتی روز سه شنبه حرکت میکند .

علیهذا بارها را بکشتی حمل کردند وخودمان روز سه شنبه ساعت پنج بهمراهی آقای ژنرال قونسول ودوستان وارد کشتی شدیم وپس ازتودیع وتشکر ازمیزبان های محترم کشتی ساعت ٦ طرف کراچی حرکت کرد ودوشب قبل مطلع شدیم که دولت پاکستان هم چین کمونیست رابرسمیت شناخت وچند روز بعد دولت انگلستان شناسائی

چین کمونیست را اعلان نمود دراینجا بیمورد نمیدانم که قدری بطور اجمال سیاست انگلستان‌را درچین تشریح نمایم .

سیاست انگلستان درچین

پس ازجنك اول بین‌الملل تجارت کشورچین صدی نود وپنج در دست انگلیس ها قرار گرفت وانگلیسها ازاین موقعیت استفاده کردند ولی پس ازحمله ژاپون بچین وجنك دویم بین‌الملل تجارت چین ازید انگلیسها خارج شد وامریکائیها امور شرق اقصی را دردست گرفتند .

این پیش‌آمدوظهورقدرت امریکا درشرق اقصی موجب شدکه انگلیس‌هاحتما برای شکست امریکا درشرق‌اقصی عمل نمایند وبرطبق همین نقشه انگلیسها طوری عمل کردندکه امروز تنهادشمن خودرا کمونیست‌ها درچین امریکارا میدانند ودرجنك کره انگلیس‌ها طوری‌دست‌امریکائی‌ها‌رابند کرده‌اند که بهیچوجه خلاصی ندارندزیراازشدت‌عمل‌امریکائی هادرحمله بنقاط حساس‌منچوری واطراف‌رودخانه یالو جلوگیری‌میکنند وحتی‌سیاست‌مك آرتوررا تقبیح کرده وموجبات عزل اورا فراهم نمودند ولی معناً منظور انگلیس‌هااین است که جنك کره خاتمه حاصل ننماید وخصومت چینی‌ها بامریکائی‌هاتشدید شودوادامه این جنك‌هم صددرصد بضررامریکاست زیراکشورچین با پانصد میلیون جمعیت لاینقطع افرادی برای گوشت قصابی بجبهه اعزام میدارد ولی امریکا باید این هزینه هنگفت را که سه سال است می‌پردازد تحمل نماید واین جنك را برای حفظ حیثیت‌خود ادامه‌دهد وضمناً مجبوراست پای خودرا ازخط‌بیرون نگذارد وتمام این مقدمات برای‌ادامه‌تجارت انگلستان‌است ازراه هنگنك .

ولی منظوراصلی انگلیس‌هم عملی نشده‌است زیراروسها با داشتن هشتادهزارنفر مستشار درچین کمونیست حتی‌المقدور ازمنظورانگلیس‌هاجلوگیری میکنند وقتی‌اساسا برویه انگلیسها درچین تعمق نمائیم می‌بینیم که رویه انگلیسها درشکست ناسیونالیست هاکه فقط متکی بامریکائیها بودند بی اثر نبوده واخراج قشون امریکا وبحریه‌امریکا وبالاخره سفارت‌کبرای امریکا ازچین طبق یك نقشه معین عملی شده‌است وبعد بلافاصله پس از ورود کمونیست‌ها به‌نانکینك انگلیس‌هاتصمیم میگیرندچین کمونیست‌رابرسمیت بشناسند ووقتی که دوچار اعتراض آچسن وزیر امور خارجه امریکا میشوند خودشان موجبات حرکت کردیپلماتیك راازچین فراهم‌مینمایند ودوکشتی مخصوص‌بشانگهای‌برای حمل سفرا میفرستند وبالاخره پس ازدوسه ماه باهدایت‌کامین‌ولت دولت چین کمونیست را شناخته به پکن مراجعت مینمایند .

با مطالعه درسیاست انگلستان روشن میشودکه نقشه انگلیسها اینست‌که امریکا وروسیه را بجان‌هم بیندازد وبالاخره شاید خودشان هم وارد صحنه بشوند ولی طوری خصومت چینی‌رانسبت بامریکائیها تشدیدنمایندکه پس‌ازختم جنك بین‌الملل‌سویم‌نیز‌تجارت چین‌ونفوذ انگلستان درشرق اقصی متزلزل نشودولی روسها هم ازطرفی درخواب نیستند وباتمام‌وسائل بقطع رشته‌تجارت‌انگلستان‌درچین‌جدوجهد مینمایند منتهی‌عجالتاً‌موادی که برای‌محاربه لازم‌است ازانگلیسها می‌گیرندوبرعلیه‌امریکائیهااعمال‌مینمایندچنانکه بعضی

ازسناتورها واعضاء کنگره درواشنگتن باینموضوع متوجه شده‌واعتراض کردندتاآخرین نتیجه معلوم شود وازطرفی هم انگلیسی ها کوشش می کنندکه د رعین حالی که جبب امریکائی‌هارا خالی می کنند چین کم‌مونیست را هم درجامعه ملل وارد نمایند وازعملیات شدید امریکائی‌هاهم درجنك کره جلوگیری مینمایند .

درهرحال رویهٔ انگلستان مطابق رویهٔ تاریخی خود همیشه برای اغفال تمام ملل عالم واستفادهٔ خودشان تعقیب میشود وامریکائی‌ها نیز باین‌موضوع متوجه شده ومی بینیم که اختلاف بین آنها زیادترمی‌شود وازطرفی‌روس‌ها هم باین‌آتش دامن میزنند تاببینیم نتیجه رویه متخذه انگلستان درشرق اقصی ورویه مساعدت دولت امریکا باچان‌کای چك وحکومت فرمزوتقویت ژاپونی‌ها بکجا خواهدکشید وآیا دنیا براثرهمین طمع‌ورزی‌ها بآتش وخون کشیده خواهد شد یاخیر(۱) .

کراچی

روزپنجشنبه۱۳درساعت۸صبح کشتی ما وارد بندر کراچی‌شد جناب‌آقای میرزاسید علی خان نصرسفیرکبیر ایران درپاکستان وخانم ایشان واعضاء سفارت در عرشه‌کشتی ازما استقبال کردند کشتی‌دامرا ده ساعت درکراچی‌توقف خواهدکرد علیهذا ما باتفاق آقای سفیرکبیر وخانم‌ها بسفارت‌کبرای ایران رهسپار شدیم واثاثیه چین‌که بکراچی منتقل شده بود برای دوساعت بعد ازظهر بسفارت رسید وطبق صورتهائی‌که بامضای مستشارسفارت کبرای کراچی رسیده‌بود تحویل شد وصورتها را نیزآقای سفیرکبیرامضا نمودند وضمناً خواهش کردندکه سرویس غذاخوری راهم بسفارت‌کراچی بدهم ومقرر گردید بوزارت امورخارجه تلگراف نمایندکه درصورت موافقت وزارت خارجه ابلاغ نمایند تادستور دهم‌که سرویس را بسفارت‌کبرای‌کراچی تحویل نمایند .

امروز نهاررا درخدمت جناب‌آقای نصر درسفارت ایران صرف نمودیم و اثاثیهٔ که برای‌کراچی‌آورده بودیم فوق‌العاده موجب امتنان آقای نصررا فراهم‌کرد وازمن تشکر نمودند .

ساعت ۵ بکشتی مراجعت‌کردیم وپس ازمراسم تودیع آقای سفیرکبیر وخانم ایشان وسایراعضای سفارت ومشایعین ازکشتی خارج شدند و ساعت ٦ بعد ازظهر از کراچی حرکت‌کردیم وساعت ده شنبه ۵ آذر کشتی ما وارد هرمز شد وروز یکشنبه ٦ ساعت ده صبح ساحل بحرین رسیدیم من خیلی‌مایل بودم‌که این جزیره را بدقت ببینم ولی متأسفانه ازنقطه نظرسیاسی و موقعیت شخصی صلاح ندیدم‌که پیاده شوم وساعت ۱۱ ازبحرین حرکت‌کردیم وروردوشنبه۱۷درساعت ٦صبح درساحل جزیره راس‌الخیمه یا راس‌النار کشتی دامرا پهلوگرفت این جزیره امروز مرکز فعالیت امریکائی هاست وباتمام جدیت مشغول استخراج نفت هستند و مؤسسات مدرن درکمال سرعت و فعالیت

---

(۱) به نطق مسترانلی لیدراقلیت پارلمان انگلستان ورهبرحزب‌کارگر در۱۲مه ۱۹۵۳ درپارلمان درجواب مسترچرچیل مراجعه شود .

دودست تأسیس است کشتی ما لوازمی را که برای این جزیره حمل کرده بود تحویل نمود و نیمساعت بعد ازظهر ازراس‌النار حرکت کردیم .

این جزیره که سابقاً تقریباً غیرمسکون وشاید چندعرب باکمال بدبختی روز گار می گذراندند امروز یکی ازنقاط صنعتی مهم خلیج است وبانظردقت ملاحظه میشود که دست بشر وقدرت علمی عصر حاضرچه معجزهٔ کرده است و این محل که حقیقتاً همان راس‌النار است تمام وسائل آسایش را درخود دارد و احتیاجات سکنه و وسائل فنی و صنعتی را مرتباً باین جزیره حمل می‌نمایند وعمل استخراج نفت هم درکمال فعالیت عملی شده است .

روز سه‌شنبه ۸ آذر ساعت ٦ صبح بکویت رسیدیم و ساعت ٥ هم حرکت کردیم وروز چهارشنبه ۱۹ درساعت ٥/٥ صبح وارد شط‌العرب شدیم ولی بواسطه جزر ومد باید ساعت یازده کشتی پهلو بگیرد درساعت ۸صبح موتور بودهای کمپانی نفت سابق باآقای مصطفی‌فاتح درشط ازما استقبال کرده وازکاپیتن کشتی خداحافظی کرده بطرف آبادان حرکت کردیم .

درآبادان خانه برای‌ما معین شده‌بود وازطرف حکومت ونماینده شرکت خیرمقدم گفته شد برای این که اثاثیه وچمدانهای مارا درگمرك پیاده نمایند بایستی امروز را درآبادان توقف نمائیم شب‌آقای فاتح مارا بشام درکلوپ دعوت نمودند .

درموقع حرکت بطرف چین ۱۱ چمدان لباس های من وخانواده من همراه بود که در طهران گمرك پلمب کرده بود موقع‌مراجعت چمدان های ما ۲۱ بسته بود زیرا ٥ صندوق دفاتر وتذکره واسناد سفارت بودکه بایستی بوزارت امورخارجه درطهران تحویل شود پنج صندوق‌هم متعلق بآقای فریدون دیبا نایب‌دویم سفارت‌بودکه ازگمرك بخرمشهرحمل نمودند(۱) .

شب پنجشنبه که مهمان‌آقای فاتح بودیم بسیارخوش‌گذشت واز پذیرائی ومحبت ایشان خیلی ممنون شدیم وروز پنجشنبه ساعت ۹ صبح ازآبادان حرکت‌کرده در ادارهٔ حکومتی خرمشهر باقای ابوذر وارد شدیم‌آقای ابوذر ازاعضای بسیارلایق ودرستکار وبامعلومات وزارت کشوراست واززمانی که من وزیر کشوربودم باایشان سابقه دوستی داشتم‌آقایان‌اعضای ادارات‌لشکری وکشوری وآقای رئیس تلگراف که درایاب وذهاب بما خیلی کمك کردند ازما دیدن نمودند ونهاررا درخدمت‌آقای فرماندار صرف نموده ساعت ۳ بعد ازظهر باراه‌آهن طرف اهواز حرکت کردیم وساعت ۷ وارد اهواز شدیم امشب را درخدمت جناب آقای بهرامی‌که بامن سوابق زیادی دارند مهمان هستیم شب را درخدمت ایشان‌گذراندیم وچون‌آقای افخمی معاون راه‌آهن دراهوازتشریف داشتند خانم ومریم بواسطهٔ‌انتساب وخویشی وتقاضای خانواده گی بمنزل‌آقای‌افخمی که درواقع

---

۱) دفاتر گمرك آبادان صحت قضیه را ثابت مینماید و حالا معلوم می شود که پیش‌بینی من چقدرصحیح بوده‌است زیرا دشمنان من تبلیغ می کنندکه مرغ هشتادصندوق اثاثیه سفارت چین را با خود حمل کرده و سوء استفاده نموده است خداوندا اشخاص بی‌وجدان ومغرض را خود هدایت نماید .

برادرزاده من هستند برای استراحت منتقل شده وصبح روز جمعه ۱۱ درساعت ۷/۵ صبح ازاهواز حرکت کردیم و روز شنبه ۱۲ آذر ساعت ۷/۵ صبح وارد طهران شدیم افراد خانواده واقوام ودوستان را درکار راه‌آهن طهران زیارت کرده وچشم من بدیدار ایشان روشن شد .

این مسافرت ۱٤ ماه وده روز بحمدالله بسلامتی خاتمه یافت و با تمام مشکلات وپیش‌آمد های جنگ خداوند مارا حفظ نمود و بسلامتی بدیدار پای‌تخت مملکت وابنای وطن نائل گردیدیم .

دراینجا سفرنامه را خاتمه داده وارحقارت آن از قارئین محترم معذرت خواسته واشتباه یاانحرافی اگرشده باشد عفو واغماض را ملتمسم وامیدوارم درنظرارباب دانش موردتوجه قرارگیرد وچون اولین کتابی است که بزبان‌فارسی از کشورمعظم چین اطلاعاتی که برای‌العین دیده شده باختیارایرانیان میگذارد انشاءالله مورد استفاده خواهد بود .

خاتمه

در موقعی که من از چین حرکت می کردم مارشال چان کای چك رئیس جمهور و ژنرال لی وتمام رجال حکومت وقت ازچین خارج شده بودند و بهمین جهت نزاکت های بین‌المللی وتشریفات معمولی نسبت بسفرای کبارعملی نشد ولی پس ازچندی نامهٔ ازسفارت کبرای چین درتهران رسید که عین آن دراین کتاب درج میشود .

شمارهٔ ۱۸۵/٤۱

ژوئن ۱۹۵۲

جناب آقای سید مهدی فرخ سناتور محترم

اینك با نهایت احترام یك قطعه عکس حضرت رئیس جمهور چان کای چك را که شخصاً امضاء فرموده‌اند بعنوان یادگار بجنابعالی اخیراً از تایپه باین سفارت کبری واصل گردیده بدینوسیله بپیوست تقدیم میدارم .

ضمناً اضافه مینماید که دو کلمه اول چینی سمت راست عکس تلفظ اصلی نام حضرتعالی و دو کلمه دیگر عنوان سفیر کبیراست : ودرقسمت پائین سمت چپ عکس امضاء مهرایشان وحروف کوچك تاریخ امضاء مشارالیه میباشد موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

شاو چانك سو

کاردارسفارت کبرای چین درایران



عکس اهدائی چان کای چك رئیس جمهور باآقای فرخ سفیر کبیر ایران

جناب آقای شائوچانك سو شارژدافر سفارت کبرای چین در ایران

نامه شمارهٔ ۱۸۵/٤۱ بانضمام عکس حضرت مارشال چان‌کای‌چك رئیس جمهور که برسم یادگار باین جانب اهداء فرموده‌اند عز وصول بخشید متمنی است تشکرات من را بحضورشان تقدیم واین یادگارمدت‌اقامت خودم را درکشور زیبای شماهیچوقت فراموش نمی کنم تمنی دارم احترامات من را بپذیرید.

مهدی فرخ

درفروردین ۱۳۳۱ مراسلهٔ ازسفارت کبرای چین باین جانب واصل گردید که عین آن نیز دراین کتاب درج میشود.

جناب آقای سیدمهدی فرخ - تهران دوستانه ۱٦ فروردین ۱۳۳۱

سناتورمحترم افتخار دارم بطورغیررسمی باطلاع آنجناب برسانم که دولت متبوعه این جانب تصمیم گرفته حمایل بزرگ و مدال ستارهٔ درخشان را برای خدمات شایان تحسین وتقدیر و کمکهای ذی قیمتی که جهت تحکیم روابط دوستانه مابین دو مملکت موقعی که بسمت اولین سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران درمملکت جمهوری چین انجام فرموده‌اید اعطا نماید.

البته بی‌نهایت موجب امتنان اینجانب خواهد بود اگر آنجناب لطفاً تمایل خود را نسبت بقبول نشان نامبرده بالا ابراز وتشریفاتی که از نقطه نظر دولت شاهنشاهی ایران بایستی انجام داد اینجانب را مستحضر فرمائید موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد.

شائو چانك سو شارژدافرسفارت کبرای چین در ایران

پس ازوصول این مراسله مراتب‌را ضمن نامهٔ ذیل بوزارت دربارشاهنشاهی ادارهٔ تشریفات سلطنتی معروض داشتم:

۳۱/۱/۱۸

ریاست محترم تشریفات دربار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافدا

سفارت کبرای چین مراسلهٔ بتاریخ ۱٦ فروردین جاری باین‌جانب نوشته دولت متبوعه این‌جانب تصمیم گرفته حمایل بزرگ وستارهٔ درخشان برای خدمات شایان‌تحسین وتقدیر و کمکهای ذی‌قیمتی که جهة تحکیم روابط مابین دومملکت ما موقعی که بسمت اولین سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در مملکت جمهوری چین انجام فرموده‌اید اعطا نماید.

متمنی‌است مراتب را بعرض پیشگاه ملوکانه ارواحنافداه برسانید که آیا اجازه میفرمایند نشان اعطائی دولت چین را بپذیرم یا خیر ونتیجه اراده سنیه را باین جانب ابلاغ فرمائید.

مورخه ۳۱/۱/۲۱ شمارهٔ ٦۳۱

جناب آقای فرخ نماینده محترم مجلس سنا

نامهٔ مورخ ۳۱/۱۰/۱۸ راجع باعطای حمایل بزرگ ومدلل ستارهٔ درخشان که درنظر است از طرف دولت چین بجنابعالی اعطا گردد واصل واز شرف غرض مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذشت واجازه مرحمت فرمودند .

رئیس تشریفات دربارشاهنشاهی **هرمز پیرنیا**

پس ازوصول نامه تشریفات سلطنتی من مراتب‌را کتباً بسفارت کبرای چین اطلاع دادم که حمایل ونشان اعطائی دولت‌چین‌رامی‌پذیرم ودرموقع خود بوسیله وزارت‌امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران ارسال فرمائید .

مراسله ذیل ازطرف سفارت کبرای چین برای اینجانب ارسال گردید .

شمارهٔ ٤۲/۲ ۱۵دی ۱۳۳۱

جناب آقای سیدمهدی فرخ سفیر کبیر سابق ایران درچین

بدین وسیله افتخار دارد که از طرف دولت متبوعه خود حمایل بزرگ و ستارهٔ درخشان که توسط رئیس جمهوری چین برای خدمات شایان تحسین وتقدیر وکمکهای ذیقیمتی که جهت تحکیم روابط دوستانه مابین دو کشور در موقعیکه بسمت‌اولین سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران درمملکت جمهوری چین انجام فرموده‌اید به‌آنجناب‌اعطا گردیده به پیوست تقدیم نمایم ضمناً گواهی‌نامه (مقصود مرمان است) مدال به پیوست تقدیم گردید . (۱)

بایستی خاطرنشان ساخت که مدال طبق امریه رئیس جمهور درتاریخ ۱۲ماه مه ۱۹۵۲ اعطا گردیده ولی بواسطه اشتباهی که درنقل و انتقالات شده اخیراً ازطرف سفارت دریافت گردیده وتأخیر در این مورد موجب نهایت تأسف است ضمناً ازآنجناب تقاضا مینماید که وصول ضمائم را ابلاغ فرمائید .

باتقدیم احترامات فائقه **شائو چانك سو** کاردارسفارت کبرای چین

۱٦ دی ۱۳۳۱

---

۱) فرمانی که از طرف دولت چین برای نگارنده فرستاده شده است در وسط پائین بزرگ برنك سرخ ممهوراست واین مهررا آل تمغای گویند بمعنی (سرخ مهر) واین رسم گویا از زمان سلطه مغول در چین معمول شده است بتاریخ عطاملك جوینی جلد اول بمقدمه شرح حال مصنف صفحه (بط) مراجعه شود .

این مهرمربع کامل و۱۳ سالنتی‌متر در۱۳سانتی‌متراست که اززمان سلطنت مغول هم بهمین قسم درفرامین سلطنتی استعمال میشده است

جناب آقای شائوچانك سو كاردار سفارت كبرای چین

گرامی نامه مورخ ۱۵ دیماه ۱۳۳۱ بشمارهٔ ۴۲/۲ بانضمام فرمان وحمایل بزرك ونشان ستارهٔ درخشان رتپ وصول داد باكمال افتخار این فرمان كه حاوی اظهارقدردانی ازخدمات ناچیزاین جانب درمدت مأموریت خود دركشورمعظم چین میباشد دریافت داشته و بهترین یادگار درمدت زندگانی خود میدانم ونمنی مسكنم تشكرات اینجانب را بحضور والاحضرت اقدس رئیس جمهور تقدیم وامیدوارم اولیای دولت معظم چین ملیون اینجانب را همواره ازدوستان صمیمی خود بدانند .

درخاتمه ازمهر وصمیمیت جناب آقای شارژدافر نمی توانم خودداری كرده واینك مراتب محبت قلبی خود را خدمت ایشان تقدیم میدارم .

سید مهدی فرخ

خیلی متأسف هستم كه درخاتمه این كتاب برای روشن شدن قارئین محترم مجبور شدم موضوع كوچكی را تكرار كنم ونظر بموقعیت ومحیط متشنج و تهمت زنند فعلی امیدوارم معذرت مرا قبول فرمایند .

چنانكه دراین كتاب ذكرشده است اثاثیه مهم وقیمتی سفارت كبرای ایران را كه باتحمل زحمات زیاد ازچین خارج نموده بودم طبق دستور وزارت امورخارجه بسفارت كبرای كراچی تحویل وبقیه ازقبیل میز وصندلی واتومبیل كه خارج كردن آن غیرممكن بود در محل بیمه شد و نتوانستم راضی شوم كه اموال دولت از بین برود ولی پس از تصدی من درسنا يك عده هوچی كه دورآقای مصدق السلطنه وقوام السلطنه را گرفته اند بواسطهٔ عدم موافقت من باقوام وتردید نسبت بسیاست متخذه دكترمصدق شروع بفحاشی وهرزه گی نمودند ویكی دو ازآن روزنامه های خلق الساعه كه اززمامداری قوام السلطنه ومصدق السلطنه به نان وآبی رسیده بودند بخیال افتادند كه من را بیك وسیله متهم نمایند وچون بعون الله دورهٔ زندگانی من بقدری بی آلایش است كه شدیدترین دشمنان من نیز نمی توانند وسیله برای حمله بمن بدست آورند . موضوع اثاثیه سفارت را در جراید مطرح كردند كه فرخ هشتاد صندوق ازچین باخود آورده واثاثیه دولتی سفارت چین را بنفع خود تصرف نموده اینك برای رفع سوء تفاهم توضیح میدهم كه تمام اثاثیه شخصی من درمسافرت بچین درایاب وذهاب فقط وفقط یازده صندوق بوده كه دفاتر گمرك تهران وخرمشهر نشان میدهد واما راجع باثاثیه سفارت كبرای ایران درچین عین مراسلهٔ وزارت امور خارجه ذیلا درج میشود :

بتاریخ ۱۳۳۱/۳/۱۸ شمارهٔ ـ ۸۱۲۰/۳۶۴

جناب آقای فرخ سناتور محترم

درجواب یادداشت مورخ ۳۱/۳/۳ جنابعالی راجع باثاثیه سفارت كبرای شاهنشاهی درچین زحمت افزا می گردد :

بطوری که استحضار دارند پس از انحلال سفارت کبرای مزبور قسمتی از اثاثیه مشتمل بر فرش - پرده - دستمال سفره - نقره آلات طبق ریزی که در پرونده موجود است توسط جنابعالی تحویل سفارت کبرای شاهنشاهی در کراچی گردیده و بقیه اثاثیه که صورت ریز آن در پرونده ضبط است از بانکیسك بشانگهای حمل ودر کمپانی سویسی Commercial Expresse Storage بامانت گذارده شده است یك سرویس ۲۴ نفره هم که در زمان تصدی جنابعالی بانگلستان سفارش داده شده بود بسفارت کبرای شاهنشاهی در پاکستان تحویل گردیده است

وزیر امور خارجه **باقر کاظمی**

در خاتمه امیدوارم خداوند اشخاص مغرض را هدایت و کشور ایران را از این خصومت ها ومخالفت های شخصی حفظ نماید

سید مهدی فرخ

فهرست مندرجات

مانهایت سعی و جد وجهدی که بعمل آمد معهذا بعضی اغلاط درچاپ دیده میشود که ازقارئین محترم تمنی میشود قبل‌از مطالعه اغلاط را تصحیح فرمائید:

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	۷	پذیرمم	پذیرفتم
۳	۱	و	در
۳	۱٦	فرما	فرمان
۳	۲۱	اثاثیه اوتومبیل	اثاثیه و اتومبیل
۱۰	۱۲	می نماید	می نمایند
۱۱	۳	ایران	انگلیس
۱۱	۲۱	انگلیسی ها	انگلیس ها
۱۱	۳۲	اوتومبیل	اوتوبوس
۱۲	۱۲	محد	مجد
۱۳	٥	کبری	کبرای
۱۷	۱٤	۲٤	۱٤
۱۸	۱٦	ریس	رئیس
۱۸	۱۹	رییس	رئیس
۱۹	۲۷	فی‌الاقدم	فالاقدم
۲۱	۲۲	عادات رسوم	عادات و رسوم
۲۳	زیرعکس	جمهوریت	پدر جمهوریت
۲۳	زیرعکس دویم	ابنیه ها	ساهای
۲٤	۲٦	پرت آرتورا	پرت ارتور را
۲٤	۲۷	آد	امد
۲٥	۱۰	بین مللی	بین‌المللی
۳۰	۱۰	چای کای	چیان کای
۳۱	٦	جمهوری ــ ــ سون	جمهوری‌ازطرف‌سون
۳٥	۱۳	ازد	ازدو
۳۹	۱	گزیده ــ دبات	گزیده و دبات
۳۹	۲	سماید	مینماید
٤۰	۱۸	با	تا

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٨	٨	ود	خود
٤٨	١٤	بعقده	بعقیده
٤٨	٢٨	بمخاهت	بمخالفت
٦٢	١٩	ارم چ	ارم چی
٦٢	٢٨	سوون	سویون
٦٦	٢	ه	همه
٧٢	٢٥	یغه	یقه
٨٤	٩	به اپون	بژاپون
٨٧	٣٣	کم‌موییت	کم مونیست
٩٠	١٠	دلت	دولت
٩١	١٩	رکت	حرکت
٩٣	٢٨	اکبر	اکتبر
٩٥	١٩	زندگانی ما	زندگانی هم تا
١٠٠	٢٥	هرمز	باب هرمز
١٠٤	٣	مدلل	مدال
١٠٤	١٠	ارشال	ارسال
١٠٤	٢٥	نگاریده	نگارنده
١٠٤	٢٦	معهور	ممهور
١٠٥	٢٦	راین	واین
١٠٤	٢٩	سالتی	ساتی
١٠٤	٢٩	اززمان	درزمان